

زبان‌شناسی ایرانی ۲۰۰۰

درباره زبان آسّی

تألیف
محسن ابوالقاسمی



آرشیو ملی و کتابخانه ملی ایران
۶۶

زبان‌شناسی ایرانی «۲»

درباره

زبان آسی

تألیف

محسن ابوالقاسمی



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

از این کتاب
۱۰۰۰ نسخه در تابستان ۱۳۴۸ در چاپخانه محمدعلی علمی
چاپ شد

پیش‌گفتار

این کتاب شامل یک مقدمه و پنج بخش است. مقدمه گزارشی است کوتاه دربارهٔ تاریخ، زبان، ادبیات و زندگی اجتماعی و سیاسی کسها از دوره باستان تا به امروز. در بخش نخست، پیش از همه، واژه‌های ایرونی و دگوری هر یک جداگانه داده شده‌اند؛ پس از آن، هر یک از واژه‌ها از نظر تاریخی و طبیعی - با آوردن نمونه‌های بی‌شمار از آکسی و از دیگر زبانهای ایرانی - بررسی شده‌اند. اگر واژه‌ای برابر اوستایی یا فارسی باستان نداشته، برابر فرضی باز ساخته شده است. در این گونه موارد واژه سنگریت برای نشان دادن درست بودن بازسازی شاید آورده شده است، در غیر این صورت از آوردن واژه سنگریت خبر به ندرت خود-داری شده است. معنی هر واژه آکسی و سغدی و... همان واژه فارسی است که به نام «فارسی نو» در پایان نمونه‌ها داده شده است. نمونه:

ایرونی *avd*؛ دگوری *avd*؛ اوستایی *hapta-*؛ فارسی نو هفت
اگر معنی واژه آکسی و سغدی و... با واژه فارسی یا با هم فرق داشته‌اند، هر یک از واژه‌ها با یک

دسته از آنها که بیک معنی بوده اند ، جداگانه معنی شده اند . نمونه :

ایرونی bon : روز ؛ اوستایی -bānu- : روشنی .

در بخش دوم تحت شرحی کوتاه درباره فعل در آسی داده شده ، پس از آن
چگونگی اشتقاق هر گروه از فعلهای آسی از ایرانی باستان نبوده شده است ، در صورتی که در
دیگر زبانهای ایرانی فعلی هم ساختمان فعل آسی وجود داشته ، کن فعل داده شده است . برای معنی
کردن فعلهایی که در این بخش آمده ، روش معنی کردن واژه با بخش نخست ، به کار بسته شده است .
در بخش سوم وندهای آسی مورد بررسی قرار گرفته اند ، نخست وند آمی داده شده ،
آنگاه معنایی که وند به واژه می دهد ، نوشته شده و برای هر مورد نمونه ذکر گردیده است . از
دیگر زبانهای ایرانی برابر ذکر گردیده ، کوشش به کار رفته است که برابر از هر لحاظ با آسی یکی باشد .
در بخش چهارم ویژگیهای آسی مربوط به اسم و صفت و فعل و ضمیر که فواید تاریخی و طبقاتی
دارند ، مورد بررسی قرار گرفته اند . این بخش به نسبت مطالب آن گوناگون (= miscellany)

نمیده شده است .

دخست پنجم ده متن اسی، با ترجمه و شرح و معنی واژه های هر متن، داده شده است. از

این ده متن نه متن به ایرودی است و یک متن به دوروایت ایرودی و دیگری :

خطی که در این کتاب به کار رفته، همان خطی است که *A. Christensen*

در *Textes ossètes* به کار برده است، با این تفاوت که به جای *u* و

(بهنگامی که نیم مصوت باشد) و *3* در این کتاب *y* و *w* و *z* به کار برده شده است.

تمهای شماره ۲، ۸، ۹ و ۱۰ به خط نوین اسی اند. در پایان این پیش گفتار جدولی برای برابری خط این کتاب با

خط نوین اسی که از روی خط روسی درست شده است و تلفظ تقریبی هر یک از حرفها داده می شود.

در متن کتاب به منابع مورد استفاده با نشانه های اختصاری بازبرد داده شده است،

در فهرست منابع نشانه های اختصاری شرح داده شده و منابع دیگر ذکر گردیده اند.

در پایان این کتاب یک راهنما برای واژه هایی که در مقدمه و در بخشهای اول و دوم و

سوم و چهارم این کتاب به کار رفته اند، ترتیب داده شده است.

اینک جدولی برای برابری خط این کتاب با خط نوین اسی و تلفظ تقریبی هر یک از حرفها :

پنج

خط این کتاب	خط نوین	تلفظ تقریبی هر یک از حرفها
a	α	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ā فارسی در داد .
æ	æ	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ǣ فارسی در دد .
e	e	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ e فارسی در چهل .
o	o	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ o فارسی در سرخ .
ū	y	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ u فارسی در زور .
u	y	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ u انگلیسی در book (= buk) و look (= luk) .
i	h	تلفظ این حرف برابر است با تلفظ i انگلیسی در governor (=) (gʌvənə)

شش

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>z</i> فارسی در زیر .	u	ī
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>i</i> انگلیسی در milk .	u	i
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>y</i> فارسی در یک .	ū	y
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>w</i> انگلیسی در water .	y	w
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>b</i> فارسی در باد .	б	b
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>p</i> فارسی در پدر .	п	p
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>p</i> در آن است که در تلفظ <i>p</i> ، پس از ادای <i>p</i> ، آوایی ه مانند ادای شود .	пъ	p'
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>f</i> فارسی در برف .	ф	f
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>s</i> فارسی در وام .	в	v
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>m</i> فارسی در مرد .	м	m
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>d</i> فارسی در دد .	г	d

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *t* فارسی در . تار .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *t* در آن است که در تلفظ *t* پس از ادای *t* ، آوایی

ه مانند ادای شود .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *s* فارسی در . سر .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *z* فارسی در . زور .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *n* فارسی در . نرم .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *r* فارسی در . روز .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *l* فارسی در . لاله .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *j* در اصفهانی .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *c* در اصفهانی .

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ *c* در آن است که در تلفظ *c* پس از ادای

c ، آوایی ه مانند ادای شود .

هت

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ج فارسی در جان .	gɟ	j
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ چ فارسی در چهار .	ɟ	ç
فرق تلفظ چ با ج در آن است که در تلفظ چ پس از ادای c ، آوایی ه مانند ادای شود .	ɟb	ç'
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ q فارسی در گاه .	ɣ	q
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ k فارسی در کمان .	k	k
فرق تلفظ ک با k در آن است که در تلفظ k پس از ادای k ، آوایی ه مانند ادای شود .	kɒ	k'
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ q فارسی در قول .	xɒ	q
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ x فارسی در خانه .	x	x
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ɣ در کرمانی .	ɣɒ	ɣ

در اینجا وظیفه خود می‌دانم که از جناب آقای دکتر خانلری دبیر کل و مدیر عامل بنیاد فرهنگ

ایران که دستور چاپ این کتاب را صادر فرمودند سپاسگزاری کند .

از دوست گرامی آقای محمد علی صوفی که بابت زیاد کتابت این کتاب را انجام

داده اند ، تشکر می‌کند .

محسن ابوالقاسمی

تهران

تیرماه ۱۳۴۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۲	بررسی واکهای آکسی
۷۴	بررسی فعلهای آکسی
۱۰۰	بررسی وندهای آکسی
۱۱۹	گوناگون
۱۳۱	مقن
۲۱۸	پاره ای از اصطلاحات
۲۲۱	فهرست منابع و راینهای نشانه ها
۲۳۲	واهنهای واژه ها

مقدمه

زبان آسی یکی از زبانهای نوین ایرانی است و بازبانهای خوارزمی و سغدی و یغانی نزدیکی بسیار دارد. این نزدیکی در سراین کتاب نشان داده شده است.

زبان آسی به دو گویش تقسیم می شود: گویش ایلرونی و گویش دیگوری. گویش ایلرونی اساس زبان ادبی است و اکثر آسها به این گویش سخن می گویند. گویش دیگوری گفته ترمی نماید. رابطه گویش ایلرونی با گویش دیگوری مانند رابطه فارسی میانه با فارسی نو است.

آسها در دو سوی کوههای اصلی قفقاز زندگی می کنند، در دوره باستان آسها به نام سمرت و در دوره میانه به نام آلان هم معروف بوده اند. بطلمیوس (در ۱۹ و ۹ و V) سمرتها را *Abailoi* می خواند و استرابون (در 8 و XI) *Abiloi*. پلانوکارپینی در ۱۶۴۵ عبارت "*Alani sive Assi*" "الانها یا آسها" را به کار برده است. به تحقیق پیوسته است که سمرتها و الانها خود تیره ای از سکه ها بوده اند.

آن طور که از کتابهای اسلامی برمی آید، مسلمانان آسهارا مردمی جدا از
 آلتاها / آرا آلتا می دانسته اند و محل زندگی آنها را جایی میان آلتاها و روسها معرفی کرده اند
 (نگاه کنید به نزهة القلوب حمداله مستوفی - چاپ تهران ۱۳۳۶ - ص ۱۱ ، صورة الارض
 ابن حوقل - نشر دار مکتبة الحیاة ، بیروت - ص ۲۸۵ به بعد) .
 امپراطوری روسیه در سال ۱۷۷۴ آسهارا به تابعیت خود درآورد ، و
 ایشان تا انقلاب ۱۹۱۷ در تابعیت دولت روسیه تزاری به سر بردند . پس از انقلاب ،
 بشویلیا با دست کردن دودستگاه حکومتی به آنها خود مختاری دادند ؛ برای آسهای سکن
 شمال کوههای قفقاز « جمهوری خود مختار آسی شمالی » داخل در اتحادیه روسیه و برای آسهای
 سکن جنوب کوههای قفقاز « استان خود مختار آسی جنوبی » تابع جمهوری گرجستان .
 مساحت جمهوری آسی ۸ هزار کیلومتر مربع و مساحت استان آسی ۳۱۹ هزار کیلومتر مربع
 است . مرکز جمهوری آسی Ordzhonikidze (ولادی قفقاز پیشین)
 است و مرکز استان آسی Staliniri .

شهرسازی سال ۱۹۵۹ نشان داد :

۱- جمعیت کل جمهوری داستان آکسی ۴۱۰ هزار نفر است ، از این شمار

نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر آکسی و باقی از ملیتهای دیگر اند : از روسی ، اوکرائینی ،
ارمنی و گرجی .

۲- نزدیک به ۷۵ درصد آسیان در جمهوری آکسی زندگی میکنند و ۲۵ درصد

بقیه در استان آکسی .

۳- ۵۳ درصد آسیان جمهوری آکسی شهرنشین و باقی روستائین اند .

۴- ۲۵ درصد آسیان استان آکسی شهرنشین و باقی روستائین اند .

۵- در هر یکوی متر مربع از جمهوری آکسی ۵۶/۱ نفر و در هر یکوی متر مربع از استان آکسی

۲۴/۶ نفر زندگی میکنند .

۶- در مرکز جمهوری آکسی Ordzhonikidze ۱۶۴ هزار نفر

و در مرکز استان آکسی Staliniri ۲۲ هزار نفر زندگی میکنند .

آسهای جمهوری آکسی به خود Ir و به کشورشان Irīston می‌گویند.

آسهای استان آکسی به خود digor می‌گویند، و از این جا است گویش ایرونی و گویش دیگر.

ایر از ایرانی باستان -ārya و ایرون منسوب به ایر از ایرانی باستان

-āryana می‌آید. دیگر واژه‌ای است قفقازی و قدیم، در کتاب جغرافیای

موسی خورنی به صورت tikor آمده است. آکس نامی است که دیگران

به این مردم داده‌اند، شاید آکس برابر باشد با -asu اوستا به معنی تندرو؛

فارسی نو آکهو (→ فارسی باستان -āθuka*) . علت این نام نهادن شاید

این باشد که این مردم در جنگها سخت چالاک بوده‌اند، و این امر، یعنی چالاک

سکه با در جنگها، چیزی است که همه تاریخ‌نویسان کهن به آن اشاره کرده‌اند.

زبان آکسی در سال ۱۷۹۸ برای نخستین بار به قید کتابت درآمد،

و این سال مبلغان مسیحی برای زبان آکسی خطی براساس خط اسلاوی کلیسایی درست کردند.

بعداً دانشمند روس Andrej Shegren (۱۸۵۵ - ۱۷۹۴) برای زبان

آسی خطی براس خط سیمی روسی درست کرد و این خط را در کتاب «فهم خود» دستور زبان
آسی «که در سال ۱۸۴۴ منتشر ساخت» به کار برد.

شگرن نخستین کسی است که دستور برای زبان آسی تألیف کرده است.

شگرن برای بررسی زبان آسی نزدیک به ۲ سال، از آغاز سال ۱۸۳۶ تا پایان سال
۱۸۳۷ در میان آسهازیست و به گردآوری مطلب پرداخت و نتیجه بررسی های خود را در
کتاب دستور زبان آسی نوشت. شگرن با این کار نخستین گام را در زبان شناسی
آسی برداشت و راه را برای دیگران باز کرد. دانشمند دیگری که در پی رشت زبان شناسی
آسی سیمی فهم دارد، دانشمند روس V. Miller است. میر برای زبان آسی
خطی براس خط لاتین درست کرد و این خط را در آثار متعدد خود درباره زبان آسی به کار برد،

Die Sprache der Osseten

از جمله در :

Grundriss der iranischen Philologie : که در :

چاپ شده است.

خط اختراعی میرزا سال ۱۹۲۳ یعنی سال رسمی شدن زبان آکسی در جمهوری

و استان آکسی تا سال ۱۹۳۸ معمول بود ، در این سال خط جدیدی براساس خط روسی

برای آکسی درست شد ، اکنون این خط معمول است .

توجه به زبان آکسی از طرف زبان شناسان باعث شد که گروهی دیگر از دانشمندان

به گردآوری داستانهای عامیانه آکسی و نشر آنها بپردازند ، و این امر خود باعث شد که آنها

به زبان خود توجه کنند و به آن شعر بگویند و داستان بنویسند و کتاب تألیف کنند . عامل

فهم دیگری که در توجه آنها به زبان خود کمک کرد ، جنبش های ملی سده نوزدهم میلادی بود که

آنها را هم به خود آورد .

نخستین سنگ بنای ادبیات آکسی در اواخر قرن نوزدهم توسط Kosta

Xetagurov (۱۸۵۹-۱۹۰۶) نهاده شد ، اگرچه پیش از او کسانی مانند

Ivan Yaguzidze (۱۸۳۰-۱۷۷۰) بوده اند که به آکسی شعر گفته یا کتاب

نوشته و تألیف کرده اند ، اما خاگوروف به عقیده همگان پایه گذار ادبیات آکسی است .

خاکوروف بهنگامی به شعر گفتن پرداخت که ادبیات روسی در عالی ترین مراحل تکامل خود بود، ادیبان و نویسندگان بزرگی مانند بلینسکی و نکراسف و آستوی و چخوف همزمان خاکوروف بوده اند. خاکوروف سخت تحت تأثیر آنها است.

هم ترین اثر خاکوروف Iron Fandir: چنگ ایلرونی، است.

از ایجاد جمهوری و استان آکسی به این سو که زبان آکسی زبان رسمی شد و در آموزگها تدریس گشت، شاعران و نویسندگان بی شماری - Kazbek Kazbe kov متولد ۱۹۱۲ پیدا شدند که در اتحاد شوروی و در کشورهای دیگر معروفیت دارند. آثار این شاعران و نویسندگان پر از عقاید کمونیستی است.

با ایجاد جمهوری و استان آکسی تعلیم و تربیت در سراسر کشور آکسهارواج و رونق گرفت، در شهرها و روستاها، دبستانها و دبیرستانها دایر گردید و آکسها به دانش آموزی پرداخته. در سال ۱۹۲۰ در Ordzhonikidze دانشسرای عالی برای تربیت معلم تأسیس شد و قسمتی از آن برای تحقیق در زبان و ادبیات آکسی اختصاص یافت.

بعد از آموزشگاه عالی کشاورزی، آموزشگاه عالی فنی و آموزشگاه عالی پزشکی هم تأسیس شد.
در Staliniri هم برای تربیت معلم، دانشسرای عالی تأسیس شد.

امروزه در هر دهکده دست کم یک آموزشگاه و در دهکده های بزرگ به نسبت جمعیت
دو یا چند آموزشگاه وجود دارد. برای بزرگسالان نیز کلاسهای دایر شده است که در سال
تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ بیش از ۵ هزار نفر بزرگسال در آنها مشغول تحصیل بوده اند. در
دبستانها زبان آکسی تدریس می شود و در دبیرستانها و آموزشگاههای عالی تدریس به روسی است،
اما تدریس زبان و ادبیات آکسی همچنان تا پایان دوران تحصیلی یک دانش آموز ادامه می یابد.

ایجاد دبستانها و دبیرستانها و آموزشگاهها باعث شده که تعداد باسوادان
آکسی زیاد شود. در سال تحصیلی ۱۵ - ۱۹۱۴ در آموزشگاههای آکسهای شمالی ۱۷ هزار نفر
نواکوز و دانش آموز و دانشجو سرگرم تحصیل بوده اند، این شماره در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ به
۷۰ هزار نفر رسیده است. در استان آکسی در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ بیش از
۱۸ هزار نفر سرگرم تحصیل بوده اند. در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ نزدیک به ۵ هزار

معلم در جمهوری آکسی و ۱۹۹۸ معلم در استان آکسی مشغول به تدریس بوده که بیش از نیمی از آنها آکسی بوده اند.

آنها در میان متهای کثیری بازبانهای مختلف زندگی می کنند. این امر باعث شده است

که زبان آکسی زیر نفوذ زبانهای مجاور قرار بگیرد و تعداد کثیری از واژه های آن زبانها وارد زبان آکسی شود و

حتی دستگاه صوتی زبان آکسی از نفوذ زبانهای مجاور بی اثر نمانده است و تعدادی از واژه های آکسی مانند

k' و t' دخل از زبانهای مجاور اند ، برای نمونه چند واژه داده می شود :

ایرونی $argonaq$ ؛ دگوری $argunaq$ ؛ ترکی $argamaq$: سنگ تازی.

ایرونی $c'indi$ ؛ دگوری $c'indi$ ؛ گرجی $c'indi$: گرو ، رهن .

ایرونی $c'ilobi$ ؛ دگوری $c'ilobi$ ؛ گرجی $c'ilobi$: حصیر

ایرونی $c'inda$ ؛ دگوری $c'inda$ ؛ گرجی $c'inda$: جواب .

ایرونی $k'iw$ ؛ دگوری $k'ewæ$ ؛ گرجی $k'evi$: صمغ ، قیر .

ایرونی $k'omsī$ ؛ دگوری $k'ousi$ ؛ گرجی $k'omši$: به (میوه)

ایرونی $k'ūdī$ ؛ دگوری $k'udi$ ؛ گرجی $k'udi$: پل

دزبان کسی تعداد کثیری هم از واژه های فارسی و عربی از راه زبانهای قهقاری

دارد شده است ، برای نمونه چند واژه داده می شود :

ایرونی *pi* ؛ دگوری *pil* ؛ فارسی پیل .

ایرونی *pæxumpar* ؛ دگوری *paxompar* ؛ فارسی پیغامبر .

ایرونی *zindon* ؛ فارسی زندان .

ایرونی *nimæt* ؛ دگوری *nimæd* ؛ فارسی نمده .

ایرونی *nisan* ؛ دگوری *nisan* ؛ فارسی نشان .

ایرونی *sawdæjer* ؛ فارسی سوداگر .

ایرونی *sækær* ؛ فارسی شکر .

ایرونی *bazar* ؛ فارسی بازار .

ایرونی *tæwæræq* ؛ عربی تواریخ .

ایرونی *xæzna* ؛ عربی خزان .

ایرونی *ǰænæɪ* ؛ عربی جنت .

ایرونی *razi* ؛ دگوری *razi* ؛ عربی راضی .

ایرونی *majal* ؛ عربی مجال .

ایرونی *namus* ؛ عربی ناموس .

ایرونی *qawya* ؛ عربی غوغا .

ایرونی *payda* ؛ عربی فایده .

از زبان کسی واژه های زیادی بر زبانهای دیگر وارد شده است . در زبان مجاری تعدادی

کثیر از واژه های کسی باستان (= الآنی) وارد شده است . این امر مربوط به موقعی

بوده است که مجار با هنگام گذر از قفقاز - در حدود قرن هشتم میلادی - با آنها در

تماس آمدند . در زبان فارسی هم واژه های زیر دخل از کسی است :

دنه ؛ زن ؛ صابونه ؛ زن پیر (لغت فرس ابدی -

چاپ تهران - ۱۳۱۹)

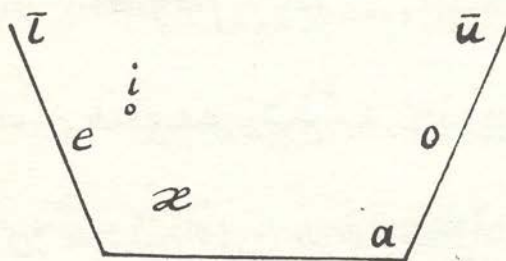
۱- بررسی واکه‌های زبان آسی

درگوش ایرونی روی هم رفته ۳۵ واک وجود دارد ، هفت مصوت ، دویتم مصوت

و بیت و شش صامت . مصوتهای گوش ایرونی بردوگونه اند ، مصوتهای پای دار :

. $\bar{i}$, $\bar{e}$, $\bar{o}$, $\bar{u}$, a و مصوتهای ناپای دار : i , e , o , u , $\bar{a}$.

نمودار مصوتهای گوش ایرونی چنین است :



y و w نیم مصوتهای گوش ایرونی اند .

صامتهای گوش ایرونی بردوگونه اند : ۱- صامتهای اصیل : b ,

l , r , n , z , s , t , d , m , v , f , p ,

γ , x , q , k , g , $\check{c}$, $\check{j}$, c , j .

۲- صائتهای دخیل: p' ، t' ، c' ، $\check{c}$ ، k' . صائتهای

دخیل همراه واژه های دخیل از زبانهای قفقازی وارد گویش ایرونی شده اند . نمودار صائتهای گویش ایرونی چنین است :

صائتها	انصدادی						خیشوی	روان	
	ساده .			مکرب					
	آوایی	بی آوا	چالانزده	آوایی	بی آوا	چالانزده			
لبی	b	p	p'				f	v	m
دندانی	d	t	t'	j	c	c'			n
پیش کامی							s	z	r l
میان کامی				j̣	č	č'			
پس کامی	g	k	k'						
ملازی	q						x	ɣ	

واژه‌های روسی که در دوران اخیر وارد گویش ایلرونی شده‌اند، اگر *u* ،

ж و *э* داشته‌اند، به همان صورت نوشته شده‌اند. تلفظ آنها در ایلرونی عیناً

مانند روسی است، حال آن که گویش ایلرونی واکهای مذکور را ندارد. علت این امر

آن است که خط کنونی ایلرونی از روسی گرفته شده و اکثر آسها زبان روسی را می‌دانند.

چند نمونه :

genre : жанр ; chance : шанс

enthousiasme : энтузиазм

صامت‌های *č* ، *š* ، *ž* بدل از *k* ، *g* ، *k'*

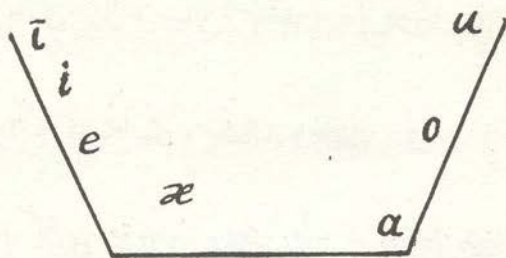
در برخورد با یکی از مصوت‌های پیشین *i* ، *ya* ، *e* هستند.

در گویش دیگوری روی هم رفته ۳۲ واک وجود دارد، هفت مصوت،

دو نیم مصوت و ۲۳ صامت. مصوت‌های گویش دیگوری نیز بر دو گونه‌اند، مصوت‌های

پای دار : *i* ، *e* ، *o* ، *a* و مصوت‌های ناپای دار : *ĩ* ، *u* ، *æ* .

نمودار مصوت‌های گویش دگوری چنین است :



و و نیم مصوت‌های گویش دگوری اند . در گویش دگوری از صائت‌هایی که برای گویش ایهونی ذکر شد ، صائت‌های $\check{y}$ ، $\check{e}$ ، $\check{c}$ وجود ندارند . در گویش ایهونی ، چنان‌که گذشت ، صائت‌های $\check{y}$ ، $\check{e}$ ، $\check{c}$ بدل از g ، k ، k' هستند در برخورد با یکی از مصوت‌های پیشین $\bar{a}$ ، $\bar{u}$ ، e ؛ این امر یعنی بدل شدن g ، k ، k' به $\check{y}$ ، $\check{e}$ ، $\check{c}$ در برخورد با یکی از مصوت‌های پیشین در گویش دگوری انجام نمی‌گیرد :

kark : مرغ ، مفرد فاعلی ، $\check{y}$ karč : مفرد اضافی در ایهونی ؛

karki : مفرد اضافی در دگوری .

صامت *q* در دگبوری خیلی کم به کار می رود ، چون *q* ایردنی درگون

شده از *q* آغازی ایرانی باستان است ، حال آن که *g* آغازی ایرانی باستان

درگوش دگبوری مانند زبان خوارزمی ، سغدی و یغابی بدل به *ɣ* شده است :

ایردنی *qūs* ؛ دگبوری *ɣos* ؛ اوستائی - *gaōša-* ؛ فارسی باستان

- *gauša-* ؛ فارسی نو گوش .

مطابق فوق تنها فرق دستگاه صامی گوش دگبوری با دستگاه صامی

گوش ایردنی است ، و آن چه درباره دستگاه صامی گوش ایردنی گفته شد ، درباره دستگاه

صامی گوش دگبوری درست است .

اینک به بررسی هر یک از واکنش های زبان کسی از نظر تاریخی و تطبیقی می پردازیم :

صوت *a*

a ایردنی // *a* دگبوری // *ā* ایرانی باستان :

ایردنی *mad* ؛ دگبوری *madæ* ؛ سغدی - *m⁷t-* :

! (Frejman 108) māda خازمی; (Gr. I, 73)^{*} māta

خسني-*mātar* (Konow 119)؛ فارسی میانه طرفانی *mād*،

، mādar (Mir. Man. II, 59)؛ بهدائی طرفانی mādar

mādar (Mir. Man. III, 57): فارسی میانه 'زردشتی' ۱۲۵۶ :

mat , mat : Manual 162) mātar : فاضلي، فاضلي

mātar؛ اوستائی - *mātar*؛ فارسی نو مادر .

اردنی max ؛ دیگرى max : ما ؛ اوسمانی ahmākām

حالت اضافی برای *vaēm* : ما ؛ فارسی باستان *amāxam* : حالت اضافی

• ۶: *vayam* برای

اردنی si_{max} ؛ دیگرى su_{max} : شما ؛ اوستائی

yūšmākam : حال - اضافی برای yūžam : شما .

اردنی *rast* ؛ دگروی *rast* ؛ اوستائی - *rāšta* ؛

فارسی باستان - *rāsta* ؛ فارسی نو راست .

ایرانی *fad* ؛ دگوری *fad* ؛ ختنی *pā* (140)

(*Iranistik*) ؛ اوستایی - *pād* ؛ فارسی باستان - *pāda* ؛

فارسی نو پای ، پا .

a ایرانی // *a* دگوری // *ā* ایرانی باستان :

ایرانی *ast* ؛ دگوری *ast* ؛ سغدی *ʾst* : **ast*

(*Gr. I* , 135) ؛ یغایی *ašt* (*Sokolova II* , 76) ؛

خوارزمی *ašt* (مقدمه ۲ - ۳۱) ؛ ختنی - *hašta* (*M. 103*)

(*Konow*) ؛ فارسی میانه طرغانی *hašt* (*Müller II* , 19) ؛

پهلوانی طرغانی *hašt* (*Boyce 189*) ؛ فارسی میانه زردشتی

سورم : *ašt* (*GPV 249*) ؛ اوستایی - *ašta* ؛

فارسی نو هشت .

ایرانی *avd* ؛ دگوری *avd* ؛ یغابی *avd* (II , 76)

(Sokolova) اوستائی-*hapta* ؛ فارسی نو هفت .

ایرانی *kark* ؛ دگوری *kark* ؛ اوستائی-*kahrka* در

kahrkāsa- ؛ فارسی نو کرک (= مرغ خانگی و ماکین) .

ایرانی *qarm* ؛ دگوری *qarm* ؛ اوستائی-*garəma-* ؛

سغدی *qrm* ؛ یغابی *qarm* (YT 257) ؛ فارسی نو گرم .

اصوت æ

æ ایرانی // æ دگوری // ã ایرانی باستان :

**das* : *ds* سغدی ؛ دگوری *dæs* ؛ ایرانی *dæs* :

das (Gr. II , 149) ؛ یغابی *das* (YT 244) ؛ خوارزمی *das*

(مقدمه ۲۱) ؛ ختنی *dasa* (Konow 44) ؛ فارسی پارتی *dah*

(Mir . Man . I , 37) ؛ پهلوانی طرانی *das* (Mir . Man . III , 54) ؛

فارسی میانه زردشتی شـ : *dah (Manual 173) ؛ اوستائی

-dasā ؛ فارسی باستان -daθa* ؛ فارسی نو ده .

ایرانی æz ؛ دگوری æz ؛ خوارزمی az (Frejman¹²) ؛

اوستائی azəm ؛ فارسی باستان adam ؛ من .

ایرانی sær ؛ دگوری sær ؛ خوارزمی sār (مقدّمه ۵۰) ؛

اوستائی -sarah ؛ فارسی نو سر .

ایرانی kæd ؛ دگوری kæd ؛ اوستائی kada ؛ فارسی نو کی .

صوت یاءِ

یاءِ ایرانی // ن دگوری // آ ایرانی باستان :

ایرانی xsīr ؛ دگوری æxsīr ؛ فارسی میانه زردشتی میلا ؛

šīr (Manual 170) ؛ اوستائی -xšīra* ؛ شکرت

-kšīrā ؛ فارسی نو شیر (نوشتیدنی) .

ایرونی *mizd* ؛ دگوری *mizd* ؛ فارسی میانه زردشتی *mīzd* :

(GPV 413) ؛ فارسی میانه طرفانی *mīzd* ؛ اوستائی - *mīzda* ؛ فارسی نو

مزد ؛ یا این که ایرونی *mizd* ؛ دگوری *mizd* ؛ فارسی میانه زردشتی *mīzd* :

mīzd ؛ فارسی میانه طرفانی *mīzd* ؛ اوستائی - *mīzda* ؛ نگاه کن

برپاین .

مصوت یا و نا

یا ایرونی // نا دگوری // نا ایرانی باستان

ایرونی *fid* ؛ دگوری *fidæ* ؛ خوارزمی *pic* (مقدمه ۱) ؛

ختی - *pitar* (Iranistik 140) ؛ فارسی میانه طرفانی *pid* ، *pidar* ،

(64 و *Mir. Man. II*) ؛ پهلوانی طرفانی *pidar* (Boyce 194) ؛

فارسی میانه زردشتی *pit* ، *pit* ، *pit* : *pitar* (8-)

(GPV 467) ؛ فارسی باستان - *pitar* ؛ اوستائی

-pitar- ؛ فارسی نو پد ، پدر .

ایرونی *sist* ؛ دگوری *sistæ* ؛ سغدی *šp**h** :

-šipiša* (Gr. I, 83) ؛ یغایی *šipuš* (YT 327) ؛

اوستائی-*spiš* ؛ فارسی نو سبش (الابیه - چاپ زنگنه - ص ۱۲۹) ؛ شیش ؛

خوارزمی *spāh* : *sp**h** (مقدمه ۵۴ ؛ 110 *Iranistik*) .

ایرونی *cirγ* ؛ دگوری *cirγ* ؛ اوستا-*tigra* ؛

فارسی باستان-*tigra* : تیر .

ایرونی *fissin* ؛ دگوری *finsun* ؛ ایرانی باستان

-*pins** از *Npais* + میانزد -*n* - ؛ اوستائی *Npaēs* ؛

فارسی باستان *Npaiθ* ؛ فارسی نوشتن ، بنشتن ، نوشتن .

صوت ی و u

ی اِیرونی // u دگوری // ā ایرانی باستان :

ایرونی *nir* ؛ دگوری *nur* ؛ سغدی *nwr* : **nūr*

(Gr. I, 89) ؛ خوارزمی *nūr* (Frejman 108) ؛ فارسی میانه

طرفانی *nūn* (Mahr. 13) ؛ فارسی میانه زردشتی ؛ ||| : *nūn*

(GPV 1) ؛ فارسی باستان *nūram* ؛ اوستائی *nūram* ،

nūrām ؛ سنکریت *nūnām* ؛ فارسی نو *nūn* ، اکنون ، اکنون .

ایرونی *stir* ؛ دگوری *æstur* ؛ اوستائی *stūra-* ؛

سنکریت *sthūrā-* ؛ فارسی نو *سترگ* .

ایرونی *ærfig* ؛ دگوری *ærfug* ؛ فارسی باستان **brū* ؛

اوستائی *brvat-* ؛ سنکریت *bhrū-* ؛ فارسی نو *برو* ، *ابرو* .

مصوت *یا و* *u*

یا ایرونی // *u* دگوری // *ā* ایرانی باستان ؛

ایرونی *diɣd* ؛ دگوری *duɣd* ؛ سغدی *ḏwɣth* :

* $\delta u\gamma^{ut^a}$ (BTS 252, Gr. I, 88) ؛ خوانده می شود $\delta u\gamma d$

(Konow 107) $d\dot{u}tar$ ؛ ختنه () ، مقدره () ، Frejman 46

فارسی سیاه طرفانی $duxt$ (Müller II, 91) ؛ فارسی سیاه زردشتی

، $dug\dot{a}dar$ ؛ اوستائی $duxt$ (GPV 72) ؛ 𐎡𐎴𐎧𐎲

$dug\dot{a}r-$ ؛ فارسی نو دخت ، دختر .

ایرونی $b\dot{u}n$ ؛ دگوری bun ؛ پهلوانی طرفانی bun

(Boyce 185) ؛ اوستائی $buna-$ ؛ فارسی نو بن ، بون

(ترجمه تفسیر طبری - چاپ بنگانی - ص ۱۲۱) .

ایرونی $f\dot{u}rt$ ؛ دگوری $furt$ ؛ ختنه $p\dot{u}ra$ (113)

(Konow) ؛ فارسی باستان $pu\dot{c}a-$ ؛ اوستائی $pu\theta ra-$ ؛

فارسی نو پُرس ، پسر ، پور .

ایرونی $s\dot{u}rx$ ؛ دگوری $surx$ ؛ فارسی باستان $\theta uxr a-$ ؛

اوستائی - *suxra* ؛ فارسی نو سرخ .

*
ایرودی *di mæg* ؛ دگوری *dumæg* ؛ سغدی *ḏum* : *ḏum*

(BBB 102) ؛ خوارزمی *ḏuma* ، *ḏum* (مقدّر ۳۸ - ۴۰) ؛ ختنی

dumaa (Konow 106) ؛ اوستائی - *duma* ؛ فارسی نو دُم .

صوت *ā* ، *e*

ā ایرودی // *e* دگوری // *ai* ایرانی باستان :

ایرودی *āw* ؛ دگوری *ew* ؛ سغدی *yw* ؛ *ēw* (I, 97)*

(Gr. ؛ خوارزمی *ēwa* (Frejman 86 ، مقدّمه ۳۱) ؛ فارسی میانه

طرفانی *ēw* (Mir. Man. I, 44) ؛ پهلوانی طرفانی *ēw* (51 ،

Mir. Man. III) ؛ فارسی میانه زردشتی *ēwak* (173) :

(Manual) ؛ فارسی باستان - *aiva* ؛ اوستائی - *aēva* ؛ فارسی نو

- ی نکره ، یک .

ایرونی $xīd$ ؛ دگوری xed ؛ سفدی $ytkw$ ؛ $*yētkə$

از- $haituka$ ؛ یغابی etk (YT 251 Gr. I, 69) ؛ اوستائی

$haētu$: پُل .

ایرونی $xīd$ ؛ دگوری xed ؛ اوستا $x^s aēda$ ؛ فارسی نو

خوی ، خوید ، خیس .

ایرونی $īx$ ؛ دگوری ex ؛ اوستا $aēxa$ ؛ فارسی نو یخ .

ایرونی $mīχ$ ؛ دگوری $mexæ$ ؛ ختنی $myau$ (120)

(Konow) اوستائی $maēχa$ ؛ فارسی نو میخ .

ایرونی $nūz$ ؛ دگوری nez ؛ بیماری ؛ اوستائی $naēza$ ؛ ناپاک .

آ ایرونی // آ دگوری پیش از n فقط // ai ایرانی باستان :

دگوری $kīnæ$ ؛ اوستائی $kaēnā$ ؛ فارسی نو کین ، کینه .

ایرونی $æxsīn$ ؛ دگوری $æxsīnæ$ از ایرانی باستان

- xšaiθnī* ؛ اوستائی - xšōiθnī : یانو .

ایرونی æfsīn ؛ دگوری æfsīnæ : کدبانو ؛ اوستائی

- aibišaētan : ساکن .

دگوری æxsīn ؛ اوستائی - axšaēna ؛ فارسی باستان

- axšaina- ؛ فارسی نوخشین .

دروازه بای دخیل درگوش دگوری واک ت درجابهایی دگور سخی آغاز ، میان و انجام

واژه هم دیده می شود .

صورت $\bar{u}$ و $\bar{o}$

$\bar{u}$ ایرونی // $\bar{o}$ دگوری // au ایرانی باستان :

ایرونی $qūs$ ؛ دگوری $χos$ ؛ سغدی $χwš$: $χōš^*$ ؛

نیغابی $χwš$ (YT 260) ؛ خوارزمی $χōš$ (مقدمه ۵۰) ؛ فارسی ساسانی

طرفانی $gōš$ (Mir. Man. II, 49) ؛ پهلوانی طرفانی $gōš$ (55) و

III. *Mir. Man.* (فارسی میانه زردشتی ۲ و ۱) : *gōš* (GPV 65)؛

فارسی باستان - *gauša-*؛ اوستائی - *gaōša-*؛ فارسی نو - گوشت.

ایرانی - *ūrs*؛ دگوری - *ors*؛ اوستائی - *auruša-*؛

فارسی میانه زردشتی ۳ و ۱ : *arus*؛ سفید (GPV 261).

ایرانی - *gūg*؛ دگوری - *gog*؛ سخی - *gog*؛ *gāw**؛ یغنی

gaw (YT 258)، خوارزمی *gāw* (مقدمه ۴۸)؛ فارسی میانه زردشتی ۲ : *gaw* (58)

(GPV)؛ اوستائی - *gau-*؛ فارسی نو گو (ترجمه توفیر طبری - چاپ یخانی ص ۲۲۶)، گاو.

ایرانی - *xūd*؛ دگوری - *xodæ*؛ اوستائی - *xaōda-*؛ فارسی

باستان - *xauda-*؛ فارسی نو - خود.

ایرانی - *rūxs*؛ دگوری - *roxs*؛ اوستائی - *raoxšna-*؛

فارسی نو - روشن.

ایرانی - *sūg*؛ دگوری - *sog*؛ هنرم - *saoka-**؛ آتش.

مصوت 0

0 ایرونی // 0 دگوری // ā ایرانی باستان :

*nām : n^mم سغدی ؛ nom دگوری ؛ nom ایرونی

nāma (Gr. I, 73) ؛ خوارزمی nāmīk (مقدّمه 60) ؛ ختنی nāma

(Konow 108) ؛ فارسی میانه طرفانی nām (Mir. Man. II, 60) ؛

پهلوانی طرفانی nām (Mir. Man. III, 58) ؛ فارسی میانه زردشتی اوستا :

nām (GPV 31) ؛ فارسی باستان nāman ؛ اوستائی

-nāman ؛ فارسی نو نام .

ایرونی allon ؛ دگوری allon ؛ اوستائی airyana ؛

فارسی نو آلان ، آران .

ایرونی bon : روز ؛ اوستائی bānu- ؛ فارسی میانه زردشتی

نکته : *bānuk (GPV 31) ، نگاه کنید به 954 p. (Air. Wb. p. 954).

ایرونی don : آب ، رود ، اوستائی dānu- : رود .

مصوت e ایرونی

این واگ یادرواره های دخیل دیده می شود یا از برخورد دو æ به وجود می آید :

sovet از روسی COBET ؛ $de'mgar \leftarrow dæ + æmgar$:

هم سالت ؛ $de'mbal \leftarrow dæ + æmbal$: دوست .

نیم مصوت های زبان آکسی

زبان آکسی دو نیم مصوت دارد : y ، w .

y و w ایرونی // y و w دگوری // y و w ایرانی باستان :

ایرونی wæ ؛ دگوری wæ : ضمیر متصل دوم شخص جمع ، حالت اضافی :

مال شما ؛ اوستائی vō ، حالت اضافی جمع .

ایرونی warin ؛ دگوری warum ؛ اوستائی Nuār ؛

فارسی نو باریدن .

ایرونی *dwar* ؛ دگوری *dwar* ؛ پهلوانی طرفانی *bar* (185)
 (Boyce) ؛ فارسی میانه زردشتی *dar* (GPV 160) ؛ فارسی میانه نظرانی
dar (Mir. Man. II, 51) ؛ سغدی *ḏβʳ* ؛ *ḏiβar* (61)
 (Gr. I) ؛ اوستایی *dvar-* ؛ فارسی باستان *duwara-* ؛ فارسی نو «
 ایرونی *dæw* ؛ دگوری *dæw* ، ضمیر منفصل دوم شخص مفرد ، حالت اضافی ؛
 مال نو ؛ یغابی *taw* ؛ ضمیر دوم شخص مفرد «*casus obliquus* (II, 77)
 (Sokolova) ؛ خوارزمی *day* ؛ ضمیر دوم شخص مفرد «*casus*
 (Frejman 12) *obliquus* ؛ اوستایی *tava* ؛ ضمیر منفصل مفرد
 دوم شخص در حالت اضافی ؛ مال نو .

ایرونی *nog* ؛ دگوری *næwæg* ؛ اوستایی *nava-* ؛ فارسی نو نو .

ایرونی *yæw* ؛ سغدی *yw* ؛ *yaw* ؛ یغابی *yaw* (365)

(Sokolova II, 76 ، YT) ؛ فارسی میانه زردشتی *𐬨𐬀𐬎𐬭𐬀* :

* yaw]artāk ؛ * yō]rtāk ؛ فارسی نو سچ . (GPV 78).

ایرانی yaw ؛ فارسی باستان -yāu ؛ نیرود (در

yāu mani-) ؛ اوستایی -āyu ؛ سن دسل .

صامت b

b آغازی ایرانی // b آغازی دگوری // b آغازی ایرانی باستان ؛

ایرانی būd ؛ دگوری bodæ ؛ خوشبوئی ؛ سغدی Bwd ؛

* βōδ (Gr. I, 101) ؛ یغایی vūd (YT, 349) ؛ باخوارزی

βōd (تقدیر ۱۶) ؛ نخستی -būda (Konow 117) ؛ فارسی میانه

طرفانی bōy (Mir. Man. II, 48) ؛ فارسی میانه زردشتی باف ؛

bōδ (GPV 303) ؛ اوستایی baoidi ؛ فارسی نو بوی ، بو .

ایرانی bon ؛ روز ؛ اوستایی bānu ؛ روشنی .

ایرانی bīræ ؛ دگوری beræ ، bewræ ؛ بسیار ،

ختنی - byūra-، byurru- : ۱. ده هزار ، ۲. بسیار . (73)

48) bēwar ؛ فارسی میانه 'طرفانی' (BSOS VIII 121, IX)

، (Mir.Man. II) ؛ پهلوانی طرفانی bēwar (Müller II, 46)

فارسی میانه 'زردشتی' رڼا : bēwar (YF I, 2) ؛ اوستایی

baēvar- ؛ فارسی نو بیور .

ایرونی bæddin ؛ دگوری bæddun ؛ سغدی

*Bant- : Bant- (Gr. I, 124) ؛ خوارزمی Bāncin :

می بندم ؛ فارسی باستان واوستائی Nband ؛ فارسی نو بند- ، بستن .

*Barc- ؛ دگوری barcæ ؛ سغدی Barš : Bnš

(GMS 52) ؛ اوستائی -barəša ؛ فارسی نو بُش از ایرانی باستان

*brša-

ایرونی baz ؛ خوارزمی Bžnyk (HenningKhwar.14) ؛

اوستائی-*barəziš* ؛ فارسی نو بالش .

ایرانی *baziḡ* ؛ دگوری *bazug* ؛ سغدی *βz'kh* :

βāzāk (BSOS XI, 732) ؛ ختنی-*bāysu* (Konow 116)

اوستائی-*bāzu* ؛ فارسی نو بازو .

^{*}
ایرانی *bærzond* ؛ سغدی *βrz* ؛ *βarz* (I, 94)

^{*}
(Gr. *βrz'k*) ؛ *βarzāk* (GMS 20) ؛ ختنی

-*bulysa* (Konow 28, 117) ؛ اوستائی-*barəzah* ،

-*bərəzant* ؛ فارسی باستان-*bard]iya* ؛ فارسی نو برز ؛ بلند .

b میانی ایرانی باستان برابر است با *m* آکسی ، نگاه کنید به صحت

m ایرانی باستان برابر است با *b* آکسی :

ایرانی *æmbūdin* ؛ دگوری *æmbodun* ؛ ایرانی باستان

^{*}
-*ham-bauda* ؛ فارسی نو انبؤیدن .

ایرونی *æmbærzin* ؛ دگوری *æmbærzun* ؛ پوشاندن ؛

اوستائی *Nbarəg* ؛ خویش آمد گفتن .

صامت *p*

صامت *p* در واژه های دخل دیده می شود ، اما در چند واژه اصل

صامت *p* بدل از صامتهای دیگر دیده می شود :

ایرونی *cippar* ؛ دگوری *cuppar* ؛ نغدی *čtβ'r*

؛ (Gr. II, 138) ؛ یغائی *tifor* (Sokolova II, 76) ؛

خوارزمی *caβār* (مقدر ۳۱) ؛ فارسی میانه طرفانی *čahr* ، *čahār* ؛

پهلوانی طرفانی *čafār* (Müller II, 46) فارسی میانه زردشتی

سده ۱ : *čahār* (GPV 512) ؛ اوستائی

čaθwārō : حالت فاعلی جمع از *čaθwar* ؛ فارسی نو چهار .

صت f

f آغازی ایرونی // f آغازی دگوری // p ایرانی باستان :

ایرونی fid ؛ دگوری fidæ ؛ خوارزمی pic (مقدمه ۱)

ختی-pitar- (Iranistik 140) ؛ فارسی میانه طرفانی pid ،

pidar (Mir. Man. II, 64) ؛ پهلوانی طرفانی pidar (194)

Boyce) ؛ فارسی میانه زردشتی : pit ، ves ؛

pitar- (GPV 467-8) ؛ فارسی باستان-pitar ؛

اوستائی-pitar- ؛ فارسی نو : پد ، پدر .

ایرونی firt ؛ دگوری furt ؛ سغدی pšyy (GMS 16)

ختی-pūra- (Konow 113) ؛ خوارزمی purak (Frej- 34)

(man) ؛ اوستائی-puθra- ؛ فارسی باستان-puça- ؛ فارسی نو

پس ، پسر ، پور .

ایرونی *fēw* ؛ دگوری *few* ؛ اوستائی - *pīvah-*

فارسی نو، پی .

ایرونی *fæd* ؛ اوستائی - *pada-* ؛ فارسی نو پی .

ایرونی *fonj* ؛ دگوری *fonj* ؛ سغدی *pnč* ؛ **panč*

(Gr. I, 59) ؛ یغنائی *panč* (YT 302) ؛ خوارزمی *panc*

(مقدّر ۲۲-۳۱) ؛ ختنی - *paṃjsa* (Konow 110) ؛ فارسی میانه طافانی

panz (Mir. Man. II, 65) ؛ پهلوانی طرفانی *panj* (60 ،

(Mir. Man. III) ؛ فارسی میانه زردشتی ۹۱e) *panj* (2, 71)

(YF) ؛ اوستائی - *panča-* ؛ فارسی نو پنخ .

ایرونی *færæt* ؛ ختنی - *pada-* (Konow 110)

اوستائی - **parasu-* ؛ فارسی باستان - **paraθu-* ؛ سنسکرت

- *paraśú-* ؛ فارسی نو تبر .

færæt در کسی بنابه قواعد زبان شناسی ایرانی نمی تواند اصل باشد، چون

s اوستائی برابر است با s کسی و باید به جای *færæt* می گند *færæs*. این

واژه دخل از فارسی باستان در کسی باستان است (نگاه کنید به *Iranische Yazyki*)

• (G. I, M. - L. 1945, p. 8)

ایرانی *fælae*؛ دگوری *fal*؛ آتا؛ سغدی *p'r* :

**pār*؛ زیرا (SDM III, 125)؛ ایرانی باستان - **para*؛ سنگیت

• *param*

ایرانی *fældisin*؛ دگوری *fældesun*؛ سغدی

-pardēs (GMS 104) ساختن .

ایرانی *fad*؛ سغدی - *p'd*؛ (Gr. I, 15) **pād*

ختمی - *pāa* (Konow 112)؛ اوستائی - *pād*؛ فارسی نو یا (ی).

ایرانی *faron*؛ دگوری *faræ*؛ سال گذشته؛ سغدی

* $\text{pērnām} : \text{pyrnm}$ (SDM III, 19) ؛ اوستائی

para- ؛ فارسی باستان parana- ؛ پیش ؛ فارسی نو پار ، پارینه ،

پارین .

f میانی ایرونی // f میانی دگوری // p میانی ایرانی باستان :

ایرونی æfsad ؛ دگوری æfsad ؛ سغدی sp^{d} :

* spād (SDM II, 194) ؛ ختی spāta- ؛ فرمانده ، از

spāda - pati- (Iranistik 140) ؛ اوستائی spāda- ،

spāda- ؛ فارسی باستان spāda- ؛ فارسی نو اسپاه ، سپاه .

f آغازی ایرونی // f آغازی دگوری // f آغازی ایرانی باستان :

* ایرونی fink ؛ دگوری finkæ ؛ اوستائی faēna- :

سنگیت phēna- ؛ کف .

f ایرونی // f دگوری // b ایرانی باستان :

ایرونی ærfiq ؛ دگوری ærfug ؛ فارسی باستان
 *brū- ؛ اوستائی-brvat- ؛ سکریت-bhrū- ؛ فارسی نو برود، ابرود.

صامت ص

ص ایرونی // ص دگوری // b ایرانی باستان :

ایرونی davin ؛ دگوری davnun ؛ دزدیدن ؛ اوستائی

Ndab : فریفتن .

ایرونی ærvad ؛ دگوری ærvad ؛ سغدی Brt :

*Brāt (DBB 122) ؛ یغابی virod (Sokolo-II, 76)

(va) ؛ خوارزمی Brōd (مقدمه ۱) ؛ ختنی brātar (118)

(Konow) ؛ فارسی میانه طرفانی brād ، brādar (II, 48)

(Mir. Man. III, 52) ؛ پهلوانی طرفانی brād ، brādar

(Mir. Man. III, 52) ؛ فارسی میانه زردشتی (لری) : brāt (YF 3, 9) ،

برادر) : $brātar$ (YF 3, 54) ؛ فارسی باستان $-brātar$ ؛

اوستائی $-brātar$ ؛ فارسی نو برادر .

ایرونی $ævzag$ ؛ سغدی $zβ^k$: $zβāk^*$

(SDM II, 196) ، $zβ^k$: $zβāk$ (Gr. I, 20) ؛

یغایی $zivok$ (Sokolova II, 76) ؛ خوارزمی $z^u fāk$ ،

$z^u βāk$ (Frejman 80) ؛ فارسی نو زوان ، زفان ، زبان .

س میانی ایرونی // س میانی دیگری // p میانی ایرانی باستان :

ایرونی $æxsæv$ ؛ دیگری $æxsæv$ ؛ سغدی $-pšp^*$:

$-xšap^a$ (Gr. I, 43) ؛ یغایی $xišap$ (Sokolova II, 76)

فارسی میانه طرغانی $šab$ (Mir. Man. I, 46) ؛ پهلوانی طرغانی $šab$

(Müller II, 49) ؛ فارسی میانه زردشتی $šap$: 338

(GPV) ؛ فارسی باستان $-xšap$ ؛ اوستائی $xšap$ ؛ فارسی نو شب .

ایرانی $tævin$ ؛ دیگری $tærun$ ؛ اوستائی $Ntap$ ؛ فارسی نو
تقن ، آفَن ، تاب .

ایرانی avd ؛ دیگری avd ؛ هندی $\alpha\beta t$ ؛
(Gr. I, 60) ؛ یونانی avd (Sokolova II, 76) ؛ خوارزمی
 $\alpha\beta d$ (مقدمه ۳۱) ؛ فارسی سیاه طرفانی $haft$ (Mir. Man II, 56) ؛
پهلوانی طرفانی $haft$ (Mir. Man. III, 55) ؛ فارسی سیاه زردشتی $هفت$ ؛
 $haft$ (YF 2, 61) ؛ اوستائی $hapta$ ؛ فارسی نو هفت .
ایرانی $carv$ ؛ هندی $tcārba$ (Konow 28) ؛ فارسی نو چرب .

ایرانی $ævdīsīn$ ؛ دیگری $ævdesun$ ؛ پهلوانی طرفانی
 $abdēs-$ (Ghilain 61) ؛ اوستائی $\alpha pa-daēs$ ؛ نشان دادن .

صات m

m ایرانی // m دیگری // m ایرانی باستان :

ایرانی *mid* ؛ دگوری *mud* ؛ اوستائی- *madu* ؛ عسل ؛

سغدی *madu* : **madu* (SDM III, 70) ؛ فارسی میانه طر فانی

may (Mir. Man. II, 60) ؛ فارسی میانه زردشتی 6 د : *mad*

(Salemman 95) فارسی نو می .

ایرانی *mīj* ؛ دگوری *mejæ* ؛ اوستائی- *maēja* ؛ فارسی نو میخ .

ایرانی *arm* ؛ دگوری *arm* ؛ سغدی *rm* : **arm* (II, 90)

(Gr. *rm*) : **arm* (SDM III, 17) ؛ اوستائی- *arəma* :

دست .

ایرانی *kalm* ؛ دگوری *kalm* ؛ اوستائی- **kərəmi* ؛

سنگریت- *k'rmī* ؛ فارسی نو کرم .

ایرانی *amayin* ؛ دگوری *amayun* ؛ اوستائی- **mā(y)*

+ *ā* ؛ فارسی نو اکادن ، اکرون ، اکامی - .

صامت d

d آغازی ایرونی // d آغازی دگیوری // d آغازی ایرانی باستان :

ایرونی dary ؛ دگیوری dary ؛ ختنی dāra- (Konow 106) ؛

اوستائی darəja- ؛ فارسی باستان darga- ؛ فارسی نو دیر .

ایرونی dændag ؛ دگیوری dændag ؛ اوستائی dantan- ؛

فارسی نو دندان .

ایرونی dæś ؛ سغدی ś : śas* (Gr. II, 149) ؛

خوارزمی śas (مقدمه ۳۱) ؛ ختنی dasa- (Konow 44) ؛ اوستائی

-dasā ؛ فارسی نو ده .

ایرونی diyd ؛ دگیوری diyd ؛ سغدی dywθ

dywθta* (BTS 252) ؛ خوارزمی diyd (مقدمه ۱) ؛ ختنی

-dūtar- (Konow 107) ؛ اوستائی dugədar- ؛

duydar- ؛ فارسی نو دخت ، دختر .

ایرانی *darin* ؛ دیگری *darun* ؛ سغدی 𐭠𐭣𐭥𐭥 :

-dār * (Gr. I, 67) ؛ خوارزمی *-dār* (Frejman 72) ؛

اوستائی *-dār* فارسی نو دار- ، داشتن .

ایرانی *-don* ؛ دیگری *-donæ* ؛ سغدی 𐭠𐭣𐭥𐭥 - :

-dān * ، 𐭠𐭣𐭥𐭥 "tr" : آذران (Gr. I, 137) ؛ اوستائی و

فارسی باستان *-dāna* - ؛ فارسی نو - دان (پسوند مکان) .

ایرانی *dižwin* ؛ دیگری *duzwin* → ایرانی

باستان *-dušgauna* * از *-duš* + *-gauna* .

ایرانی *dwar* ؛ سغدی 𐭠𐭣𐭥𐭥 : *-dār* * (I, 45)

(Gr. ؛ فارسی باستان *-duvar* ؛ اوستائی *-dvar* ؛ فارسی نو در (= باب) .

ایرانی *diṃæg* ؛ دیگری *dumæg* ؛ سغدی 𐭠𐭣𐭥𐭥 :

**dumaka* → *dumaa* - ختن (BBB 102) *ḍum*

(Konow 106) ؛ اوستائی-*duma* ؛ فارسی نو دُم .

ایرانی *diṃgæ* ؛ دگوری *dumgæ* : باد ؛ سغدی

ḍamāk : *ḍamāk** : باد (BSO SXI, 715) ؛

ḍamēnāk : *ḍamēnāk** : بادی (Gr. I, 137) ؛ ختنی

Ndam + pati - از باد : *patidam* → *padama*-

(Konow 111) ؛ فارسی نو دَم ، دره از ایرانی باستان *Ndam* : دَمیدن .

d آغازی ایرانی // *d* آغازی دگوری // *t* آغازی ایرانی باستان :

ایرانی *dasin* ؛ دگوری *dasun* ؛ سغدی *tš* - *tāš** :

(GMS 100) ؛ اوستائی *Ntaš* : ساختن .

ایرانی *dæw* ؛ سغدی *tw* : *tawa* : ترا (I, 120)

(Gr.) ؛ ختنی *tv̄* : مال تو (Konow 105) ؛ اوستائی *tava* :

حالت اضافی مفرد ؛ فارسی نو تو .

d میان ایردنی // d میان دگوری // d میان ایرانی باستان ؛

ایردنی ævdīsīn ؛ دگوری ævdesun ؛ پهلوانی طرفانی

abdes- ؛ اوستائی *apa-daēs- : نشان دادن .

ایردنی aydæn ؛ دگوری aydænæ ؛ اوستائی

ā-day-ana- * از ریشه *di- ، day : دیدن ؛ فارسی نو آینه .

ایردنی fad ؛ دگوری fad ؛ فارسی باستان -pāda ؛ فارسی نو پای ، پا .

ایردنی mīd ؛ دگوری mud ؛ اوستائی -madu ؛ عمل ؛ فارسی نو می .

دگوری idæwun : نفی کردن ؛ اوستائی -dau ؛ گفتن (ایرانی) + -vi .

ایردنی axūd ؛ دگوری axodæ ؛ سخی کد w'x " :

کد āxōd (Sogdica 33) ؛ خوارزمی āxud (1955, 48) ،

(Asia Major) : پوشش ، جد ؛ پهلوانی طرفانی -nigund

(83 Ghilain) : پوشیدن ؛ اوستا *Ngaoz* ؛ فارسی باستان

Ngaurd : لپوشیدن . به بت وجود d در دایره می نگویند ، این دایره با

نمی‌توانند اصل باشند، شاید دخیل از فارسی باستان در سعدی باستان، خوارزمی باستان و

اکسی باستان باشند ، نمونه دیگر در اکسی *færæt* (دیده شود) است .

ۛ میانی ابرونی // ۛ میانی دگوری // ۛ میانی ابرونی باستان :

ایرونی *wad* ؛ دگوری *wad* ؛ سدی *wāt* : *wāt* *

یعقوبی *wat* (Gr. I, 125)؛ خوارزمی *wād* (Frejman 93)؛

بیرونی نام روز بیت و دوم - بادروز - رابه زبان سغدی و خوارزمی « واذ » داده است

(الکتاب الباقیہ - چاپ لنینگرک ۱۹۲۳ - ص ۴۶ - ۴۸) ؛ فارسی بیانہ طر فانی wād

(Boyce 196) wād ٻهرواني طرفاني (Mir. Man. I , 38)

فارسی میانه زردشتی ۴۲۱ : *wāt* (GPV 32) ؛ اوستایی-*vāta* ؛

فارسی نو باد ، واد .

ایرانی *mard* ؛ دگوری *mard* : مردنی ؛ اوستایی-*maršta* ؛

فارسی نو مرد .

ایرانی *dændag* ؛ دگوری *dændag* ؛ اوستایی-*dantan* ؛

فارسی نو دندان .

ایرانی *diyd* ؛ دگوری *duyd* ؛ سغدی *ḏwyth* :

**ḏuyuta* (BTS 252) ؛ خوارزمی *ḏuyd* (مقدّمه ۱) ؛ حتی

dūtar- (Konow 107) ؛ اوستایی-*dugədar-*، *duydar-*،

فارسی نو دشت ، دختر ، دغد (= خردس) .

ایرانی *mad* ؛ دگوری *madæ* ؛ سغدی *mt-* ؛ **māt^a*

(Gr. I, 73) ؛ خوارزمی *māda* (Frejman 108) ؛ حتی

mātar- (Konow 119) ؛ اوستایی-دمازی باستان-*mātar-*، فارسی نو

مادر .

صامت t

t ایرونی // t دگوری // t ایرانی باستان :

ایرانی *tærsin* ؛ دگوری *tærsun* ؛ اوستائی *tærasaiti* ؛

فارسی نو ترسیدن .

ایرانی *tærin* ؛ دگوری *tærun* : گذاشتن ، راندن ،

دواندن ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۴ (۱۱۳) : *witartan* (GPV 50) ؛

اوستائی *Ntar* ؛ فارسی نو گذشتن ، گذردن ، گذر - .

صامت s

s ایرونی // s دگوری // s ایرانی باستان :

ایرانی *fis* ؛ دگوری *fus* ؛ سغدی *psw* : *pasa* (Gr. I, 59) ؛

ps^۲ : **apas^a* (Gr. I, 57) ؛ خوارزمی *apas* (مقدّمه ۵۰ -

۴۹) ؛ ختنی-*pasa* (Konow 112) فارسی میانه زردشتی (ع ۳-۴) :

*pas (GPV 473) ؛ اوستائی - pasu : گوسفند ؛ فارسی نو شپیان

ایرونی stir ؛ دگوری - stir ؛ اوستائی - stūra ؛ سندریت

-sthūra ؛ فارسی نو سترگ .

ایرونی sirx ؛ دگوری - surx ؛ اوستائی - suxra ؛ فارسی

باستان - θuxra ؛ فارسی نو سرخ .

ایرونی sist ؛ دگوری - sistæ ؛ اوستائی - spiš ؛ فارسی نو

شپش ، سبش (اابنه - چاپ زلگیان - ص ۱۲۹) .

s ایرونی // s دگوری // s ایرانی باستان :

*ast ؛ دگوری - ast ؛ سغدی - ašt :

(Gr. I, 135) ؛ یغانی - ašt (Sokolova II, 76) ؛ خوارزمی

ašt (مقدّمه ۲۱ - ۲۱) ؛ حتی - hašta (Konow M 103) ؛

فارسی میانه طرفانی hašt (Müller II, 19) ؛ پهلوانی طرفانی hašt

(Boyce 189) ؛ فارسی میانه زردشتی سورم : *ašt* (GPV 249)؛

اوستائی - *ašta* ؛ فارسی نو هشت .

* ایردنی *rast* ؛ دگوری *rast* ؛ سغدی *ršt* - *rašt* *

(Gr. I, 59) ؛ یغایی *rask* (YT 312) ؛ ختنی - *rraštā* (120)

(Konow) ؛ بهلولی طرفانی *rāšt* (Müller II, 47) ؛ فارسی میانه

زردشتی لسنصر : *rāst* (AV 5, 5) ؛ فارسی باستان

- *rāsta* ؛ اوستائی - *rāšta* ؛ فارسی نو راست .

ایردنی *urs* ؛ دگوری *ors* ؛ فارسی میانه زردشتی سورم :

(GPV 261) *arus* ؛ اوستائی - *auruša* ؛ سغدی .

ایردنی *ars* ؛ دگوری *ars* ؛ خوارزمی *hars* (مقدمه ۵۲) ؛

فارسی باستان - *rša* در - *aršāma* ؛ فارسی نو خرس .

* ایردنی *qūs* ؛ دگوری *qos* ؛ سغدی *qwš* : *qōš* *

(Gr. I, 101) ؛ یغنی *juš* (YT 260) ؛ خوارزمی *još* (مقدمه)

(۵) ؛ اوستائی - *gaōša* ؛ فارسی باستان - *gauša* ؛ فارسی نو گوش .

ایرانی *fæsm* ؛ دگوری *fans* ؛ اوستائی - *pašman* ؛ سنسکریت

- *paksman* ؛ فارسی نو پشم .

*
ایرانی *casm* ؛ دگوری *cans* ؛ سغدی *čšm* ؛ *čašm* :

(GMS 41) ؛ ختنی *tcei'man* (Konow 104) خوارزمی

casm (مقدمه ۳۱۰) ، *cam* (مقدمه ۱۴۵) ؛ اوستائی

- *čašman* ؛ فارسی باستان - *čaša* ؛ فارسی نو چش ، چش ، چشم .

صامت z

z ایرانی // z دگوری // z ایرانی باستان :

ایرانی *zærdæ* ؛ دگوری *zærdæ* ؛ خوارزمی *zird*

(Frejman 55) ؛ ختنی - *ysära* (Konow 128) ؛ فارسی ساسانی

(Boyce 199) zird ؛ پهلوانی طرفانی (Mir. Man. II, 51) dil

فارسی میانه: زردشتی دلا: dil (AV 74, 2) ؛ فارسی باستان: ^{*}drd؛

اوستائی: zərəd- ؛ فارسی نو: دل .

^{*}zərond ؛ دگوری zərond از-zarant؛

فارسی میانه: زردشتی کلیم: zarmān (GPV 369) ؛ اوستائی:

-zauruna ؛ فارسی نو: زربان .

ایردنی rīzin ؛ دگوری rezun ؛ لرزیدن ؛ اوستائی: ^{*}Nraēz؛

سکریت: Nrēj .

ایردنی æz ؛ دگوری æz ؛ اوستائی: azəm ؛ فارسی:

باستان adam ؛ من .

صامت n

n ایردنی // n دگوری // n ایرانی باستان:

ایرونی *nog* ؛ دگوری *næwæg* ؛ سغدی *nw'kw* :

**nawākə* ؛ یغانی *nawa* (YT 292) ؛ فارسی میانه "طرفانی

nōg (Mir. Man. II, 60) ؛ پهلوانی طرفانی *nawāg* (192)

(Boyce) ؛ فارسی میانه زردشتی ۹۱۱ : *nōk* (GPV 3) ؛ خوارزمی

**nōc* (مقدّمه ۷) ؛ ختنی *no* (Konow 109) ؛ اوستائی

nava- ؛ فارسی نو نو .

ایرونی *mæn* ؛ دگوری *mæn* : حالت اضافی مفرد ؛ اوستائی

mana ؛ فارسی باستان *manā* : حالت اضافی مفرد ؛ آن من .

ایرونی *aydæn* ؛ دگوری *aydænæ* ؛ اوستائی

**ādayana-* از *Ndī* ، *Nday* : دیدن ؛ فارسی نو اکیمنه .

صامت *r*

r ایرونی // *r* دگوری // *r* ایرانی باستان :

ایرونی rūxs ؛ دگوری roxs ؛ سغدی rγwšn :

II, 67) rōšn ؛ فارسی سینه طرفانی (Gr. I, 101) *rōx^uš^an

(Mir. Man. ؛ پهلوانی طرفانی rōšn (Boyce 194) ؛ فارسی سینه

زردشتی 𐬀𐬵𐬭𐬀 : rōšn (AV II, 9) ؛ اوستائی - raoxšna ؛

فارسی نو روشن .

ایرونی qarm ؛ دگوری qar ؛ اوستائی - qarəma ؛ فارسی نو گرم .

صامت ل

ل ایرونی // ل دگوری // r ایرانی باستان :

ایرونی calx ؛ دگوری calx ؛ سغدی -črγ- : *čarx-

(Gr. II, 91) ؛ یغابی čarx (YT 236) ؛ پهلوانی طرفانی čaxr

(Boyce 186) ؛ فارسی سینه زردشتی 𐬀𐬵𐬭𐬀 : čaxr (بندیش ص ۲۷)

س ۱۵) ؛ اوستائی - čaxra ؛ فارسی نو چرخ .

ایرونی *ali* ؛ دگوری *ali* ؛ پهلوانی طرفانی *harw* (Boy-188)

(*ce*) ؛ اوستائی-*haruva* ؛ فارسی باستان-*haruva* ؛ فارسی نو هر .

ایرونی *aly* ؛ اوستائی-*ayra* ؛ پایان ، -*anayra* ؛ بی‌پایان ؛

فارسی میانه زردشتی می‌دلج : *anayrān* ؛ نام روزی ام از هر ماه (PT 71) ؛

می‌دلج ۱۳۱ : *anayr rōšn* ؛ روشنی بی‌پایان ، گاه (= فلک)

خوشید (بزهشن ص ۳۲ س ۱۵) ؛ سغدی *ngrnh* ؛ -*nayr**

an^a ؛ نام روزی ام از هر ماه سغدی (SDM I, 35) . بیرونی در

الاشار الباقية عن القرون الخالية - چاپ لیمبریک ۱۹۲۳ - ص ۴۶ ، برای سغدی

« نغر » داده است و برای خوارزمی « اونرغ » ، همانجا ص ۴۸ . فارسی نو

انیران ؛ نام روزی ام از هر ماه شمی .

ایرونی *fælæ* ؛ دگوری *fal* ؛ آما ، سغدی *p^rr* ؛ *pār**

زیرا (SDM III, 125) ؛ ایرانی باستان-**para* ؛ سغدی-*param* .

صامت C

C ایردنی // C دگوری // č ایرانی باستان :

*
čarm : črm سغدی ؛ carm دگوری ؛ carm ایردنی

: tcārma- ختنی- (Gr. II, 90) ؛ خوارزمی carm (مقدّمه ۱۳) ؛

carma- (Konow 14) ؛ اوستائی- čarəman- ؛ فارسی

باستان- čarman- ؛ فارسی نو چرم .

*
cāt- : čʾt- سغدی ؛ cad دگوری ؛ cad ایردنی

(Gr. I, 72) ؛ اوستائی- cāt- ؛ فارسی نو چاه .

cærin دگوری ؛ cærun ؛ رستن ؛ اوستائی

caraiti ؛ فارسی نو چریدن .

cæwin ایردنی ؛ cæwun دگوری ؛ cæw- سغدی- : šw- :

*
šaw- (Gr. I, 117) ؛ یغنی- šaw- (Sokolova II, 78) ؛

خوارزمی - *ciya* (Frejman 83) ؛ ختنی - *tsu* (Konow 104) ؛

اوستائی - *šav* ، *šyav* ؛ فارسی باستان - *šiyav* ؛ سنگیت

- *čyav* ؛ فارسی نو شدن .

ایرانی *cajar* ؛ سغدی *čʾr* : *čājar* (321)*

(ZKV I) ؛ فارسی نو چاکر .

ایرانی *carv* ؛ ختنی - *tcārba* : *cārba* (28)

(Konow) ؛ فارسی نو چرب .

ایرانی *casm* ؛ دگوری *cans* ؛ سغدی *čšm* ؛ *čašm**

(GMS 41) ؛ ختنی - *tcei'man* (Konow 104) ؛ خوارزمی

casm (مقدمه ۳۱۰) ، *cam* (مقدمه ۱۴۵) ؛ اوستائی

- *čašman* ؛ فارسی باستان - *čaša* ؛ فارسی نو چشم ، چشم ، چشم .

ایرانی *cæfsin* ؛ دگوری *cæfsun* ؛ سغدی - *pdwβs*

(GMS 6) ؛ فارسی نو چسپیدن ، چسپیدن ، چسپیدن .

ایرانی *cægat* ؛ سغدی - *čk"t* : **čakāt* (64)

(Gr. I) ؛ اوستائی - **čakāiti* ؛ سنسکرت - *kakātikā* ،

فارسی نو چکاد .

ایرانی *cærdæg* ؛ فارسی نو چالاک .

*
ایرانی *cærgæs* ؛ سغدی - *črks* : **čarkas* (20)

(GMS) ؛ اوستائی - *kahrkāsa* ؛ فارسی نو گرگس .

ایرانی *cirt* ؛ دگوری *cirt* : نشنه ، سنگ قبر ؛ اوستائی

-*čiθra* ؛ فارسی نو چهر .

c ایرانی // c دگوری // *ti* ایرانی باستان :

ایرانی *ciry* ؛ دگوری *ciry* ؛ اوستائی - *tigra* ؛ فارسی باستان

-*tigra* : تیر ؛ فارسی نو تیر .

ایردنی arc ؛ دگوری arcæ ؛ خوارزمی ašc (Khwar:15)

(Henning) ؛ ختنی hälstä (Konow 32) ؛ فارسی میانه زردشتی

سدرم : aštar (GPV 249) ؛ اوستائی - aršti ؛

فارسی باستان - aršti ؛ فارسی نو خشت (نیزه کوچیک) .

صات ج

ج ایردنی // ج دگوری // ج ایرانی باستان :

ایردنی tinjin ؛ دگوری itinjun ؛ سغدی

paθθinj- ؛ (GMS 93) ؛ فارسی میانه زردشتی [س] - ٤ :-

ahanj- (GPV 253) ؛ ختنی - thamja (Konow 105) ؛

اوستائی Nθanj ؛ فارسی نو آهنجیدن ؛ پهلوانی طرغانی - padhkinj (51)

(Ghilain) : وزن کردن .

ج ایردنی // ج دگوری // ج ایرانی باستان :

ایرانی *fonj*؛ دگریری *fonj*؛ اوستائی-*panča*؛ فارسی نوینج .

ایرانی *sūjin* ؛ دیگر *sojun* ؛ استانی *saočayeiti* ؛

فارسی نو سوختن ، سوز .

ایرونی *rūjīng* ؛ اوستائی *raočana* ؛ فارسی نو روزن .

9-10

g میانِ اردنی // g میانِ دگوری // k میانِ ایرانی باستان :

ایرانی *marg*؛ دگوری *marg*؛ سخی *mrč* :

II, 60) marg : فارسی میانہ طرفانی (Gr. I, 94) *marč

Mir. Man. : فارسی میانه زردشتی 6لد : marg (422)

(GPV) ؛ اوستائی - mahrka ؛ فارسی نو مرگ .

ایرونی sūg ؛ دگیوری sog : میریم ؛ اوستائی - saoka* :

ساعتش ، از Nsaok : سوختن .

صامت k

k آغازی ایرونی // k آغازی دگیوری // k ایرانی باستان :

ایرونی *kæniŋ* ؛ دگیوری *kænuŋ* ؛ سغدی *kwn-* ؛ *kun-**

(Gr. I, 88) ؛ خوارزمی *k-* (Frejman 18) ؛ فارسی میانه زردشتی

119- - *kun-* (GPV 376) ؛ اوستایی *kərənau-* ؛ فارسی باستان

kunau- ($\rightarrow kərənau^*$) ؛ فارسی نو گن- . دریغابی مانند آسی

rn اوستایی برابر با *n* است ، برخلاف زبانهای غربی که *rn* اوستایی

برابر *rr* است :

اوستایی *pərənau-* ؛ یغایی *pun* (Sokolova II, 78) ؛

فارسی میانه طرطانی *purr* (Mahr. 14) ؛ فارسی میانه زردشتی *purr* :

(GPV 454) ؛ فارسی نو پُر .

k ایرونی // k دگیوری // k میانی ایرانی باستان :

ایرانی *kark* ؛ دگوری *kark* ؛ اوستایی *kahrka-* در

kahrkāsa- ؛ فارسی نو کرک (مرغ خانگی و ماکیان) .

ایرانی *ayk* ؛ دگوری *aykæ* ؛ فارسی میان‌نزدشتی *ayk* ؛

xāyak (GPV 254) از *āyaka* ؛ اوستایی *aya-* *

فارسی نو خایه .

صامت x

x ایرانی // x دگوری // x ایرانی باستان :

ایرانی *xūd* ؛ دگوری *xodæ* ؛ یغابی *xūd* (II, 76)

(Sokolova) ؛ خوارزمی *xōd* * (سده ۷) ؛ اوستایی

xaoda- ؛ فارسی باستان *xauda-* ؛ فارسی نو خود .

ایرانی *xæræg* ؛ دگوری *xæræg* ؛ اوستایی *xara-* ؛

فارسی نو خر .

ایرودی $\bar{x}$ ؛ دگوری ex ؛ اوستائی - $a\bar{e}xa$ ؛ فارسی نوینخ.

x ایرودی // x دگوری // h ایرانی باستان:

ایرودی $x\bar{id}$ ؛ دگوری xed ؛ سغدی $ytkw$ ؛ $*yetka$ ؛

یغایی etk از - $*haituka$ (Gr. I, 69 و YT 251)؛ اوستائی

$haetu-$ ؛ پل.

صامت g

g میانی ایرودی // g میانی دگوری // g میانی ایرانی باستان:

ایرودی $t\bar{y}$ ؛ دگوری $teyæ$ ؛ فارسی میانه زردشتی $t\bar{e}x$ ؛

(GPV 436)؛ اوستائی - $*ta\bar{e}ya$ ؛ فارسی نوینخ، تیغ، تیر.

ایرودی $m\bar{y}$ ؛ دگوری $meyæ$ ؛ اوستائی - $ma\bar{e}ya$ ؛ فارسی نوینخ.

ایرودی $bæy\bar{n}æg$ ؛ سغدی $\beta y\bar{n}^k$ ؛ $\beta a\bar{y}n\bar{a}k$ ؛

خوارزمی $\beta a\bar{y}n\bar{a}k$ (Frejman 110)؛ ختنی - $b\bar{u}n\bar{a}a$ (117)

(konow) ؛ اوستائی - magna : برهنه .

صامت q ابرونی // x دگوری

q آغازی ابرونی // x آغازی دگوری // g آغازی ایرانی باستان :

ابرونی qūs ؛ دگوری qōs ؛ سغدی qws : qōš* (101)

(Gr. I, ؛ یخانی qūš (YT 260) ؛ خوارزمی qōš (مقدّمه ۵۰) ؛

فارسی میانه طرغانی qōš (Mir. Man. II, 49) ؛ پهلوانی طرغانی qōš (55)

(Mir. Man. III, ؛ فارسی میانه زردشتی 𐬒𐬀𐬎𐬌 : qōš (GPV 65) ؛

فارسی باستان - gauša ؛ اوستائی - gaoša ؛ فارسی نو گوش .

صامتهای k', t', c', p'

صامتهای k', t', c', p' در زبان کسی دخل اند و همراه واژه های

دخل از زبانهای قفقازی وارد زبان کسی شده اند و تنها در واژه های دخل دیده می شوند. نمونه :

ابرونی c'irīn ؛ دگوری cerun ؛ مکیدن ، از گرجی c'ur .

صامت‌های چ، خ و ج

صامت‌های چ، خ و ج در گویش دگوری وجود ندارند؛ در گویش ابرونی

از ابدال k و k' پیش از i و e و $\bar{a}$ به وجود می‌آیند، نمونه:

ابرونی $karč$ ؛ دگوری $karki$ ؛ حالت اضافی مفرد از $kark$:

کرک (مخ‌خاگی و ماکیان) .

صوت ۳ ایرانی باستان

صوت ۳ ایرانی باستان برابر با ar / l در کسی است:

ابرونی ars ؛ دگوری ars ؛ فارسی باستان $rša$ در

$ršāma-$ (صورت مکتوب $AR^a Š^a AM^a$)؛ فارسی نو خرس .

ابرونی $mard$ ؛ دگوری $mard$ ؛ مردنی؛ اوستایی $marōta$ ؛

فارسی نو مرد .

*
ابرونی $kalm$ ؛ دگوری $kalm$ ؛ فارسی باستان $kṛmī$ ؛

شکرت - *kṛmi*؛ فارسی نو کرم .

گروههای صامتی

گروه *rt*

rt ایرونی // *rt* دگوری // *θr* ایرانی باستان:

ایرانی *firt*؛ دگوری *furt*؛ اوستایی - *puθra*؛ فارسی باستان

- *puθa*؛ فارسی نو پس، پسر، پور .

ایرانی *ærtæ*؛ پهلوانی طرفانی *hrē* (Boyce 189)؛ اوستایی

θrāyō؛ فارسی نو سر .

ایرانی *art*؛ فارسی میانه "زردشتی" ۱۱۴: *ātur* (280)

(GPV)؛ فارسی میانه "طرفانی" *ādur* (Mir. Man. II, 44)؛ پهلوانی

طرفانی *ādur* (Boyce 181)؛ سغدی *tr*؛ *atar* (I, 31)

(Gr.)؛ اوستائی - $\bar{a}\theta r$ ؛ فارسی نو آذر، آدر، آتش.

ایرونی $cirt$ ؛ دگوری $cirt$ ؛ نثنه، نگ قبر؛ اوستائی

- $\check{c}i\theta ra$ ؛ فارسی نو چهر.

گروه Lx

Lx ایرونی // Lx دگوری // xr ایرانی باستان؛

*
ایرونی $calx$ ؛ دگوری $calx$ ؛ سخی - $\check{c}r\gamma$: $\check{c}arx$

*
(Gr. II, 91)؛ یغابی $\check{c}arx$ (YT 236)؛ پهلوانی طرفانی $\check{c}axr$

(Boyce 186)؛ فارسی میانه زردشتی $\check{c}axr$ ؛ (بند هشتن ص

۲۷ س ۱۵)؛ اوستائی - $\check{c}axra$ ؛ فارسی نو چرخ.

گروه Ly

Ly ایرونی // Ly دگوری // gr ایرانی باستان؛

ایرونی aly ؛ دگوری aly ؛ اوستائی - $ayra$ ؛ پایان.

گروه rx

rx ایرونی // rx دیگوری // xr ایرانی باستان :

ایرونی sirx ؛ دیگوری surx ؛ اوستائی suxra ؛ فارسی باستان

θuxra- ؛ فارسی نو سرخ .

گروه ry

ry ایرونی // ry دیگوری // gr ایرانی باستان :

ایرونی ciry ؛ دیگوری ciry ؛ اوستائی tigrā ؛ فارسی

باستان tigrā : تیز ؛ فارسی نو تیر .

گروه xs

xs ایرونی // xs دیگوری // xš ایرانی باستان :

ایرونی xsir ؛ دیگوری æxsir ؛ اوستائی xštra* ؛

سکرت kṣtra- ؛ فارسی نو شیر (نوشیدنی) .

ایرونی æxsīn ؛ اوستائی axšaēna ؛ فارسی باستان

axšaina ؛ فارسی نو خشین .

گروه ɣd

ɣd ایرونی // ɣd دگوری // xt ایرانی باستان:

ایرونی diɣd ؛ دگوری duɣd ؛ فارسی میانه زردشتی ۲ ص ۴۳:

duxt (GPV 73)؛ اوستائی dugədar ، duɣdar ؛

فارسی نو دخت، دختر، دغد (عروس) .

ایرونی biɣdæg ؛ دگوری buɣdæg ؛ باز ($\neq$ بسته)

از ایرانی باستان buxtaka از Nbaug ؛ ربائی بخشیدن،

آزاد کردن؛ فارسی میانه زردشتی ۱ ص ۱۱۳: buxtan (PYV 85)؛

فارسی نو بخت در صهاربخت، چهاربخت، پنجشوع .

گروه wi ، گروه hwǎ

ایرونی *warin* ؛ دگوری *iwarun* ؛ جدا کردن ؛ اوستائی

-vivāra از *Nvar* ؛ گزیدن + *vi* .

ایرونی *xor* ؛ دگوری *xwar* ؛ نان ؛ اوستائی **x̥āra* ،

اسم از *Nx̥ar* ؛ خوردن ؛ فارسی نو خوار (به معنی خوردنی) .

ایرونی *xærin* ؛ دگوری *xwærun* ؛ خوارزمی *xur-*

(Frejman 18) ؛ اوستائی *Nx̥ar* ؛ فارسی نو خوردن .

دگوری *xwæræ* ؛ اوستائی *x̥arəhar-* ؛ فارسی نو خواهر .

ایرونی *farn* ؛ دگوری *farnæ* ؛ سغدی *farn* ؛ **farn*

(Konow 114) ، *prn* ؛ **farn* (Gr. I, 69) ؛ ختنی

-phārra ؛ *-fārra* (Konow 114) ؛ اوستائی

x̥arənah- ؛ مادی *farnah-* ؛ فارسی نو فرّ (ه) ، خرّه ، خوره .

ایرونی *fin* ؛ دگوری *fun* ؛ سغدی *fwβn* ؛ **x̥afn*

(Gr. I, 58) ؛ ختنی - *kūna* (Konow M 104) ؛ اوستائی

- *x^uafna* ؛ فارسی نو خرم : *x^uarm* (وزن شعر فارسی - چاپ بنیاد فرهنگ

ایران - ص ۱۱۸) .

گرده *rn*

n ایرونی // *n* دگوری // *rn* ایرانی باستان ؛

ایرونی *kænin* ؛ دگوری *kænun* ؛ اوستائی - *kəranao* ؛

فارسی باستان - *kunau* → *kṛnau* ؛ فارسی نو گن - ، کردن .

ایرونی *dæraen* ؛ اوستائی - *darəna* ؛ سنسکرت

- *darəna* ؛ از *Ndar* ؛ دریدن + *-ana-* ؛ فارسی نو در - ،

دریدن .

۲- بررسی فعلهای آکسی

فعل در زبان آکسی مانند زبان فارسی دو ماده دارد: ماده ماضی، ماده مضارع.

از ماده ماضی فعل ماضی ساخته می شود و از ماده مضارع مصدر، فعل مضارع، فعل آینده،

صفت فاعلی و اسم مصدر. ماده ماضی با صفت مفعولی یکی است و ماده مضارع با

فعل امر دوم شخص مفرد. میان دو ماده ماضی و مضارع، مانند فارسی، اختلاف

صوتی و صامتی وجود دارد، این اختلاف مربوط به گذشته زبان آکسی است. در زبان

فارسی اختلاف میان سوخت، ماده ماضی و سوز-، ماده مضارع مربوط به گذشته زبان

فارسی است، در آکسی نیز اختلاف میان *diyd*، ماده ماضی و *dūc*

(دشیدن) ماده مضارع، مربوط به گذشته زبان آکسی است.

ماده ماضی فعلهای آکسی دنباله صفت مفعولی ایرانی باستان و ماده مضارع

مبتنی بر ماده های مضارع گوناگون ایرانی باستان است.

در ایرانی باستان صفت مفعولی ساخته می شود از ریشه ضعیف (معمولاً) +

-ta- ، نمونه : Ndaug + ta- ← duxta- برابر ایرونی

آن می شود dijd ؛ دگوری duxd ؛ فارسی میانه زردشتی 𐭥𐭮𐭥𐭭 : duxt

(GPV 73) ؛ فارسی نو دخت (=دوشید) .

ماده مضارع زبان اکسی مبتنی است بر ماده های زیر در ایران باستان :

۱- ماده های که از ریشه قوی ساخته شده اند و صورت ریشه آنها ā است :

استائی Ntak

ایرونی-tæj ، ماده ماضی tæjd ؛ بهیوانی طرفانی-tæž (50)

(Ghilain) ؛ فارسی میانه زردشتی ص ۷- : tač- (GPV 445)

تاختن ، جاری شدن .

استائی Ngarəz

ایرونی-qærz ، ماده ماضی qærzt ؛ دگوری-jærz ؛

ماده ماضی jærzt ؛ گز کردن ؛ فارسی میانه زردشتی 𐭪𐭫𐭮𐭭 : garzišn

(AV. 42, 7) ، قل - : garz- ، قل و : garzit

(GPV 168) ؛ فارسی نوگزشت . از همین ریشه است در فارسی نوظه و گزین .

اوستائی *Nvarəd* : بالیدن

+ ā- ابرونی - *awærd* ، ماده ماضی *awærst* ؛ دگوری

- *awærd* ، ماده ماضی *aurst* (→ *āwarsta**) ؛ نگهداری کردن ،

حفظ کردن .

فارسی میانه زردشتی اصل و : *wālitān* (GPV 31) ؛

فارسی نو بالیدن .

اوستائی *Nkarət*

ابرونی - *kærd* ، ماده ماضی *karst* ؛ دگوری - *kærd* ،

ماده ماضی *karst* : بریدن . کارد در فارسی نواز *Nkarət* آمده است .

اوستائی *Nkas* ؛ فارسی باستان *Nkaθ**

ایرونی - *kæs* ، ماده ماضی *kast* ؛ دگوری - *kæs* ، ماده ماضی

kast : نگاه کردن .

درخوارزمی - *skās* : نگاه کردن (مصدر ۱۷۸) ؛ در سغدی - *ngs* :

angas - * : چهره (GMS 39) ؛ در فارسی نو نگاه ، آگاه از *Nkas* ،

Nkaθ * آمده اند . ختنی - *kāša* ، ماده ماضی - *kāštā* : بررسی کردن (۹۹)

(Konow) . سغدی - *ks* : *kas* ، در *nyrks* - * ؛ *anayrkas* - *

ستاره نگر ، منجم (Gr. I, 57)

اوستایی *Nčar* : حرکت کردن

ایرونی - *cær* ، ماده ماضی *card* ؛ دگوری - *cær* ، ماده ماضی

card : زینت ؛ فارسی نو چر - ، چریدن .

اوستایی *Nxvar*

ایرونی - *xær* ، ماده ماضی *xord* ؛ دگوری - *xwær* ؛ فارسی میانه

زردشتی ص ۱- : $x^u ar-$ ، ماده ماضی ص ۱۱ : $x^u art$ (GPV 215) ؛

سغدی $\gamma wr-$: $x^u ar-$ (SDM III, 121) ؛ ماده ماضی γwrt : $x^u art$ *

(SDM II, 201) ؛ فارسی میانه طرفانی $x^u ar-$ ، ماده ماضی $x^u ard$ (174)

(Verbum) ؛ پهلوانی طرفانی $xar-$ ، ماده ماضی $xard$ (57)

(Ghiain) ؛ خوارزمی $xur-$ ، ماده ماضی $xurd$ (Frejman 18-19) ؛

ختی $huxara-$ ؛ ماده ماضی $huxada$ (Konow 132) ؛ یغانی $x^o ar-$ ،

ماده ماضی $x^o arta$ (Sokolova II, 78) .

اوستائی $\sqrt{tar}$: گذشتن

ایرانی $tær-$ ، ماده ماضی $tard$ ؛ دگوری $tær-$ ، ماده ماضی $tard$ ؛

گذشتن ، راندن . فارسی میانه زردشتی ص ۱- : $witar-$ ، ماده ماضی ص ۱۱ ؛

$witart$ (GPV 50) ؛ فارسی نو گذر- ، گذشتن ، گذردن با

$tær-$ در کسی هم ساختن است ، در فارسی میانه و نو فعل لازم است ، در کسی متعدی .

۲- ماده یابی که از ریشه قوی ساخته شده اند و مصوت ریشه آنها $\bar{a}$ است:

اوستائی $N\bar{a}p$

+ $abi-$ ایرونی $\bar{a}y\bar{y}af-$ ، ماده ماضی $\bar{a}y\bar{y}\bar{a}ft$ ،

دیگری $\bar{a}y\bar{y}af-$ ، ماده ماضی $\bar{a}y\bar{y}aft$ ؛ فارسی سیاه طرفانی $\bar{a}y\bar{a}b-$ ،

ماده ماضی $\bar{a}y\bar{a}ft$ (Verbum 176) ؛ فارسی سیاه زردشتی $\bar{a}y\bar{a}b-$ -

: $\bar{a}y\bar{a}p-$ ، ماده ماضی $\bar{a}y\bar{a}p-$ ۱۳ : $\bar{a}y\bar{a}ft$ (GPV 241) ؛

فارسی نو یاب - ، یافتن .

+ $pati-$ سغدی $ptyy'p-$: $patiy\bar{a}p-$ (GMS 99) *

+ $pari-$ پهلوانی طرفانی $\bar{p}ary\bar{a}b-$ ، ماده ماضی $\bar{p}ary\bar{a}ft$ (Ghila-60)

. (in

اوستائی $Nr\bar{a}z$ ؛ فارسی بستان $Nr\bar{a}d$

+ $\bar{a}$ ایرونی $\bar{a}raz-$ ، ماده ماضی $\bar{a}r\bar{a}zt$ ؛ دیگری $\bar{a}raz-$ ،

ماده ماضی *arazt* : راهنمایی کردن ، فارسی میانه زردشتی سلسو - : *ārād* ،

ماده ماضی سلسو : *arāst* (PYV 15) ؛ فارسی نو آرای - ، آراستن .

upa- فارسی میانه زردشتی سلسو : *afrāst* ،

afrāxt (PYV 10) ؛ فارسی نو افراز - ، افراشتن ، افراختن .

۳ - ماده مایی که از ریشه قوی ساخته شده اند و مصوت ریشه آنها *ā* است :

اوستایی *Nraēk*

ایرانی - *tij* ، ماده ماضی *lijd* ، دگوری - *lej* ، ماده ماضی

lijd ؛ برگزین ؛ فارسی میانه زردشتی *lec* - : *rēč* ، ماده ماضی *ler* :

rix (GAV 136) ؛ فارسی میانه طرغانی - *rēz* (Verbum 177) ؛

فارسی نو ریز - ، ریختن .

اوستایی *Nvaēk* : بخت

ایرانی - *wij* ، ماده ماضی *wijd* ؛ دگوری - *wēj* ، ماده ماضی

wiγd : گزیدن ؛ فارسی میانه زردشتی ان - e : wēč ، ماده ماضی ۱۲۵۱ :

wixt : گزیدن ؛ بختن (Air.Wb. 1312) ؛ فارسی نو بزر- ، بختن .

√ vaēg اوستائی

ایرانی - wīγ- ، ماده ماضی wiγd ؛ سغدی - wyč- : wēj-

(Gr. II, 19) ؛ فارسی میانه زردشتی ان - e- : wēj- ، ماده ماضی ۱۲۵۱ :

wixt (PT 9) ؛ فارسی نو بزر- ، بختن (= سگان دادن) .

√ haēz اوستائی

ایرانی - xīz- ، ماده ماضی xīst ؛ دگوری - xez- ، ماده ماضی

xīst ؛ فارسی میانه ظرفانی - xēz- ، ماده ماضی xīst (Verbum 178) ؛

فارسی میانه زردشتی مصدر - : xēz- ، ماده ماضی مصدر هم- ۱ : xēzīt ،

من مصدر ۱۱ : xāstan (→ hāištanai) (GAV 4) ؛

فارسی نو خیز- ، خیزیدن ، خاستن .

اوستائی $\sqrt{maēz}$

ایرودی - $māz$ ، مادهٔ ماضی $mīst$ ؛ دگوری - mez ، مادهٔ ماضی

$mīst$ ؛ فارسی میانه زردشتی $mēz$ - : - : مادهٔ ماضی $mēz$ ؛ $mēz$: ۱۳۱ :

$mīst$ (GPV 411) ؛ فارسی نو $mīst$ ، میزدن ، میسختن (= پشیمان کردن) .

اوستائی $\sqrt{daēs}$

$abi +$ ایرودی - $avdīs$ ، مادهٔ ماضی $ævdīst$ ؛ دگوری

- $ævdes$ ، مادهٔ ماضی $ævdīst$ ؛ پهلوئی طرفانی - $abdēs$ ، مادهٔ ماضی

$abdišt$ ؛ نشان دادن (Ghilain 61) .

اوستائی $\sqrt{raēš}$

ایرودی - $rīs$ ، مادهٔ ماضی $rist$ ؛ دگوری - res ، مادهٔ ماضی

$rist$ ؛ ریش کردن ، درکشیدن ؛ فارسی میانه زردشتی $rēš$ - : - : $rēš$ ،

مادهٔ ماضی $rēš$ (GPV 337) ؛ فارسی نو $rēš$ - : - : $rēš$.

۴- ماده‌هایی که از ریشه قوی ساخته شده اند و مصوت ریشه آنها $\bar{a}$ است:

اوستائی $\sqrt{saok}$: سوختن

ایرانی- $sū$ ، ماده‌ی ماضی siy d ؛ دگوری- soj ، ماده‌ی ماضی su y d ؛

ختی- $sūj$ sa ، ماده‌ی ماضی- $sūta$ (Konow 127) ؛ فارسی میانه طرفانی

- $sōz$ ، ماده‌ی ماضی $suxt$ (Verbum 182) ؛ پهلوانی طرفانی - $sōz$ ،

ماده‌ی ماضی $suxt$ (Ghilain 63) ؛ فارسی میانه زردشتی sc - $sōč$ ،

ماده‌ی ماضی sc - sux (GPV 103) ؛ فارسی نو سوز- ، سوختن .

اوستائی $\sqrt{daog}$

ایرانی- $dūc$ ، ماده‌ی ماضی di y d ؛ دگوری- doc ، ماده‌ی ماضی

du y d ؛ فارسی میانه زردشتی sc - $dōz$ ، ماده‌ی ماضی per sc : $duxt$

(GPV 73) ؛ فارسی نو دوش- ، دوختن .

اوستائی $\sqrt{taog}^*$

ایرونی - *tux* ، ماده ماضی *tixt* ؛ دگوری - *tox* ، ماده ماضی

tuxt : دشنام دادن ؛ فارسی میانۀ طرفانی - *tōz* (Verbum 182) ؛

پهلوانی طرفانی - *tōz* (Ghilain 63) ؛ فارسی میانۀ زردشتی ۹۱۳ - :

tōj ، ماده ماضی ۱۳۱۳ : *tuxt* (GPV 431) ؛ فارسی نو توز- ،

توزیدن ، توختن .

اوستائی *qaoš*

+ *wi* - ایرونی - *qūs* ، ماده ماضی *qūst* ؛ دگوری - *iyos*

ماده ماضی *iyost* .

+ *ni* - فارسی میانۀ طرفانی - *niyōš* (Verbum 185) ؛

پهلوانی طرفانی - *niyōš* (Ghilain 66) ؛ سغدی - *ny'wš* : **niyōš* ؛

ماده ماضی *ny'wšt* : **niyōšt* (Gr. II, 10) ؛ فارسی میانۀ زردشتی

۱۳۱۳ - : *niyōš* ، ماده ماضی ۱۳۱۳ : *niyōšit* (GPV 4)

فارسی نو نبوش - ، نبوشیدن .

اوستائی *kaos* *N* : جنگ کردن ، کوشیدن

ایرانی - *kūs* ، ماده ماضی *kūst* ؛ دگوری - *kos* ، ماده ماضی

kost : کار کردن ؛ فارسی میانه 'طرفانی' - *kōš* ، ماده ماضی *kōšīd* (184)

(*Verbum*) ؛ پیروانی طرفانی - *kōš* ، ماده ماضی *kōšād* (Ghil-60)

(*ain*) ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۹۵ - - : *kōš* ، ماده ماضی ۱۹۵ ۱۳۵ :

kōšīt (GPV 380) ؛ فارسی نو کوش - ، کوشیدن .

۵ - ماده بابی که از ریشه قوی تر ساخته شده اند و صورت ریشه آنها *ā* است :

اوستائی *tak* *N* : تاختن ، جاری شدن

ایرانی - *taj* ، ماده ماضی *tajd* ؛ دگوری - *taj* ، ماده ماضی

tajd : ریختن ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۳۵ - ۱ - *tāč* ، ماده ماضی ۱۳۵ ۱۳۵ :

tāxt (GPV 438) ؛ فارسی نو تاز - ، تاختن .

+apa- پهلوانی طرفانی - *abdāz* ، ماده ماضی *abdāzād* :

آزاد کردن (Ghilain 67) .

+ham/n- ایردنی - *ændaj* ، ماده ماضی *ændayd* ؛

دگبوری - *ændaj* ، ماده ماضی *ændayd* ؛ چسباندن ؛ فارسی میانه 'طرفانی' *handā* :

-z- (Verbum 186) ؛ فارسی میانه 'زردشتی' *handāč* (بندش)

٤) ، ماده ماضی *handāxt* (بندش ٥٦) ؛ فارسی نو انداز - ،

انداخت .

اوستائی *√sak*

ایردنی - *saj* ، ماده ماضی *sayd* ، دگبوری - *saj* ، ماده ماضی

sayd : نشاندن (دخت) ؛ پهلوانی طرفانی - *sāz* ، ماده ماضی *sāzād*

(Ghilain 68) ؛ فارسی میانه 'زردشتی' *sāč* - ؛ ماده ماضی

ساختن . *sāxt* (GAV 154) ؛ فارسی نو ساز - ،

اوستائی $\sqrt{N}car$ ؛ حرکت کردن، چرخیدن

ایرانی - car ، ماده ماضی $card$ ؛ دگوری - car ، ماده ماضی

$card$: زنده کردن .

$para+$ فارسی میانه "طرفانی" - $parzār$ (Verbum 192)؛

پهلوانی طرفانی $parzār$ ؛ مضاعف کردن، درخ کردن (Ghilain 74) .

$wi +$ فارسی میانه "طرفانی" - $wizār$ ، ماده ماضی $wizārd$

(Verbum 192)؛ فارسی میانه "زردشتی" - $wičār$ ؛

ماده ماضی $wičārt$ (GPV 235) .

۶ - ماده هائی که از ریشه مضاعف ساخته شده اند:

اوستائی $\sqrt{N}stā$

ایرانی - st ، ماده ماضی $stad$ ؛ دگوری - ist ، ماده ماضی

$istad$: ایستادن؛ پهلوانی طرفانی - $išt$ ، ماده ماضی $ištād$

(*hišta* - →) : بودن (Ghilain 78) .

+ *abi* - پهلوانی طرفانی *awišt* - ، ماده ماضی *awištād*

(Ghilain 78) ؛ فارسی میانه طرفانی *ēst* - ، ماده ماضی *ēstād*

(Verbum 194) ؛ سغدی *ʾwšt* - : *awišt* -^{*} (GMS 88) ؛

فارسی نو ایت - ، ایستادن .

اوستایی *Ndā*

ایرانی- *dædd* - ، ماده ماضی *læværd* ؛ دگوری *dædd* -

ماده ماضی *lævard* ؛ فارسی میانه طرفانی *day* - ، ماده ماضی *dād* (194)

(Verbum) ؛ پهلوانی طرفانی *dah* - ، ماده ماضی *dād* (Ghilain 78) ؛

فارسی میانه زردشتی *د-* - *dah* - ، ماده ماضی *د* : *dāt* (GPV 155) ؛

فارسی نو ده - ، دادن .

ماده ماضی ایرانی *læværd* ؛ دگوری *lævard* از

fra-bar- ایرانی باستان آمده است ؛ در فارسی نو *ben-* از *waina-*

از *Nway* ، دیدن از *dita-* از *Ndi* آمده است .

۷- ماده های آغازی (*Inchoative*) :

اوستائی $\sqrt{x^{\text{ap}}}$

ایرونی *xūss-* ، ماده ماضی *xūssid* ؛ فارسی میانه زردشتی

سپهری *xs-* : *xufs-* ، ماده ماضی *xufsit* :

(*GPV 222*) ؛ فارسی نو *خسپ-* ، خپیدن .

اوستائی $\sqrt{tap}$

ایرونی *tæfs-* ، ماده ماضی *tæfst* ؛ سغدی *tpsnuq* :

**tafsnōk* ؛ عذاب ، ناراحتی (*GMS 84*) ؛ فارسی نو *تفس-* ، تفکیدن .

اوستائی $\sqrt{\theta rah}$

ایرونی *tærs-* ، ماده ماضی *tarst* ؛ دیگوری *tærs-* ،

ماده ماضی *tarst*؛ فارسی میانه طرفانی - *tirs*، ماده ماضی *tirsād*

(Verbum 196)؛ پهلوانی طرفانی - *tirs* (80 Ghilain)؛ فارسی

میانه زردشتی ص لعد - : *tars*؛ ماده ماضی ص لعد و ص ۱۱ : *tarsit*

(442 GPV)؛ فارسی نو ترس - ، رسیدن .

اوستائی *Nfras*؛ فارسی باستان *Nfraθ*

ایرانی - *færs*، ماده ماضی *farst*؛ دگوری - *færs*،

ماده ماضی *farst*؛ فارسی میانه طرفانی - *purs*، ماده ماضی *pursād*

(Verbum 196)؛ پهلوانی طرفانی - *purs*، ماده ماضی *pursād*

(79 Ghilain)؛ فارسی میانه زردشتی ص لعد و ص ۱۱ - : *purs*، ماده ماضی

ص لعد و ص ۱۱ : *pursit* (447 GPV)؛ فارسی نو پرس - ، پرسیدن .

۸ - ماده لمائی که با میانوند خیشومی ساخته شده اند ، یعنی میانوند - *n* - پیش

از آخرین صامت ریشه گذاشته شده است :

اوستائی *Nθag*

+wi- ایرونی- *tiŋj*، مادہ ماضی *tiŋd*؛ دیگر- *itinj*،

مادہ ماضی *itiŋd*؛ پھولانی طرفانی- *wihinj*، مادہ ماضی *wihaxt* (51)

. (*Ghilain*

+ā- فارسی میانہ طرفانی- *āhinz*، مادہ ماضی *āhaxt* (198)

(*Verbum*)؛ فارسی میانہ زردشتی س ۱۳-: - *āhanj*، مادہ ماضی س ۱۴:

āhaxt (بندہشن ص ۲۱، س ۱۵)؛ فارسی نو آہنج-، آہنجن، آہنجن.

+pati- سغدی- *pδδync*، مادہ ماضی *pδδync* (GMS 93)؛ کُشد.

اوستائی *Npaēs*

ایرونی- *fiŋss*، مادہ ماضی *fiŋst*؛ دیگر- *fins*، مادہ ماضی *fiŋst*:

نوشتن .

۹- مادہ لمائی که بایسوند خیشومی خورشده اند :

الف - ماده لمی که با پیوند -nā ← n رخ نهاده اند:

اوستایی -xrī√

+apa- ایرونی -ælxæn، ماده ماضی ælxæd؛ دیگری

-ælxæn، ماده ماضی ælxæd.

فارسی میانه طرفانی -xrīn، ماده ماضی xirīd (Verbum 200):

فارسی میانه زردشتی مدغم -: -xrīn، ماده ماضی ملخصاً: xrit (360)

(GPV)؛ فارسی نو خر-، خریدن.

اوستایی -brī√

+apa- ایرونی -ælvīn، ماده ماضی ælvīd؛ دیگری

-ælvīn، ماده ماضی ælvīd؛ بدون پیشوند فارسی میانه زردشتی رلی-:

-brīn، ماده ماضی رالفصاً: burīd (GPV 308)؛ فارسی نو بر-، بریدن.

در مورد اول $xr \leftarrow rx \leftarrow lx$ ، در مورد دوم $br \leftarrow$

$rv \leftarrow lv$ ، نگاه کنید به بخش بررسی واکها .

ب - ماده l بی که با پسوند $-nao$ - $\leftarrow$ - n - ساخته شده اند :

اوستای $Nkar$

ایرانی- $kæn$ ، ماده ماضی $kond$ ؛ دیگوری- $kæn$ ، ماده ماضی

$kond$ ، $kind$ ؛ سغدی- kwn : kun - (SDM III, 122) *

خوارزمی k - (Frejman 19) ؛ فارسی میانه طرفانی- kun ، ماده ماضی

$kird$ (Verbum 202) ؛ پهلوانی طرفانی- kar ، ماده ماضی $kird$

(Mir. Man. III, 57) ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۱۹ - : kun (376)

(GPV) ، ماده ماضی ۱۳۱۹ : $kart$ (GPV 382) ؛ فارسی نوگن - ، کردن .

اوستای $Nvar$

ایرانی- urn ، ماده ماضی $urnidt$ ؛ فارسی میانه طرفانی- $wurraw$ ،

ماده ماضی *wurrawist* (Verbum 201) ؛ پهلوانی طرفانی - *wurraw*

(Ghilain 85) ؛ فارسی بیانه زردشتی 𐬨𐬀𐬎𐬎 - *wurraw-* ؛ ماده ماضی

𐬨𐬀𐬎𐬎 *wurrawit* (GAV 241) $\rightarrow$ *wrnau-* ؛ فارسی نو

گرو- ، گرویدن ، گروستن .

۱۰- ماده 𐬨𐬀𐬎𐬎 که *-y-* دارند ، *y* ممکن است برابر :

الف - *-yá- / -ya-* - اوستایی باشد .

ب - *-aya-* - اوستایی باشد .

الف - *y* $\rightarrow$ *-yá- / -ya-* :

۱- ریشه منخوم به *-ā- + -yá- / -ya- ← -āy-* :

اوستایی 𐬨𐬀𐬎𐬎 (*y*) 𐬨𐬀𐬎𐬎 : پیودن

+ -ā- ایردنی - *amay-* ، ماده ماضی *amad* ؛ دگوری - *amay-* ،

ماده ماضی *amad* ؛ فارسی نو اکامی- ، اکادن ، اکمودن .

+ ni- ایردنی -nimay، مادهٔ ماضی nimad؛ دگبوری

-nimay، مادهٔ ماضی nimad؛ شمردن؛ فارسی بیانهٔ طرفانی nimāy،

مادهٔ ماضی nimūd (Verbum 203)؛ پهلوانی طرفانی -nimāy، مادهٔ ماضی

nimād (Ghilain 86)؛ فارسی بیانهٔ زردشتی ۱۶۵۰ -nimāy،

مادهٔ ماضی ۱۳۱۶ nimūt (GPV 47)؛ فارسی نو گای -، نمودن .

+ fra- سغدی -frm'y: framāy؛ مادهٔ ماضی -frm't،*

-framāt (GMS 89)؛ فارسی نو فرمای -، فرمودن .*

اوسائی $\sqrt{zā}$

ایردنی -zay، مادهٔ ماضی zad؛ دگبوری -zay، مادهٔ ماضی

zad؛ فارسی بیانهٔ طرفانی -zāy، مادهٔ ماضی zād (Verbum 203)؛

فارسی بیانهٔ زردشتی کس -zāy (GPV 264)، مادهٔ ماضی کس ۱۱؛

zāt (GPV 367)، پهلوانی طرفانی -zāy، مادهٔ ماضی zād (87)

. (Ghilain

اوستائی $Nsnā$

ایرونی - nay ($snāy$ - $\rightarrow$) مادهٔ ماضی nad ($snāta$ - $\rightarrow$) .

+ - $ā$ فارسی بیانۀ ظرفانی - $āsnāy$ (*Verbum* 203) ؛

فارسی بیانۀ زردشتی سوم - : - $āsn$ ، مادهٔ ماضی سوم مصرع : $āsnīt$

(*GPV* 231) : شنا کردن . در فارسی نوشتا و صورتهای متعدّد آن از $Nsnā$

است .

اوستائی $Nkā$: بوس کردن

+ - $ā$ ایردنی - $agay$ ، مادهٔ ماضی $agayd$ ؛ دیگوری - $agay$ ،

مادهٔ ماضی $agayd$: اشتیاق داشتن . کام در فارسی نواز $Nkā$ آمده است .

۲- ریشهٔ مخوم ؛ $ū + -yá - / -ya -$:

اوستائی $Npū$

+ham- ابرونی -æmbiy- ، مادهٔ ماضی æmbid ؛ دگوری

-æmbuy- ، مادهٔ ماضی æmbud ؛ پوشیدن . پوشیدن در فارسی نو با

-s- آغازی از همین ریشه است .

۳- ریشهٔ مخوم به $\text{t} + \text{-yá-} / \text{-ya-}$:

اوستائی $\sqrt{r\bar{i}}$

ایرونی -līy- ، مادهٔ ماضی līd ؛ دگوری līy ، مادهٔ ماضی līd ؛

فارسی نو ری- ، ردین .

ب- -aya- ← -y- :

اوستائی $\sqrt{st\bar{u}}$

ایرونی -staw- ، مادهٔ ماضی stīd ؛ پهلوانی طرفانی -istāw- ،

مادهٔ ماضی istāwād (Ghilain 77) ؛ فارسی میانه ژرفانی

-istāy- ، مادهٔ ماضی istūd (Verbum 209) ؛ فارسی میانه ژردشتی

مصم - : - *stāy* (GPV 132) ؛ ماده ماضی مصم ۱۳ :

stūt (GPV 130) ؛ فارسی نو (استای - ، (۱) استودن .

اوستائی *Npū*

ham-+ دگوری *æmbaw* ، ماده ماضی *æmbud* ؛ پوزاندن .

اوستائی *Ndū*

ایرونی - *daw* ، ماده ماضی *dawd* ؛ دگوری - *daw* ، ماده ماضی

dawd ؛ در دیدن .

uz + فارسی بیانه زردشتی مع کنه و - : - *uzdāy* (216)

(GPV) کمم - : - *zdāy* ، ماده ماضی کم ۱۴ : *zdūt*

(GPV 375) ؛ فارسی نو زدای - ، زدودن .

اوستائی **Nrū*

+ - *araw* ایرونی - *araw* ، ماده ماضی *arid* ؛ دگوری - *araw* ،

ماده مضی *arud* ؛ فارسی بیان زردشتی *ملم* ص ۱۳ : *ālāt* (263)

(GPV) ؛ فارسی نو اکلاسی - ، اکودن - .

۳ - بررسی وندهای آسی

الف - پسوند ها

۱- *ag* - در ایرونی ؛ *agæ* - در دیگوری ؛ اوستائی - *āka* -

(Jackson 231) . این پسوند در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای ساختن صفت از ماده مضارع ، ایرونی *tærsag* ؛ دیگوری

tærsagæ : تر (به معنی اصلی واژه) از مصدر *tærsi/un* : رسیدن .

غذی *γnt* "k : *γantāk* * : بد (GMS 150) ؛ پهلوانی طرفانی

gandāg (هانبجا) ؛ فارسی نو گندا ؛ فارسی میانه طرفانی *dānāg* (II, 49)

Mir. Man. ؛ فارسی میانه زردشتی *dānāk* (GPV 122) ؛

فارسی نو دانا .

ب - برای ساختن اسم از ماده ماضی ، ایرونی *sastag* : ریزه ، خرده ،

از مصدر *sættin* : شکن ، خرد کردن .

ج - برای ساختن صفت نسبی از اسم ، ایرونی *wirriṣṣag* :

روسی ، از *wiriṣ* : روس .

سختی *pāxūt* : *pāxūtāk* * : پاخودی ، از

- در کتابهای اسلامی « پاخود » - نام جایی در سند بوده است (SDM III, 106).

د - برای ساختن اسم عدد ترتیبی از یک تاسه ، ایرونی *fiṣṣag* : نخست :

dikkag : د دیگر ؛ *ærtikkag* : س دیگر .

ه - برای ساختن *future participle* از مصدر ، ایرونی

xərīnag ($xərīn + ag \rightarrow$) : آن چه باید خورده شود ، غذا . ایرونی

xūdīnag ($xūdīn + ag \rightarrow$) : آن چه باید براوخنده شود ، شرم .

future participle هم معنی لازمی دارد ، هم معنی متعدی ، باید از سیاق

عبارت فهمید که معنی لازمی است یا متعدی . ایرونی *fiṣṣīnag* (+ *fiṣṣīn*)

(+ *ag*) : آن که خواهد نوشت ، آن چه نوشته خواهد شد .

۲- ایرونی $-æg$ ؛ دگوری $-æg$ ؛ اوستائی $-aka$

(Jackson 231) . این پسوند در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای ساختن صفت فاعلی از ماده مضارع ، ایرونی $kūsæg$ ؛

دگوری $kosæg$: کارگر ، به ترتیب از مصدر $kūsin$ ، $kosun$: کار کردن .

سغدی $murčak$: $mōčak$ (GMS 147) ؛ پهلوانی طرفانی

$āmōžag$ (Mir. Man. III, 49) : آموزگار .

ب - برای ساختن صفت از ماده ماضی ، ایرونی $cærdæg$: زنده

از مصدر $cærin$: زیستن .

سغدی $z'tk$: $zātak$ (SDM III, 16) ؛ یغیانی

$zūta$ (Sokolova II, 76) ؛ فارسی میانه "طرفانی" $zādag$ (13)

(Mahr. ؛ پهلوانی طرفانی $zādag$ (Mir. Man. III, 64) ؛ فارسی

میانه "زردشتی کمر و" $zātak$ (YF 6, 5) ؛ فارسی نو زاده .

ج - برای ساختن اسم مصدر از مصدر ، ایرونی *tæjɪnæɡ* : زهش ، از

مصدر *tæjɪn* : زهیدن .

سغدی *𐭪𐭣𐭥𐭥* : *θBarak* (Gr. II, 57) ؛ یغنیایی

tifarak : دیش → *fra-bara-* (YT 334) ؛ یغنیایی *karak* :

کش ، *viak* : بوش . برای یحیی جامع درباره *ak* - پسوند اسم مصدر

در بسیاری از زبانهای ایرانی نگاه کنید به - *E. Benveniste, Les Infinitifs*

fs avestiques, Paris 1935, pp. 111-2.

د - برای ساختن صفت از اسم ، ایرونی *galɪwæɡ* : چپ (کسی که با

دست چپ کار می کند) از *galɪw* : چپ .

۳ - *æn* - در ایرونی ؛ *æn* - در دیگوری ؛ اوستایی *-ana* -

(Jackson 214-5) . این پسوند در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای ساختن اسم اکت از ماده مضارع ، ایرونی *kærdæn* : قتی ، از مصدر

کاردین : *kærdin* .

ب - برای سخن اتم مکان از ماده مضاع ، ایرونی *xīzæn* : چراگاه ،

از مصدر *xīzīn* : چریدن .

*
سعدی *wčern* : بازار ، *pršprn* : زمین ، از *pršprn* :

*
گام نهادن (GMS 156) . فارسی نو - زار → *čārna-* از *čār+na-* .

۴ - *-on* - در ایرونی ؛ *-on* - در دگوری ؛ اوستائی *-āna-*

(Jackson 229 - 230) . این پسوند برای سخن صفت نسبی از اتم به کار می رود :

ایرونی *īron* : ایرونی ، *zimægon* : زمستانی ، به ترتیب از

īr ، *zimæg* ؛ دگوری *digoron* از *digor* ؛ فارسی میانه زردشتی

pāpakān : ککلیک ، *zarērān* .

۵ - *-in* - در ایرونی *-un* - در دگوری ؛ اوستائی *-una-* (3) -

(Jackson 222) . این پسوند برای سخن مصدر از ماده مضاع به کار می رود ،

ایرونی *kæsin* ؛ دگوری *kæsun* : دیده ، نگاه کردن ؛ ایرونی *cærin* ؛ دگوری

cærun : زین .

سغدی *wrč'wny* : *warčune* * *warčun* Acc. *

اعجاز ؛ ختنی *-auña* (GMS 166) .

۶ - *t/-d* - در ایرونی ؛ *t/-d* - در دگوری ؛ اوستائی - *ta-*

(Jackson 195) . این پسوند نشانه 'ماده' ماضی وصف مفعولی است ، ایرونی

fist : نوشته ، *bast* : بسته ، *mard* : کشته .

سغدی *tβt* ، ماده' ماضی از *t'p-* : *tāp-* (SDM III, 129) *

ختنی - *stāta-* : ایستاده ، *jsata-* : زده (Konow 52) ؛ فارسی میانه

طرفانی *guft* (Verbum 84) ، *zad* (Verbum 172) ؛ پهلوانی

طرفانی *bast* ، *ōzad* (Ghilain 55) ؛ فارسی نو بسته ، زد .

۷ - *gæ-* در ایرونی ؛ *gæ-* در دگوری ؛ اوستائی - *ka-* (231)

ایرونی *kæsin* ؛ دگوری *kæsun* : دیده ، نگاه کردن ؛ ایرونی *cærin* ؛ دگوری
cærun : زین .

سغدی *wrč'wny* : *warčune* * *warčun* Acc. *

اعجاز ؛ ختنی *-auña* (GMS 166) .

۶ - *t/-d* - در ایرونی ؛ *-t/-d* - در دگوری ؛ اوستائی - *ta-*

(Jackson 195) . این پسوند نشانه 'ماده' ماضی وصف مفعولی است ، ایرونی

fist : نوشته ، *bast* : بسته ، *mard* : کشته .

سغدی *tbt* ، ماده' ماضی از *t^p-* : *tāp-* (SDM III, 129) *

ختنی - *stāta* : ایستاده ، *-jsata* : زده (Konow 52) ؛ فارسی میانه

طرفانی *guft* (Verbum 84) ، *zad* (Verbum 172) ؛ پهلوانی

طرفانی *bast* ، *ōžad* (Ghilain 55) ؛ فارسی نو بست ، زد .

۷ - *-gæ* - در ایرونی ؛ *-gæ* - در دگوری ؛ اوستائی - *ka-* (231)

(Jackson) . این پسوند برای سخن صفت حال و اسم مصدر از ماده مضارع به کار می رود:

الف - حال ، ایرونی $sūjgæ$: سوزان ، صفت حال از مصدر

$sūjin$: سوختن ، ایرونی $dimgæ$ ، دیگری $dumgæ$: باد ، لغت دمان ،

به ترتیب از مصدر $dumun$, $dimin$: دمیدن .

خنی - $tsūka$: شوان ، - $jināka$: زنان (Konow 51) .

ب - اسم مصدر ، ایرونی $xūssgæ$: خواب ، از مصدر $xūssin$:

خسیدن ، ایرونی $tilgæ$: تکان ، از مصدر $tilin$: تکان خوردن .

سفی - $θBr^3k$: $θBarak$ (Gr. II, 57) * ؛ یغابی

$tifarak$: دیش $→ fra-bara$ (YT 334) ، $karak$: کنش ،

$viak$: بوش (Sokolova II, 79) .

در زبان انگلیسی $-ing$ - برای سخن صفت حال و هم برای ساختن اسم مصدر

به کار می رود .

۸ - *in* - در ایدونی ؛ *inæ* - در دیگوری ؛ اوستائی - *an-ya* -

(Jackson 214 , 224) . این پسوند برای سخن صفت از ماده مضارع و برای

سخن صفت از اسم به کار می رود ، دیگوری *anbadinæ* : بنشین ، از مصدر

badun : نشستن + *æn-* ؛ ایدونی *siȝgærin* → *siȝzæ-*

rīn ؛ دیگوری *suȝzærinæ* : زر ؛ ایدونی *æmjærin* : بهمانه ، لغت

بهزیست ، از - *æm-* + *cær-* ماده مضارع از *cærin* : زیستن + *in-* .

۹ - *ad* - در ایدونی ؛ *adæ* - در دیگوری ؛ اوستائی - *āta** - نگاه کنید

به Jackson 219 . این پسوند برای سخن اسم معنی از صفت به کار می رود ، ایدونی *stirad* :

سترگی ، از *stir* : سترگ ؛ ایدونی *arfad* : ررقا ، از *arf* : ژرف ؛ ایدونی

sabirad ؛ دیگوری *saburad* ؛ آرایش ، از *sabi/ur* : آرام ؛ ایدونی

æcægad : حقیقت .

سندی *āt* - در *ȝyrsty'twh* : شادی ، از *ȝyrsty* : شادبودن

۱. *jīnad* - در ایرونی ؛ *jīnadæ* - در دیگوری ، از *ad* - شماره

۹ + *jīn* / *-jīn* ؛ اوستائی - *ēinah* : خواهیمده ، شتاق (؟)

نگاه کنید به 78 Benveniste .

این پسوند برای سخن اسم معنی از صفت به کار می رود ، ایرونی *ræstjīnad* :

راستی ، از *rast* : راست ، ایرونی *æcægjīnad* : حقیقت .

۱۱ - *in* - در ایرونی ؛ *in* - در دیگوری ؛ اوستائی - *āēna* - (229)

(Jackson) . این پسوند برای سخن صفت از اسم جنس به کار می رود ، ایرونی *qīsīn* :

گیسین ، از *qīs* : گیس ، ایرونی *qædin* ، دیگوری *ǰædin* : چوبین ، به ترتیب

از *qæd* ، *ǰædæ* : چوب .

سغدی *zyrnyn'k* : *zērnēnāk* : زرنه (II, 96)

(Gr.) ؛ پهلوانی طرفانی *zarnēn* (Boyce 199) ؛ فارسی سیاه طرفانی

zarrēn : فارسی میانه زردشتی کلمه ۱ (Mir. Man. II, 54) zarrēn

(GPV 367) ؛ فارسی نو زرین ؛ ختنی kāsčīnaa ؛ غین (Konow 57).

۱۲ - jīn - درایونی ؛ gun - دردگیری ؛ اوستائی - gaona

(Air. Wb. 482). این پسوند برای سخرن صفت از اسم به کار می رود، ایرونی

mæstjīn ؛ دیگری mæstgun ؛ خشمگین ، از mast ؛ خشم .

سغدی - zrywn- ؛ *zaryōn (Gr. I, 101) ؛

بهرانی طرفانی zaryōnag (Boyce 199) ؛ فارسی نو زریون .

۱۳ - æm - درایونی ؛ اوستائی - ama - (Jackson 108).

این پسوند برای سخرن اسم عددی از چهار به بعد به کار می رود ، ایرونی cippæraem ؛ چهارم ،

fænjæm ؛ پنجم ، dæsæm ؛ دهم .

سغدی : ʿtβʾrm ؛ (Gr. II, 142-3) catfārum ؛

ختنی - tcūrama (Konow 44) ؛ بهرانی طرفانی čuhrum (II, 44)

Müller) ؛ فارسی میانه طرفانی *tasum* (Mir. Man. II, 69) ؛ فارسی

میانۀ زردشتی ص ۱۱۶ : *tasum* (GAV 118) ؛ ۹ س ۱۱۶ : *ah-*

ārum (GAV 124) ؛ فارسی نو چهارم .

۱۲ - *tær /-dær* - ایردنی ؛ *tær /-dær*

در دیگوری ؛ اوستایی - *tara-* (Jackson 104) . این پسوند برای سخن

صفت برتر از صفت عادی به کار می رود ، ایردنی *stirdær* ؛ دیگوری - *stur-*

dær : سرگتر .

سغدی *msytr* : *masyātar* * (Gr. II, 98) ؛

پهلوانی طرفانی *masādar* : نهر (Mir. Man. III, 58) ؛ فارسی میانه

طرفانی *mazandar* : بزرگتر (Mir. Man. I, 42) ؛ فارسی میانه زردشتی

ص ۱۱۶ : *ahunsandtar* : ناخوشتندتر (PT 96) ؛

ختی - *battara* (از *bata*) : کوچتر (Konow 41) .

۱۵ - *don* - در ایرونی ؛ *donæ* - در دیگوری ؛ فارسی باستان

dāna- (Kent 189) . این پسوند برای سخن اسم مکان از اسم به کار می رود ؛ ایرونی

bæxdon : آب دان ؛ ایرونی *kærkdon* : کرک دان (= مرغدان) ؛

ایرونی *xordon* : انبار غله .

سغدی *z³kδn³k* : **zākδanāk* (GMS 171) ؛

فارسی نو زبدان ؛ پهلوانی طرفانی *zēndān* (Boyce 199) ؛ فارسی میانه *zōdēn* ؛

سومری *astudān* (GPV 237) .

۱۶ - *ston* - در ایرونی ؛ *ston* - در دیگوری ؛ فارسی باستان

stāna- ؛ استانی - *stāna-* در واژه های مرکب (Kent 210) . این

پسوند برای سخن اسم مکان از اسم به کار می رود ؛ ایرونی *Irīston* ، دیگوری - *Iri-*

ston : ایرستان ، مملکت آنها .

سغدی *βwδstn* : **βōδistan* (GMS 171) ؛

بھوانی طرفانی *bōdīstān* (Mir. Man. III, 52) ؛ فارسی بیانه طرفانی

bōyistān (Mir. Man. II, 48) ؛ فارسی نو بوستان .

ب - پیشوند ہا

۱- پیشوند ہا ی اسی

۱- *ænæ- / æ-* داردنی ؛ *ænæ- / æ-* در دیگوری ؛

اوستائی *-a- / -an- / -ana-* (Jackson 209) ؛ فارسی باستان *-a-*

an- (Kent 164) . این پسوند برای تخی بہ کاری رود ، ایرونی *æjar* (از

car : سقف) ؛ بی خان ومان ، ایرونی *ædix* ؛ دیگوری *æduxæ* (از

ایرونی *tix* ؛ دیگوری *tuxæ* : نیرو) ؛ بی نیرو ، ایرونی *ænæzænæg* :

بی بک ، از *zænæg* : بک .

سغدی *n'xwṗ* : ناخوب (GMS 175) ؛ فارسی بیاد طرفانی

asāg : بی شمار (Mir. Man. II, 47) ؛ بھوانی طرفانی *anāsāg* : بی شمار

ایرونی ædbæx : اسبدار ، ایرونی ædzond : باعقل .

دراوستائی واژه های ترکی هستند که با hada درست شده اند و hada

مانند æd آکسی کار کرده است :

hada-hunara : یابنهر ، hada-zaoθra : بازوهر .

hada-aēsma : یابنیریم ، بنیرم دار .

۲- $\text{æn-} / \text{æm-}$ در ایرونی ؛ $\text{æn-} / \text{æm-}$ در دیگوری ؛

اوستائی- han/m (Jackson 210) ؛ فارسی باستان- ham (Kent 213) .

این پیشوند همیشه بهم معنی "هم" است در فارسی نو ، ایرونی æmkūsæg :

همکار .

سغدی $\text{w}^3\text{x}^3\text{nyy}$: همچانه (GMS 53) ؛ پهلوانی طرفانی

hāmčihrag : هم چهره (Boyce 188) ؛ فارسی میانه طرفانی- ham-g

ōhr : هم گوهر (Mir. Man. II, 56) ؛ فارسی میانه زردشتی ōhr :

hamrāz : همراه (PT 59) .

۲- پیشوند های فعلی

۱- α - در ایرونی ؛ α - در دیگروری ؛ اوستائی - ā (209)

(Jackson) ؛ فارسی باستان - ā (Kent 164) . این پیشوند دلالت

بر انجام کار از داخل به خارج می کند ، از نظر شخص داخل در مکان ، ایرونی acid :

خارج شد .

سغدی - Br²² (GMS 103) ؛ فارسی میانه طر فانی - āwar

(Verbum 223) ؛ پهلوانی طر فانی - āwar (Ghilain 58) ؛ فارسی

نو اکور - .

۲- ra - در ایرونی ؛ ra - در دیگروری ؛ اوستائی - frā (Ja-210)

(ckson) ؛ فارسی باستان - fra (Kent 197) . این پیشوند دلالت بر انجام

کار از داخل به خارج می کند ، از نظر شخص خارج از مکان ، ایرونی racid : خارج شد .

سغدی - fr^{rr}β : پیگش کردن (GMS 97) .

*
۲- ba- در ایرونی ؛ ba- در دیگوری ؛ ایرانی باستان - bā ؛

اسلادی قدیم - bo (Benveniste 97) . این پیشوند دلالت بر انجام کار از خارج به

داخل می‌کند ، از نظر شخص خارج از مکان ، ایرونی bacid : داخل شد .

۴- ærba- در ایرونی ؛ ærba- در دیگوری . این پیشوند مرکب است

از ær- شماره ۵ و ba- شماره ۳ . این پیشوند دلالت بر انجام کار از خارج به داخل

می‌کند ، از نظر شخص داخل در مکان ، ایرونی ærbacid : داخل شد .

*
۵- ær- در ایرونی ؛ ær- در دیگوری ؛ ایرانی باستان - ara

(Benveniste 97) . این پیشوند دلالت بر انجام کار از بالا به پایین می‌کند ، از نظر شخص

در پایین ، ایرونی ærcid : فرو آمد .

۶- ni- در ایرونی ؛ ni- در دیگوری ؛ اوسائی - nī (209)

(Jackson) ؛ فارسی باستان - ni (Kent 193) . این پیشوند دلالت

بر انجام کار از بالا به پایین می‌کند، از نظر شخص در بالا، ایرونی *niccid* : فرود آمد.

سغدی - *nyšy* : - *nišēd* : نهادن (Gr. I, 84) به پهلوانی

طرفانی *nišast* (Ghilain 105)؛ فارسی سیاه طرفانی *nišast* (225)

(Verbum)؛ فارسی سیاه زردشتی ان سغدی : *nišast* (GAV 245)؛

فارسی نو نشست .

۷ - *fæ* - در ایرونی ؛ *fæ* - در دیگوری ؛ ایرانی باستان - **pa* (99)

(Benveniste) . این پیوند ولالت بر انجام کار در جهت های مختلف می‌کند، ایرونی

fæxasta : بُرد .

۸ - *s-* (i) در ایرونی ؛ *s-* (i) در دیگوری ؛ اوستائی - *us/z-*

(Jackson 209) ؛ فارسی باستان - *ud* (Kent 176) . این پیوند

ولالت بر انجام کار از پایین به بالای می‌کند، ایرونی *iscid* : بر شد .

سغدی - *syw'y-* (→ *us-xwāhaya-* *) : برگرفتن، برداشتن،

-zɣrβ: برکشیدن، برگرفتن؛ -zɣrɔβs: برگرفته شدن (GMS 104).

۹- -ræ: در ابرونی؛ -ræ: در دیگوری؛ اوستایی -fra (209)

(Jackson)؛ فارسی باستان -fra (Kent 197)، نگاه کنید به -ra

شماره ۲. این پیشوند مانند -sɪ است، ایردنی ræcid: برشد.

پیشوندانی که در بالا بررسی شدند، پیشوندهای زنده زبان آکمی اند، پیشوندهای

مرده در بخش فعلها آمده اند.

۴- گوناگون

۱- اسم

معرفه و نکره - درگوش دگیوری ن ؛ اوستائی-*yā* (Air.Wb.1199)

نشانه معرفه است ، درگوش ابرونی این نشانه وجود ندارد . نمونه :

معرفه	نکره
-------	------

iars

ars

الدّب

دبّ

ilægæ

lægæ

الرّجل

رجل

درخوارزمی " ن " نشانه معرفه است از برای مذکر و " *yā* " از برای مؤنث . نمونه :

معرفه

نکره

ihars (مؤنثه ۵۲)

hars

دَبُّ

الدَّبُّ

marc

(مقدّر ۲۵۵) i marc

رَجُلٌ

الرَّجُلُ

ḍast

(Frejman 70) yā ḍast

يَدٌ

الْيَدِ

Būm

(مقدّر ۲۴۳) yā Būm

أَرْضٌ

الأَرْضُ

حالت - در زبان کسی اسم صرف می شود و ۹ حالت دارد ، در زیر حالت های

نه گانه دَنَش نه های آنها آورده می شود :

حالت

نَش نه

نمونه

۱- فاعلی

-

sær : سر

۲- اضافی

-i

særi : آن سر

- ۳- مفعول له -æn : særaen برای هر
- ۴- مفعول الیه -mæ : særmæ به سوی هر
- ۵- مفعول عنه -æy : særaey از هر
- ۶- مفعول فیہ -i : særi در هر
- ۷- مفعول علیہ -il : særil بر هر
- ۸- حال -aw : særaw سرانه (= همچون هر)
- ۹- مفعول معه -imæ : særimæ با هر
- جمع - در زبان اکسی جمع از پیوستن -tæ - در حالت فاعلی و -t- در
 سایر حالات به مفرد، ساخته می شود:

مفرد جمع

sær : سر særtæ : سرها

در زبان سغدی -t' ، -t* : -ta ؛ در یخانی -t- ؛ در خوارزمی

c- نشانه جمع اند ؛ همگی این نشانه با برابرند با پسوند -θwa- در اوستائی (329)

(Jackson 232 ، YT) . -θwa- در اوستائی برای سخن ایمی که دلالت

بروضع و حالت می کند ، به کار می رود . در پهلوانی طرفانی -ift- (-ya-θwa->) *

پسوند برای سخن اسم معنی ، گاه معنی جمع به اسم می دهد :

پهلوانی طرفانی ardāwift : ۱- تقدس ۲- گروه قدسان (49د

• (Mir. Man. III)

۲- ضمیر

ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی æz ؛ اوستائی azəm ؛ فارسی

باستان adam حالت فاعلی ؛ در حالت اضافی mæn ؛ اوستائی mana ؛

فارسی باستان manā حالت اضافی ؛ در سایر حالتها نشانه ویژه هر حالت به mæn

پیوسته می شود - نمونه :

mænæn : حالت مفعول له .

خوارزمی *casus rectus* : az (Frejman 12) ؛ سغدی

casus rectus : az ؛ پهلوانی طرفانی (GMS 201) *Nom.* : ²zw

casus rectus : an ؛ فارسی میانۀ طرفانی (Mir. Man. III, 50), 46

(Mir. Man. II).

سغدی *mn* : *Acc.* (GMS 202) ؛ یغانی *man* :

casus : *man* ؛ پهلوانی طرفانی (YNS 348) *casus obliquus*

casus : *man* ؛ فارسی میانۀ طرفانی (Mir. Man. III, 58) *obliquus*

(Mir. Man. II, 60) *obliquus*.

ضمیر اول شخص جمع در حالت فاعلی و اضافی *max* ؛ اوستائی - *ahmā*

kam ؛ فارسی باستان *amāxam* حالت اضافی ، در سایر حالتها نشانهٔ مؤنث و

بر حالت به *max* پیوسته می‌شود. نمونه :

maximæ : حالت مفعول به .

سغدی m^2x : Acc. ، Nom. (GMS 204) ؛ یغایی $mōx$:

. (YNS 348) *casus obliquus et casus rectus*

ضمیر دوم شخص مفرد در حالت فاعلی در ایرونی di ؛ در دیگر du است ؛

اوستائی $tū$ حالت فاعلی ، در حالت اضافی ایرونی و دیگر $dæw$ ؛ اوستائی

$tava$ حالت اضافی ؛ «سایر حالتهاست نه دژره هر حالت به $dæw$ پرتنه می شود بخونه :

$dæwær$: حالت مفعول له .

سغدی tw : Nom. ، tw^2 : Acc. (GMS 202) .

یغایی tu : *casus rectus* ، taw : *casus obliquus* (348)

(YNS) ؛ خوارزمی $ūtak$: *casus rectus* (Frejman 68) ،

day : *casus obliquus* (Frejman 12) ؛ پهلوانی طرفانی tu :

taw ، *casus rectus* (III, 62)

(Mir. Man.) ؛ فارسی میانه طرفانی tu : *casus rectus* ، taw :

. (Mir. Man. II, 69) *casus obliquus*

ضمیر دوم شخص جمع در حالت فاعلی و اضافی در ایرونی *siṃax* و در دگوری

sumax؛ اوستائی *yūšmākam* حالت اضافی، در سایر حالتها

نشانه دوشه‌تر حالت به *siṃ/umax* پیوسته می‌شود. نمونه:

siṃaxmæ: حالت مفعول الیه.

سغدی *šm³x* برای تمام حالتها (GMS 204)؛ یغیایی

. (YNS 348) *casus rectus et obliquus*; *šumōx*

۳- صفت

صفت برتر - صفت برتر با پیوستن پسوند *-dær* - در ایرونی و

دگوری؛ اوستائی *-tara* - به صفت عادی ساخته می‌شود:

صفت برتر

صفت عادی

سرخ‌تر: *siṃxdær*

سرخ: *siṃx*

پسوند صفت برتر معمولاً پس از صامت‌های بی‌آوا -tær - است :

صفت برتر

صفت عادی

تشدید: *ürst/dær*

تشدید: *ürs*

صفت برترین که تکرار نشانه صفت برتر ساختگی شود :

صفت برترین

صفت برتر

صفت عادی

bærzond dærdær

bærzond dær

bærzond

بلندترتر = بلندترین

بلندتر

بلند

saw dærdær

saw dær

saw

سیاه‌ترتر = سیاه‌ترین

سیاه‌تر

سیاه

۴- فصل

لازم و متعدی - لازم یک فعل متعدی ممکن است :

الف - از پیش دیگری باشد ؛ ب - با متعدی اش فرق مصوتی و گاه علامه بر

فرق مصوتی ، فرق صامتی هم داشته باشد ؛ ج - علاوه بر فرق مصوتی در ماده لازم -s-

وجود داشته باشد ؛ د - فعل لازم با متعدی اش هم رنجت باشد ، یعنی یک فعل هم لازم و هم

متعدی باشد ، در این صورت باید از سیاق عبارت فهمید که فعل کدام است ؛ لازم یا متعدی . نمونه :

الف

متعدی

لازم

arın : زادن

gwrın : زاده شدن

ب

marın : میراندن ، کشتن

mælin : مردن

arazın : آراستن

aræzin : آراسته شدن

این امر مربوط به گذشته زبان آری است ، چنان که فرق برگشتن و برگاشتن در

فارسی نو مربوط به گذشته این زبان است . mælin از ریشه قوی و marın از

ریشه قوی تر آمده است ؛ ریشه قوی تر در ایرانی باستان معمولاً معنی متعدی دارد .

ج

لازم

مستعدی

tæfsin: تفسیدن

tavīn: تافتن

-s- در این فعل و مانند هایش بازمانده -s- آغازی ایرانی باستان است،

در پهلوی طرفانی فعلها که -s- آغازی ایرانی باستان دارند نیز معنی لازمی دارند. نمونه:

لازم

مستعدی

- buxs-: بخت یافتن (Ghilain 80) - bōz-: بخت دادن (Ghilain 63)

در زبان سغدی نیز فعلها که -s- آغازی ایرانی باستان دارند معنی لازمی دارند. نمونه:

- xwys-: خیس شدن (GMS 83)؛ اوستایی

- x^vīsa- ماده آغازی از $\sqrt{x^v a \bar{e} d}$.

د

لازم

مستعدی

سوختن : *sūjin*

سوختن : *sūjin*

در فارسی نوشتن فعلها می هستند که هم لازم اند و هم متعدی ، مانند سوختن ، همیشه و هم ساختن

با *sūjin* در آسی .

فعل مجهول

در زبان آسی فعل مجهول از ترکیب صفت مفعولی با *cæwin* : شدن ، درست

می شود . نمونه :

مجهول

معلوم

ساخت شدن : *aræzt cæwin*

ساختن : *aræzin*

در فارسی نوشتن فعل مجهول ساخته می شود از ترکیب صفت مفعولی با فعل شدن ،

همیشه و هم ساختن با *cæwin* در آسی :

فعل مرکب

در زبان آسی فعل مرکب از ترکیب یک اسم یا یک صفت و فعل معین *kænin*

ساخته می شود . نمونه

xīd : خوی xīd kænīn : خوی کردن

در فارسی نو هم فعل مرکب از ترکیب یک اسم یا یک صفت و فعل تکلی کردن

همیشه با kænīn ساخته می شود : نمونه :

خوی خوی کردن

در فعل مرکب پیوند فعلی یا به اسم و صفت می پیوندد : bāw kænīn :

یک کردن ، متحد کردن ؛ و یا به فعل : rox fækænīn : فراموش کردن .

٥ - مینا

مین ١

A. Christensen. Textes ossètes, p. 18.

Nixas

D_iwwá ús_i qáwja kódt_oy s_ivællónil.
Ūdodónæn næ ūdís ævdísæntæ. D_iwwá dær
áci d_ist_i tærxónmæ æmæ rákúrdt_oy ūy rā-
stjīnad rævzárin. Tærxón ærbákæn_in kódt_a
máræj_i æmæ záxta ūmæn: "Álig kæn áci s_iv-
ællóni d_iwwá d_ix_i æmæ rádt álkæci úsæn
dær fæyná iw d_ix_i." Īw ūs nixás dær næ
skódt_a úci j_ird qūs_gæyæ. D_ighág ūs ráyd_i-

dta qær kænin æmæ jínázin: "Xūcáwi xátī-
 ræy! mæ álig kænūt mæ sivrællóni diwwæ
 díxi. Kæd ūy rástjīnad ū, wæd æz mæ si-
 vrællóni nal kūrīn." Wæd tærxón æcæg dær
 bámbārsta, ūy ūd. yæ mād sivrællónæn. Ūy
 rázdaxta sivrællóni ūci ūsmæ, fælæ digkág
 ūsæy ta záxta fænæmīn æmæ átærin.

. , , : diwwæ . nixas : گھٹو ، بٹ .

, ūsi : حالت اضافی مفرد از ūs : زن . qawja : غوغا ،

kodtoy : فعل گذشته متعدی : دعوا کردن . qawja kænīn :

sivrællonīl : حالت سوم شخص جمع از مصدر : کردن . kænīn :

مفعول علیه مفرد از *siwællon* : بچه .

دوزن درباره بچه ای دعوا کردند .

ūdonæn : حالت مفعول له برای *ūdon* : ضمیر سوم شخص جمع ، آنها .

næ : نه . *ūdīs* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *wīn / ūn* :

بودن . *ævdīsæntæ* : حالت فاعلی جمع از *ævdīsæn* : گواه .

آنها را گواهی می نمودند .

dær : پس . *acidīsti* : فعل گذشته سوم شخص جمع ، لازم

از مصدر *cæwīn* : شدن + *α-* . *tærxonmæ* : حالت مفعول الیه

مفرد از *tærxon* : قاضی . *æmæ* : و . *rákūrdtoy* :

فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر *kūrīn* : قضا کردن + *ra-* . *ūy* :

حالت اضافی برای *ūy* : ضمیر سوم شخص مفرد : او . *rastjīnad* : داد ،

حقیقت ، راستی . *rævzarīn* از *ævzarīn* : گزیدن + *ræ-* :

روشن کردن . *rastjind rævzarin* : داد گستردن .

پس (آن) دوبه قاضی شدند و از او تقاضا کردند (که) حقیقت را روشن

کند / داد بگیرد .

ærbakænin : آوردن ، از *kænin* : کردن +

ærbakænin kænin : احضار کردن . *ærba-*

hodta : فعل گذشته 'متعدی سوم شخص مفرد از مصدر' : *kænin* : کردن . *maræjū* :

حالت اضافی مفرد از *maræg* : جلاد . *zaxta* : گذشته 'متعدی سوم شخص

مفرد از مصدر' *zæjūn* : گفتن . *ūmæn* : حالت مفعول له برای *ūy* : ضمیر سوم

شخص مفرد : او .

قاضی جلاد را احضار کرد و او را گفت .

aliq : از *liq* : تکه ، ریزه + *a-* . *aliq kænin* :

تکه کردن ، خرد کردن .

kæn : فعل امر فرد دوم شخص از مصدر kænin : کردن . aci :

اسم اشاره ، این . ūci اسم اشاره ، آن . این دو اسم اشاره هیچ نوع تغییری نمی کنند ،

چون حکم صفت دارند و صفت تغییری نمی پذیرد . dīxi : حالت اضافی مفرد از dīx : بخش ،

قسمت . radt : فعل امر دوم شخص مفرد از dættin / dædtin : دادن

ra- + . alkæci : هر . ūsæn : حالت مفعول له مفرد از ūs :

زن . fæynæ : هر یک . īw : یک .

این بچه را (به) دو بخش تکه کن ، سپس به هر زن هر یک نیمه را بده .

nīxas : بحث ، گفتگو . nīxas kænin : سخن گفتن .

skodta : فعل گذشته "معذی سوم شخص مفرد از s- + kænin . jīrd :

بحث ، گفتگو . qūsægæyæ : حالت مفعول عنه مفرد از qūsæg : شنونده .

qūsægæyæ در این جا قید کیفیت است .

پس یک زن ، در حالی که این سخن می شنید ، سخن گفت .

دیگر ، دوم ، دیگر : *digkæg* : فعل *raydiðta* :

گذشته ، متعدی ، سوم شخص مفرد از مصدر : *raydayin* : آغاز کردن . *qær* :

فریاد ، غرش . *qær kænin* : فریاد کردن ، غریدن . *jinazin* :
زاری کردن .

دیگر زن فریاد کردن و زاری کردن آغاز کرد .

xūcaw : حالت اضافی مفرد از *xūcaw* : خدا .

xatiræy : حالت مفعول غیر مفرد از *xatir* : خاطر . *ma* : م .-

kænūt : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر *kænin* . *mæ* : ما ، من ،
ضمیر ملکی اول شخص مفرد .

به خاطر خدا بپڑ مرا (به) در بخش تکه کنید .

kæd : هنگامی که ، اگر . *ūy* : آن ، ضمیر سوم شخص مفرد حالت فاعلی ؛

ضمیر اشاره به دور مفرد حالت فاعلی ، در این جا ضمیر اشاره به دور مفرد حالت فاعلی است .

ū : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر win / ūn : بودن . wæd : اگر (ob)

پس . æz : ضمیر اول شخص مفرد حالت فاعلی : من . nal : ندیده شده از

næ wal : نه دیگر . kūrīn : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر kūrīn

تقاضا کردن ، خواستن .

اگر آن داری است ، من دیگر بچه ام را نمی خواهم . æcæg : حقیقی ،

راست . bambarsta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر bam-

barīn : دریافتن ، دانستن ، از ba- + æmbarīn . ūd :

فعل گذشته نسوم شخص مفرد از مصدر win : بودن . yæ : مال او ، ضمیر ملکی سوم

شخص مفرد . mad : مادر . siʋællonæn : حالت مفعول له مفرد از

siʋællon : بچه .

پس آن گاه قاضی به حقیقت دریافت (که) او بود مادرش (یعنی) برای بچه

razdaxta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر zdaxīn :

پس دادن + ra- .

ūsmae : حالت مفعول غیر مفرد از ūs : زن . fælae :

ūsæy : حالت مفعول غیر مفرد از ūs : زن . ta : اما ،

fænæmin : زن . atærin : بیرون کردن .

از پس داد بچه را به آن زن ، اما دیگر زن را ، دستور داد زدن و بیرون

کردن .

متن ۲

A. Christensen, Textes ossètes, p. 18.

æmbīsond mælæg xæfsæy

Xæfs kæci dær skástis gál mæ rái-

sta xælæg: "Kūd ræssúyd ū ūci fos! cæ-

mæn æz áftæ gicil dæn? Iw xadt mæn

dær ci stīdær qæw!" Ūci fændónjīnád-
 īmæ ūy yæxī nīddimsta, sīsta gīcīl yæ
 qælæs æmæ nītipīr kódtā yæ tīxæy. fælæ
 kūd yæxī qárdta, ūy næssīs stīrdær; yæ
 tīx ūmæn næ áxast: "Xúdiīnag ū mænén
 mæ gīcīl as; qæw mæn dær gáli as, æræ-
 mbīrd kæmón īw gīcīl ūd," nīddimsta ūy
 nōjīdær æmæ áskudīs.

از : mælæg . اف : æmbīsond

مردن : mælin . حالت مفعول عنه منفرد از : xæfsæy . xæfs

توباعه .

اف نه ای از قورباغه میرا ، یعنی اف نه قورباغه در حال مرگ .

kaeci : که . skástis : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از

مسد : kæsīn : نگاه کردن + s- . gálmæ : حالت مفعول الیه مفرد از

gal : گوساله ، گاو . ráista : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از : īsin :

گرفتن + ra- . xælæg : حد . xælæg raīsin : حد بردن .

قورباغه ای که به گوساله ای می نگریت براو حد برد .

kūd : چون . ræssūyd : زیبا . ūci : آن . fós : حیوان .

چون آن حیوان زیبا است ؟

cæmæn : چرا ؟ aftæ : این چنین . gici : کوچک .

dæn : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر . win : بودن .

چرا من این چنین کوچکم ؟

īw : یک . xadt : بار ، دفعه . mæn : حالت اضافی

مفرد از برای æz : من . cȳ : چه ، که . qæw : باید ، لازم است ؛

فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر qæwin : لازم بودن ، بایستن ؛ صورت درست

آن qæwi است ، گاهی مانند این جا qæw به کار می رود .

لازم است / باید که من یک بار بزرگتر شوم .

حالت مفعول مبه مفرد از fændonjīnadīmæ :

fændonjīnad : هوس . ūy : او . yæxi : خود ، خویش .

niddimsta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر dimin : دیدن

sīsta . ni-+ : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر tsin : برداشتن

qælæs . s-+ : بانگ . kænin + nitipir : کوشیدن .

با این هوس او خود را باد کرد ، بانگ کوچک خود را بلند کرد و با نیروی خود کوشید .

kūd : هر چند . qærdta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از

qarīn : کوشیدن . næssīs : از næ : نه + ssīs یعنی

s, sīs : اضافه و بی اصل است ؛ sīs : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از مصدر

īsin : برداشتن ، گرفتن + s- : حالت مفعول له مفرد

bray ūy : او ، ضمیر سوم شخص مفرد . axast : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی

از مصدر xæssin : افروخته شدن + a-

اما هر چند کوشید ، او بزرگتر نشد ، نیرویش ، به آن افروخته نشد .

xūdīnag : مسخره ، شرم آور ، از xūdīn : خندیدن ، مسخره کردن .

mænæn : حالت مفعول له مفرد برای æz : من . as : بهیكل ، اندازه .

galī : حالت اضافی مفرد از gal : گوساله ، گاو .

مسخره است برای من بهیكل کوچک من ، باید پس برای من بهیكل گاو .

æræmbird kænīn : جمع ، توده . æræmbird

جمع کردن ، توده کردن . kænōn : فعل التزامی اول شخص مفرد آینده از مصدر

kænīn : کردن . ūd : نفس ، باد . īw gicil : یکگی .

:ask'udīs . نو : nog ، صفت برتر از : nojīdær

• a- + ترکیدن : sk'win فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از مصدر

جمع خواهم کرد یک کمی نفس (خود را) . اود دوباره باد کرد و ترکید .

متن ۳

A.Christensen, *Textes ossètes*, p.20.

Bīræx-fīyaw

Fīyaw æmæ yæ kūytæ sæ fællad
wáxtoy. Bīræx skódta fæsåyini tixxæy fīy-
awī jāwmatæ; báfændid æy ákænīn fósī
qædmæ. Ūy záxta: "Kæd mæ qælæs wá fīy-
awī qælæsi xūzæn, mæ qúdtæg rævs ū;
kæd mæ qælæs næ wá fīyawī qælæs xūz-

æn, wéd æz sáyð dæn mæ qélæsæy. Bíræy: qælæs fætársin kóðta fiyaw: æmæ yæ kúyt: kæcítæ fægáplastoy. Mægúr bíræy fiyaw: jáwmat: nál áliyd, kúytæ yæ sístoy, ástixtoy in yæ cárm æmæ in nípírx kóðtoy yæ bwár. Ūy fæstæ fiyaw ráyð: dta næmín ūy dúrtæy æmæ læjægæy æmæ yæ ámarðta.

bíræy : حالت فاعلی مفرد: گرگ . fiyaw : حالت فاعلی مفرد:

چوپان .

kúytæ : حالت فاعلی جمع از کوی : گ . fællad :

حالت فاعلی مفرد: خستگی، ملال . waxtoy : فعل گذشته سوم شخص
 جمع متعدی از مصدر wajin : گذاشتن . fællad wajin : استراحت
 کردن ، آرمیدن .

چوپانی و گله‌داری خستگی‌شان (= sæ) رافع می‌کردند.

skodta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از skænin

kænin : کردن + s- . fæsayini : حالت اضافی مفرد از -fæsa

yin : فریق ، از fæ + sayin . tixxæy : حرف به معنی

”برای“ . اسم پیش از tixxæy به حالت اضافی می‌رود . jawmatæ :

حالت فاعلی جمع از jawma : جامه ، لباس . jawma skænin :

جامه بپوشیدن ، لباس پوشیدن . bafændid : صفت مفعولی از مصدر

bafændin : خواستن . æy : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر ; ūn

æy : صورت دگوری است ، صورت ابروی آن می‌شود . bafændid æy . ī

خواسته شد به وسیله او، یعنی او خواست. *akænin*: راندن از

α- + kænin. *fosi*: حالت اضافی مفرد از *fos*: چارپا،

حیوان. *qædmæ*: حالت مفعول الیه مفرد از *qæd*: جنگل.

گرگی برای فریختن، جامه های چوپان به تن کرد؛ او خواست چارپایان

(در اصل چارپا) را به جنگل ببرد.

qælæs: حالت فاعلی مفرد: صدا، بانگ. *wa*:

فعل التزامی آینده، سوم شخص مفرد از مصدر *ūn*: بودن. *xūzæn*: مانند.

qūdtag: حالت فاعلی مفرد: کار. *rævs*: ساخته شده، درست

شده، مرتب شده. *ū*: فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر *ūn*: بودن.

sayd: صفت مفعولی از مصدر *sayin*: فریختن. *sayd dæn*: فعل

مضارع اول شخص مفرد مجهول. *qælæsæy*: حالت مفعول غمه مفرد از *qælæs*:

صدا، بانگ.

اگر صدایم مانند صدای چوپان بشود، کارم درست است؛ اگر صدایم مانند صدای
چوپان نشود، آنگاه من از صدای خود فریفته شده‌ام.

$fætarsin$: رسیدن از $fæ- + tarsin$ ؛

$fætarsin kənin$: ترساندن. $kəcitæ$: حالت فاعلی جمع

بای $kæci$: که. $fægaplastoy$: فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از

صدر $fægaplasin$: پریدن، حُسن.

صدای گرگ چوپان و گله‌اش را ترساند، (به طوری) که (از جای) پریدند.

$mægūr$: حالت فاعلی مفرد: بیچاره. nal (=)

$næ wæl$ ، $næ$: نه، $wæl$: روی، بالا) : نه. $aliyd$:

فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر $alijin$: گریختن، از $a- + lijin$.

$jawmatig$: حالت مفعول فیه جمع از $jawma$: جامه، لباس.

$sistoy$: فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر $sistin$: گرفتن، از $istin$

astixtoy . s- + : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر astixjin :

پاره کردن . in : ضمیر سوم شخص مفرد ، متصل ، حالت مفعول له : برای او .

nipirx kənin : پاره کردن ، دیدن . bwar : بدن ، جسم .

گرگ بپاره نتوانست در جامه بای چوپان بگریزد ، سگها او را (yæ) گرفتند ،

چرمش را برای او پاره کردند و بدنش را برای او دریدند .

fæstæ : پس ، بعد . raydidta : فعل گذشته متعدی سوم

شخص مفرد از مصدر raydayin : شروع کردن . nəmin : زدن .

dūrtæy : حالت مفعول عنه جمع از dūr : سنگ . læjægæy :

حالت مفعول عنه مفرد از læjæg : چوب ، چاق . amardta :

فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر amarin : کشتن از marin

. a- +

اسگه چوپان شروع کرد او را زدن ، با سنگها و چوب ، و او را کشت .

من

G. Redard (editor), *Indo-Iranica*, p. 4.

Taymūraz

Taymurazmæ æmbīsæxsæv bajird

ī: "Komi sær særjīn sag xīzi, æmæ yæ

kæsgon ældari avd firti sæ sawlox bæxt-

æy afæjæy afæjmæ sūrinc, æmæ yæ

æfsati ūdonæn næ dæddi, fælæ yæ

dæwæn dæddi." *Taymūraz* sæwmæ raji

afardæg ī tar saw qædmæ. Fæxatti æ-

mæ c'iw tæxæy dær næ fedta. Aci

mīn ci wīdī wædæ, zæygæ, æmæ komi

særmæ baftid. Ūm il særjīn sag ærba-
lixdī, æmæ yæ fexsta, æmæ sag ærxaw-
dī.

روایت دگوری متن

همان کتاب صفحہ ۵

Taymoraz

Taymorazmæ æmbesæxsævi bajurd
æy: "Komi særi sædsugon xezuy, æma'y
kæsgon ældari avd furti sæ sawlox bæ-
xtæy afæji afæy soruncæ, æma y'æfsa-
tiy onæn næ dædduy, falæy dæwæn
dædduy." Taymoraz sæwmæ ragi rafa-

rdæg æy tar saw jædæmæ . Fæxxattæy
 æma c'ew tæxæg dær næ fæwwidta . Aci
 fun min ci adtæy ædta, zæygæ , æma ko-
 mi særmæ ærbaftudta . Omi yibæl sædsugon
 ærbaliydæy , æma'y fexsta , æma sag ærxa-
 wdtæy .

—

Taymūraz : حالت مفعول غز مفرد از Taymūrazmæ

ambesæxsævi ؛ دیگری : حالت مفعول فاعله

مفرد از , ambisæxsæu , ambesæxsæu : نیم شب ، از

ambes , ambis : نیمه + xsæu : شب . bajird ,

bajurd : به ترتیب صفت مفعول از bajürin , دیگری bajorun :

خواندن ، صدا کردن . ē ؛ دیگری æy : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

ūn : بودن . bajird ē ؛ دیگری bajurd æy : فعل مضارع سوم

شخص مفرد مجهول .

به تائید از در نیمه شب بانگ زده شد .

komi ؛ دیگری komi : حالت اضافی مفرد از komi : دهنده ، نگه .

sær ؛ دیگری særī : حالت مفعول فیه مفرد از sær : سر ، بالا ، روی .

særjīn : بزرگ کله ، بزرگ سر ، حالت فاعلی مفرد . sædsugon

حالت فاعلی مفرد ، سخت گیر ، جدی . sag : گوزن . særjīn sag

دیگری sædsugon sag : گوزن بزرگ سر ، گوزن سخت گیر ، مجازاً : گوزن

ش خدا . xīzi ؛ دیگری xezuy : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

xīzin ، دیگری xezun : خاستن . æmæ ؛ دیگری

æma . yæ ؛ دیگری y' : ضمیر متصل ، سوم شخص مفرد ، حالت اضافی :

اورا . در دگوری این واژه æy است ، چون "æ" در این واژه با "a" در æma
 برخورد کرده است ، مصوت ناپایدار "æ" حذف شده است . kæsgon : حالت
 فاعلی مفرد : کار بادی ، منسوب است به kæsæg ، on در این واژه پسوند نسبت
 است . kæsgon صفت است از برای ældari ، دگوری ældari :
 حالت اضافی مفرد : ارباب ، مالک . sæ : شان ، ضمیر ملکی .
 sawlox : تراد معروف اسب کار بادی ، صفت از برای bæxtæy .
 bæxtæy : حالت مفعول غنجه از bæx : اسب . afæjæy : حالت مفعول
 غنه مفرد از afæj : سال ، از سال . afæjmæ : حالت مفعول الیه مفرد از
 afæj : سال ، آسال . afæjæy afæjmæ : در طول سال .
 afæji : حالت مفعول فی مفرد از afæj : سال . sūriŋc ؛
 دگوری sorunca : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر sūriŋ ، دگوری sorun :
 دنبال کردن ، تعقیب کردن . æfsati ؛ دگوری æfsatiy : حالت فاعلی

مفرد ، اسم خاص (نام خدائی است) . *udonæn* ؛ دیگری *onæn* :

حالت مفعول له جمع برای *ūy* : او . *dæddi* ؛ دیگری *dædduy* : فعل مضارع

سوم شخص مفرد *dæddin* ؛ دیگری *dæddun* : دادن . *dæwæn* :

ضمیر دوم شخص مفرد ، حالت مفعول له : به تو .

در سر دره گوزن شادخاری بالایی رود ، و او را هفت پسر مالک کار بادی

دنبال می کنند از (پست) اسبهای ساولو خشان در جریان سال ، دکن را " افسانی "

برایشان نمی دهد ، اما آن را به تو می دهد .

sæwmæ : باداد . *raʃi* ؛ دیگری *ragi* قید است

به معنی " زود " ، اصلاً حالت اضافی مفرد از *rag* ، در ابرونی *g* در برخورد با

نم به *ʃ* بدل می شود . *afardæg ī* ؛ دیگری *rafardæg æy* :

فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر *afardæg ūn* ، دیگری *rafardæg un* :

روان شدن . *tar* : تار ، صفت از برای *qæd* ، دیگری *ʃæd* .

saw : سیاه ، صفت از برای qæd ، دگوری qædmæ :

دگوری qædmæ : حالت مفعول الیه مفرد از qæd ، دگوری qæd :

جنگل ، بیشه .

تأثیر از صبح زود بر طرف جنگل تأثیر سیاه روانه شد .

fæxxættæy : دگوری fæxxætti : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر fæxætin ، دگوری fæxxættun : راه رفتن ، گشتن ،

قدم زدن ، آهسته راه رفتن . c'tiw : دگوری c'ew : پرنده .

tæxæg : پرواز کننده ، صفت از tæxin ، دگوری tæxun : پرواز کردن .

dær : نیز ، هم ، حتی ، همچنین . fedta ، دگوری fæwwid-

ta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر fenin ، دگوری fæwwun :

دیدن .

آهسته قدم می زد ، و حتی یک پرنده ای که پرواز کند ، ندید .

aci ، دگوری aci : این . fiŋ ، دگوری fun :

خواب ، رویا . min ، دگوری min : ضمیر متصل مفرد ، اول شخص ، حالت

مفعول له : برای من . ci ؛ دگوری ci : چه . wiḍi : فعل گذشته

سوم شخص مفرد از مصدر . un : بودن . adtæy (در دگوری) فعل گذشته

سوم شخص مفرد از مصدر . un : بودن . wædæ : این طور ، این چنین .

ædta (در دگوری) : این طور ، این چنین . zæygæ : گویان ،

صفت از zæjun ، zæjin : گفتن . baftid ؛ دگوری

ærbastudta : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر baftin ، دگوری

ærbastun : افتادن ، رفتن .

این رویای من (لفظ : این رویا از برای من) چه بود این چنین ، (این

سخن) گویان ، به سر دره شد .

um ؛ دگوری omi : کجا ، آنجا . il ؛ دگوری

yibæl : ضمیر سوم شخص مفرد ، حالت مفعول علیه : براو . *ærbaliȝdī* ؛
 دیگری *ærbaliȝdæy* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *ærbaliȝin* ،
 دیگری *ærbalejun* : گریختن . *fexsta* ، دیگری *fexsta* ؛
 فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر *fexsin* ، دیگری *fexsun* : تیرانداختن .
ærxawdī ؛ دیگری *ærxawdtæy* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر
ærxawin ، دیگری *ærxawun* : از پا در آمدن .
 آنجا ، گوزن ش خدا را و گریخت ، و (تا میوزاز) به او تیر انداخت ،
 و گوزن از پای در آمد .

متن ۵

A. Christensen, Textes ossètes, pp. 24-34.

Árɣaw

Rájimæ, rájimæ, ūdīs læg æmæ ūs .

Udónæn ráygürdís iŵ læppú cót. Bíræ ænq-
 ælma kástisti, æmæ ræz næ xásta. Áræx
 æy bárstoy, æmæ dærymæ ūlīng, wærxmæ
 dīsni, ændær ræz næ xásta. Yæ dærymæ
 kæsgæ iŵ nóm sávardtoy Ūlīng. Mád æmæ
 fīd tīng gīg kódtoy: "Kædæm min sbázzæn?
 Ádæm niŵ xūdjiŵ. Xūzdær ū yæ fésafīn"
 Qædmæ yæ álastoy; "Ūm æy fésafæm", zæ-
 ŷgæ. Árf æy bákodtoy qædi. Ūm siŵ ærtálin
 gīs. Fīd qūdī kænī: "Kūd æy mæxícæy fæxī-
 bæ kænón?" Kæsi æmæ dárdæy rúxs cæwi.
 Wæd in fīnd záxta: "Æxsæw ám wázal ūj-

æn; zing næxīmæ næi, æmæ næ ærxæssin
 qæwí, kænæ dæwæn kænæ mænæn". Fíd
 zidta rūxs kæcæy cíd; ūy wæygūti xæjær ū,
 æmæ kæd baxædcæwæ, wæd æy ūdón bax-
 ærjisti, kannódær ískū fæjæyæl ūjæn æmæ
 fésæfjæn. Fíd záxta: "Cón æz, ærdávon
 zing". Wæd Ūlīng féstæd æmæ záxta: "Dí
 zærónd læg, kærdæm cæws? æz ærxæssjīn-
 æn". Fíd záxta: "Cú táyd wædæ." Ūlīng
 ácidis zing kūrīnmæ. Kūdtær ūy nál
 zīnd, áftæ fíd dær rázdæxt yæ xæjærmæ.

Ūlīng iscíd ūrdæm rūxsmæ. Rūxs cíd

lægætæy. Bákastis Ūlīng lægætma, æmæ
 ji æxsæz wáyji bádīnc yæ áli fárs ártæn.
 Kū áwdta, wæd tīng fætárstis Ūlīng. Ængél
 ūd: "Cáværdær dīsagtæ stī?" Xæstægðær bá-
 birīd: "Bælvīrd sæ bázonon, ċī stī ūdón." Bæ-
 lvīrd sæ ráirtasta. Ūdón ūdīstī wáygūtæ, sæ
 tīxæy dúnyetæ társtīstī. Fælxæ Ūlīng tīxjínad-
 æy næ társt yæxícæn. Bíræ nál fæqúdi Kó-
 dta Ūlīng réstæg, fæcæw zæygæ: "Æmæ mæ
 zīng qæw mæ fīdmæ xæssīn." Bájīrdta: "Wæ
 æxsæw xórz!" Wáygūtæ fæqūstoy læji qær
 xæstægma, fælxæ ūngæ níkæy ūnīnc. Ūlīng

xæstægdær bácið , æmæ yæ fédtoy wáygūtæ.
 Tíng díð fækódtoy yæ ásil Ūlíngæn : "Kūd
 gícið ū , æmæ in ci lǽji qælás is !" Īw
 wáyig sistád æmæ yæ k'úxi sísta : "Mænæ
 min ci qázæn is !" Zæygæ . Kūd yæ æræ-
 værdta fæstémæ , wæd záxta Ūlíng : "Zíng-
 kūr dæn , " zæygæ . Yæ k'úxi yæ ðí sísta
 úci wáyig záxta : "Isbád æmæ æxsævæx
 báxær !" Cín kæní : "Mænæn ci qázæn
 is !" Wæl árt æxsævæx fixtís , ænéqæn sáji
 jīzátæ . Kū sfixtísti , wæd wáygūtæ duwæ
 yæ sistádísti áji áisimæ . Ūlíng sæm júri :

"Úy cı kænút? Kæd wæ īw ūy áīsinæn næú,
wæd úci dınjırtæ kæm sıræst ıstút?" Wæd w-
æygūtæ ısxúdistı æmæ záxtoy: "Dı má yæ áīs!
Ūlıng féstad æmæ áısta jızáta. Wæd wæ-
ygūtæ jūrınc: "Áftæ næ væyy." Ūlıng
záxta: "Áftæ væyy, áftæ! æxsævær īw
læjı tıxxéy duwæ næ fæısınc. Ez ærd-
æg læg æmæ mæ fág dær næú wæ æxsæ-
vær. Xūzdær rádtút mın zıngæmæ cón,
kænnónd smáx æxsævær æz báyærjınæn
æmæ smáx æxórmagæy báyayjıstút." Wæygūt-
æ záxtoy: "Dı wæl báyær; ıstáy máy dær ısf-

ȳcȳstæm æxsávar æmæ báxærȳstæm." Dré-
 værdtoȳ ȳæ rázi. Ūlǫngæn æxsávar ænægæn-
 æȳ; sæxédæg æltæmæ ráciðisti; æmæ báū-
 maffæ kóðtoȳ: "Ámaræm æȳ", zæȳgá, "Kú
 sæ báxæra sepáttær wéd, ūȳ tǫxxæȳ æmæ
 wéd ūȳ kænæ kælæn-gænæg ú kænæ xæ-
 ȳræg ú." Cálǫmmæ ūdón fæstæmæ ciðisti,
 Ūlǫng ȳizátæ báxsæsta sæ sçitæȳ. ȳizátæ
 wærmǫ sæppársta, isçitæ æxsæstæȳ ȳæ
 cūri æréværdta, bás dær wærmǫ nigká-
 ldta. Wæȳgūtæ ærbáciðisti æmæ isçitæ
 æxsæst. Sæ qúði ūði: Báxordta sæ?"

zæygá'. Færsinc æy : "Fág baxordtay?" Uli-
 ng záxta : "Næ baxordton. Zing min rádtút
 æmæ næ xæjari baxærjinæn mæ fág." Wæ-
 ygūtæ kæræjī áfarstoy : "Áwajæm æy?" Næ
 il srázisti áwajin ; záxtoy : Ámarin æy
 gæw". Ásayidtoy yæ xüssinmæ ; isxüssidīs ;
 bátixtoy yæ nīmæti æmæ záxtoy : "Kū báfi-
 næy wá , wæd æy ámarjístæm ; nīr wál
 cóm ." Ūdón kū ácidisti , wæd Ūlīng sist-
 ádīs æmæ yæ binati nīmæti sūxi líg bá-
 tixta ; yæxædæg ácidīs æmæ ændær binati
 bámbæxst. Wæygūtæ kū rácidisti ūy áma-

rinmæ, kæmæn yæ k'uxi færæt, kæmæn
 læjæg, æmæ listæg skárstoy nimæt æmæ
 sūji lijī. Wægūtæ zástoy: "Nir nin tás
 nál ū." Báciðisti æmæ isxússidiðisti. Ráy-
 somi kū sistáðisti, wæd Ūling dær sistád-
 is æmæ sæm sūri: "Wæ ráysom xórz wa!"
 Wægūtæ kū áygūstoy, wæd sistáðisti æmæ
 áliydisti: "Ūci cæstæy čí næ ámærd? Ūy
 næ ám báxærjæn." Wægūtæ ūci záman
 xórdtoy læji jīzá, æmæ "Ūling dær læ-
 ji jīzá xæri." zæygæ ængæl ūðisti ūdón.
 Ūling rásagūrdta xējari xórzjīnad-

tæ æmæ jī nīci isárdta yæxí ákkag ;
 ærmæst jī ráxasta cīxt æmæ cæfxád yæ
 bæxæn nīssázjæn . Istæy fænīk xæčīlī
 bátīxta , yæ mīdæg zīng ; yæ fārson sæ
 isbásta æmæ rácīd sæ xæjaræy wæygū-
 tæn .

Ūlīng ábon dær yæ xæjarī cæri yæ
 mādæltīmæ .

. : داسان arɣaw

raĵīmæ : دت زیاد ، دت طولانی : raĵīmæ

: ūdīs . : دت خلی خلی پیش : raĵīmæ raĵī ! raĵīmæ

فعل گذشته سوم شخص مفرد از *wīn / ūn* : بودن . *læg* : حالت فاعلی مفرد:

مرد .

یکی بود یکی نبود ، مردی بود وزنی .

ūdonæn : حالت مفعول له جمع ، ضمیر سوم شخص : برای آنها .

raygūrdīs : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *raygūrīn* : تولد یافتن ،

زاده شدن از *ra- + īgūrīn* . *læppū* : پسر ، نوجوان .

cot : فرزند .

برای آنها فرزند پیری زاده شد .

bīræ : خیلی ، زیاد . *ænqælmæ kæsīn* : صبر کردن ،

انتظار کشیدن . *kastīstī* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *kæsīn* : دیدن .

ræz : رشد ، اسم از *ræzīn* : رشد کردن . *xasta* : فعل گذشته

معدی سوم شخص مفرد از مصدر *xæssīn* : بردن . *ræz xæssīn* : رشد کردن ،

بزرگ شدن .

آنها (پدر و مادر ، زن و مرد) خیلی انتظار کشیدند ، اما او (بچه) بزرگ نشد .

aræx : اغلب . barstoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد

از مصدر barin : وزن کردن ، کشیدن ، اندازه گرفتن . ūling : وجب ،

بدست ؛ اندازه یک وجب . wærxmæ : حالت مفعول الیه مفرد از wærx :

پهنا . dīsni : وجب ، بدست . ændær : دیگر .

اغلب او را (= æy) اندازه می گرفتند ، اما (او) به دراز یک بدست

و به پهنای یک بدست (بود) ، دیگر رشد نمی کرد .

kæsgæ : بنابر ، با توجه به ، صفت است از kəsīn : دیدن .

ia : حالت مفعول علیه مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص . savardtoy : فعل گذشته

متعدی سوم شخص جمع از مصدر sæværin : نامیدن ، نام گذاشتن .

sæværin : گذاشتن ، نهادن .

با توجه به درازایش « اولنگ » بر او نام نهادند .

ting : خبی ، بسیار . qig : عذاب ، پنج ؛ qig kæ-

nin : پنج بردن ، دردمند شدن . kædæm : به کجا ، کجا ، در کجا .

nin : ضمیر متصل ، حالت مفعول له جمع : برای ما ، ما را . sbazjæn : فعل آینده ،

سوم شخص مفرد از مصدر sbazin : سودمند بودن .

ما در و پدر بسیار رنجور شدند ، در کجا برای ما سودمند خواهد بود .

nil : ضمیر متصل اول شخص جمع ، حالت مفعول علیه : بر ما . xūdji-

sti : فعل آینده ، سوم شخص جمع از مصدر xūdin : خندیدن .

آدم (ما) بر ما خواهند خندید .

xūzdær : خوتر ، بهتر ؛ صفت برتر از xorz : خوب .

fesafin : کشتن ، نابود کردن .

خوتر است نابود کردنش .

alastoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر alasın :

• بردن

اورا به جنگل بردند •

fesafæm : فعل التزامی اکیده ، اول شخص جمع از مصدر fesafın :

(این سخن) گویان : “ آنگاه اورا ناپود خواهیم کرد . ”

arf : ژرفا . qædi : حالت اضافی مفرد از qæd : جنگل •

bakodtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر bakænin : راهنمایی کردن ،

• بردن

اورا (æy =) به تہ جنگل بردند •

si : ضمیر متصل ، سوم شخص جمع ، حالت مفعول علیہ : برایشان •

ærtalingīs : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر ærtaling ūn : تارک

• شدن

آنجا برایشان تارک شد .

qūdi kænī : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر - qūdi kæn :

in : فکر کردن ، تفکر کردن . qūdi : فکر . mæxīcæy : من خود ،

ضمیر برگشتنی ، اول شخص مفرد . fæxībær kænōn : فعل التزامی آینده ، اول

شخص مفرد از مصدر fæxībær kænīn : بردن ، حمل کردن ، راندن .

پدر (ش) فکر می کند : چگونه من او را از خود برانم ؟

kæsi : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر kæsīn : دیدن .

dardæy : حالت مفعول عنه مفرد از dard : دور . rūxs : روشنی .

cæwi : فعل مضارع ، سوم شخص مفرد از مصدر cæwīn : شدن .

اومی نگردد ، و از دور روشنی (ظاہر) می شود .

in : ضمیر متصل سوم شخص مفرد ، حالت مفعول له . zaxta : فعل

گذشته سوم شخص مفرد از مصدر zæyīn : گفتن . wazal : سرد .

ūjæn : فعل آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر zing : آتش . بودن .

næximæ : ضمیر برگشتی ، اول شخص جمع حالت مفعول الیه : ب ما ، برای ما . næi .

نیت ، از næ : نه + فعل مضارع سوم شخص مفرد از un . næ : ضمیر متصل اول

شخص جمع ، حالت اضافی . ærxæssin : جستجو کردن . qæwi : فعل

مضارع ، سوم شخص مفرد از مصدر qæwin : لازم و واجب بودن . kænæ : یا .

dæwæn : ضمیر دوم شخص مفرد ، حالت مفعول له . mænæn : ضمیر اول شخص

مفرد ، حالت مفعول له .

پس پدر (ش) او را گفت : شب اینجا سرد خواهد بود ، آتش

برای ما نیت ، و لازم است جستجو کنیم (در اصل : جستجو کردن ما لازم است) ،

یا ترا یا مرا (باید جستجو کرد) .

zidta : فعل گذشته متعدی ، سوم شخص مفرد از مصدر zonin :

داشتن . kæcæy : از کجا ، از جایی که . cid : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر *cæwin* : شدن . *wæygūti* : حالت اضافی جمع از
wæygūtæ : غولان ، این واژه جمع *wæyg* است ، *-tæ* نشانه
 جمع ، *ū* مصوت پیوند است . *xæjar* : خانه . *baxædcæwa* :
 فعل التزامی آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر *baxædcæwin* : فرار رفتن .
ūdon : ضمیر اول شخص جمع ، حالت فاعلی ، کنها . *baxærjisti* :
 فعل آینده سوم شخص جمع از مصدر *baxærin* : خوردن . *kænnodær* :
 وگرنه . *iskū* : جایی . *fæjæjæl ūjæn* : فعل آینده سوم شخص
 مفرد از مصدر *fæjæjæl ūn* : گم شدن ، راه گم کردن . *fesæfjæn* :
 فعل آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر *fesæfin* : نابود شدن ، هلاک شدن .
 پدر (ش) می دانت از آنجا که روشنی می آمد ، آن خانه غولان است ،
 و اگر او (پیرش) فرار رود ، پس آنها او را خواهند خورد ، و اگر نه جایی راه گم کند
 و هلاک شود .

con : به جای cæwon : فعل التزامی آئیده ، اول شخص مفرد از مصدر

cæwin : شدن . ærdavon : فعل التزامی آئیده ، اول شخص مفرد از

مصدر ærdavin : به دست آوردن .

من بشوم ، آتش به دست آورم .

festad : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد از مصدر festin : ایستادن

اولنگ برخاست و گفت .

di : حالت فاعلی مفرد ، ضمیر دوم شخص : تو . cæws : فعل

مضارع دوم شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن . ærxæsjinæn :

فعل آئیده اول شخص مفرد از مصدر ærxæssin : جستجو کردن .

تو پیرمردی ، کجای روی ؟ من جستجو خواهم کرد .

cū : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن .

tayd : زود ، تند ، به تاخت . wædæ : پس .

پدر (ش) گفت: "پس به تاخت بشو."

acidis: فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر cæwin: شدن.

kūrinmæ: حالت مفعول الیه مفرد از مصدر kūrin: طب کردن.

اولینک به طب کردن آتش بشد.

kūdtær: فوراً، زودتر. zind: فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر zonin: دانستن، دیدن، اسم از zonin: دم، کله؛

در اینجا: دم، کله. razdaxt: فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر

razdæxin: برگشتن.

این (ūy) بیشتر از یک کله نبود، (که) آنگاه پدر (ش) [تر] به

خانه اش برگشت.

ūrdæm: به طرف، به سوی، سوی.

اولینک به سوی روشنی شد.

lægætæy : حالت مفعول عنه مفرد از *lægæt* : غار .

روشنی از غار می آید .

bakæstis : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *bakæsin* :

نگاه کردن ، نگریستن از *ba- + kæsin* . *lægætmaæ* : حالت مفعول

ایه مفرد از *lægæt* : غار . *þj* : آنجا . *badinc* : فعل مضارع سوم

شخص مفرد از مصدر *badin* : نشستن . *ali* : هر . *fars* : سو ،

طرف ، جانب . *artæn* : حالت مفعول له مفرد از *art* : آذر ، آتش .

اولنگ نگریست به غار ، و در آنجا شش غول نشسته بودند در اطراف آتش .

kū : زمانی که . *sæ* : ضمیر متصل حالت اضافی جمع : آنها را .

awdta : فعل گذشته سوم شخص مفرد ، متعدی از مصدر *ūnin* : دیدن + *a-* :

fætærstis : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *fætærsin* : رسیدن .

زمانی که آنها را دید ، پس اولنگ خیلی رسید .

ængæl ūd : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد' : فکر کرد ؛ از مصدر

— ūn : فکر کردن . caværdær : چند ، چه اندازه . — dīsa

gtæ : حالت فاعلی جمع از dīsa : حیرت آور . sti : فعل مضارع

سوم شخص جمع از مصدر ūn : بودن .

او (با خود) اندیشه کرد : "چقدر حیرت آور هستند."

xæstægær : نزدیک تر ، صفت برتر از xæstæg :

نزدیک . babirid : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد از مصدر babirin :

اداختن (خود را) . bælviird : حقیقه . bazonon : فعل

الترامی آورده ، اول شخص مفرد از مصدر bazonin : باز شناختن . tč : که؟ .

نزدیک تر شد : حقیقه آنها را باز خواهیم شناخت (تا) که هستند آنها .

raīrtasta : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد' ، متعدی از مصدر

raīrtasin : باز شناختن .

حقیقهٔ آنها را باز شناخت.

tixæy : حالت مفعول غمگین از *tix* : نبرد، قوت.

dūnyetæ : حالت فاعلی جمع از *dūnye* : دنیا.

آنها غولان بودند، دنیا [ما] از نیروی آنها می ترسید [ند].

tixjīnadæy : حالت مفعول غمگین از *tixjīnad* : نبرد، قوت

yæxīcæm : حالت مفعول له مفرد، ضمیر برگشتی، سوم شخص، برای خاطر خودش.

اما اولینک از نیروی (آنها) به خاطر خودش نترسید.

fæqūdi kodta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر

fæqūdi kænīn : نکردن. *ræstæg* : دقت. *fæ-*

cæw : فعل گذشته نسوم شخص مفرد از مصدر *fæcæwīn* : شدن. *xæs-*

sin : بردن.

اولینک خیلی دقت نکرد، فرار رفت (این سخن) گویان : داکش مرا

لازم است (تا) برای پدرم ببرم .

bajirdta : فعل گذشته متعدی ، سوم شخص مفرد از مصدر - bajū

rīn : بانگ زدن . feqūstoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از

مصدر feqūsin : شنیدن . qær : صدا ، بانگ . xæstæg-

mæ : حالت مفعول الیه مفرد از xæstæg : نزدیک . ūngæ :

نگاه کان ، صفت است از مصدر ūnin : دیدن . nīkæy :

همچ کس ، حالت اضافی مفرد . ūninc : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر

ūnin : دیدن .

او (اولینگ) بانگ زد : "شب شما خوش !" غولان بانگ

آدمی به نزدیک شنیدند ، اما نگاه کان همچ کس را ندیدند (در اصل : نمی بینند) .

fedtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر : fenin

دیدن .

اولنگ نزدیک تر شد ، وغولان او را بیدیدند .

dīs : حیران . *dīs fækænin* : حیران شدن .

asil : حالت مفعول علیه مفرد از *as* : قد و بالا ، بیکل . *ūlingæn* :

حالت مفعول له مفرد از *ūling* .

(غولان) خیلی حیران شدند از (دراصل : به) اولنگ .

kūd : چه . *gicil* : کوچک . *in* : حالت مفعول

له مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : برای او ، او را .

چه کوچک است ، و او را چه صدای آدمی است !

sistad : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *sistin* : ایستادن .

k'ūxi : حالت اضافی مفرد از *k'ūx* : دست . *sista* : فعل گذشته

سوم شخص مفرد ، متعدی از مصدر *sisin* : گرفتن ، از *s- + isin* .

mænæ : اینک ، اینت . *min* : حالت مفعول له مفرد ، ضمیر اول

شخص مفرد ، ضمیر متصل ، «اینجا» *datife éthique* است . *qaz* .

æn : اسباب بازی ، اسم از *qazın* : بازی کردن .

یک غول استاد و دست او را ستد (این سخن) گویان : «ایک»

چه اسباب بازی است برای من .

æræværdta : فعل گذشته سوم شخص مفرد ، متعدی از مصدر - *ær*

ævrin : گذاشتن ، جای دادن ، نهادن . *fæstæmæ* : پس ،

+ *kūd* : کمی بعد .

کمی بعد او را (بر زمین) نهاد ، پس آنگاه اولین گفت : آتش خواهم .

kūr : ماده مضارع از *kūrin* : جستن ، خواستن .

zing kūr : آتش خواه . *dæn* : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر

ün : بودن . *isbad* : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر *isbadın* :

نشتن . *æxsævær* : شام . *baxær* : فعل امر دوم شخص مفرد از

مصدر *baxærin* : خوردن .

این دلو که (= *čā*) او را در دست گرفته بود، گفت: "بشین و

شام بخور ."

cīn kænī : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر - *cīn kæ*

nīn : شادی کردن .

او (یعنی غول) به وجدی آید : "انگ چه اسباب بازی است ."

wæl : روی . *fixtis* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر

fixin : پختن . *ænæqæn* : تمام ، کامل . *saŋjī* : حالت اضافی

مفرد از *sag* : گوزن . *jīzatæ* : حالت فاعلی جمع از *jīza* : تکه ، پاره .

روی آتش شام می پخت (به معنی لازم فعل) تمام پاره های یک گوزن .

sfixtisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *fixin* : پختن .

sistadisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *sistin* : ایستادن .

af : حالت اضافی مفرد از ag : دیگر . aīsinmæ : حالت مفعول الیه

مفرد از aīsin : گرفتن ، بستن .

زمانی که (کنده های گوزن) بچتد ، آنگاه دوغول برای بردن گرفتن آن

از دیگر برخاستند .

sæm : ضمیر متصل سوم شخص جمع ، حالت مفعول الیه . jūri : فعل

مضارع سوم شخص مفرد از مصدر jūrin : گرفتن . kænūt : فعل مضارع دوم

شخص جمع از مصدر kænin : کردن . aīsinæn : حالت مفعول له مفرد از

aīsin : بستن ، گرفتن . næū : کرب از næ و ū .

dinʃirtæ : حالت فاعلی جمع از dinʃir : بزرگ ، گنده . kæm :

چرا ؟ . siræst : بالغ ، بزرگ ، رشد کرده . istūt : فعل مضارع دوم شخص جمع از

مصدر ūn : بودن .

اولینک به آنها می گوید : ”آنها چه می کنید ؟ اگر یکی از شما نیست (که) آن را بگیرد ،

آنگاه چرا این (چنین) غولان رشد کرده / بزرگی هستید؟

isxūdisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر isxūdin : خندیدن.

ma : پس ، بنابراین . aīs : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر aīsin : برداشتن ، بستن ، برگرفتن .

پس غولان خندیدند و گفتند : "پس تو آن را برگیر !" اولین برخاست و پاره ها را برگرفت .

jūrin : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر jūrin : گفتن ، بانگ زدن .

væyy : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر væyyin : شدن ، ماندن ، حاضر بودن .

آنگاه غولان بانگ می زدند : "آنجامرو."

tixxzy : برای . fæisinc : فعل مضارع سوم شخص مفرد از

مصدر fæisin : گرفتن ، برداشتن ، بستن .

اولین گفت : "آنجامرو ، اینجا ! شام برای یک مرد را دو نفر نمیزند .

ardæg : نیم . fag : سیری .

من نیم انم و سیری من نیز نیست شام شما (یعنی شام شما مرا که نیم انم)

(سیری نمی کند .)

radtūt : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر radættin : دادن ،

از min . ra- + dættin : حالت مفعول له مفرد ، ضمیر متصل اول شخص .

con : فعل التزامی آینده ، اول شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن . -kæn

nod : اگر نه . baxærxjæn : فعل آینده اول شخص مفرد از مصدر -bax

ærin : خوردن ، از ba + xærin . æxormagæy : گرسنه .

bazayjïstūt : فعل آینده دوم شخص جمع از مصدر bazayjin : ماندن .

بهر است بر من آتش بدهید و من بروم ، اگر نه شما مرا من خواهم خورد و شما

گرسنه خواهید ماند .

istæy : پس . isfïcjïstæm : فعل آینده اول شخص

جمع از مصدر isficin : نخن .

غولان گفته : "تو تنها بخور ، پس ما نیز شام می‌پریم و خواهیم خورد."

æræværdtoý : فعل گذشته سوم شخص جمع متعدی ، از مصدر æræ-

værin : تقدیم داشتن ، دادن . razi : راضی . ænægænæy :

حالت مفعول عنه مفرد از ænægæn : تام ، کامل ، همه . sæxædæg :

ضمیر برشتی سوم شخص جمع : ættæmæ . ættæmæ : خارج ، در خارج . baūn-

affæ kænin : شو کردن ، رای زدن . ūnaffæ : ثوری!

amaræm : فعل آینده اول شخص جمع از مصدر amarin : سیراندن . bax-

æra : فعل التزامی آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر baxærin : خوردن . sep-

ættær : همه . kænæ : یا . kælæn-gænæg : جادو . kæ-

læn : جادوگری . xæyræg : دیو .

شام را به تمامی به او (اولیگ) دادند ، ایشان خود به بردن رفتند و

انجمن کردند: "اورا خواهیم کشت"، (این سخن) گویان، "به شخص اینکه او همه آنها را
بخورد - چون که او یا جادوگر است یا دیو."

• *ūy tixxæy æmæ* : چون که، زیرا که.

calimmae : در هنگامی که. *sčitæy* : حالت مفعول غنہ مفرد از

sčit : استخوان. *fizatae* : حالت فاعلی جمع از *fiza* : تکه،

پاره. *baxsæsta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی، از مصدر *baxsæd*،

in : جدا کردن.

زمانی که برگشتند، اولینک پاره بائی از استخوان آنها جدا کرده بود.

wærm : حالت مفعول فیہ مفرد از *wærm* : خنق، گودال.

sæpparsta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی، از مصدر *sæpparin* :

انگدن. *isčitæ* : حالت فاعلی جمع از *isčit* : استخوان.

æxsæstæy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر *æxsæsdin* : پاک کردن.

curi : سوی ، طرف . bas : آتش . nigkaldta : فعل گذشته

متعدی سوم شخص مفرد از مصدر nigkalin : ریختن ، فرو ریختن از ni + kalin ،

g زائد است .

پاره های گوشت را در گودالی افکند ، استخوانهای پاک کرده را در پهلوی خود نهاد ،

پس آنگاه آتش را در گودال فرو ریخت ، غولان وارد شدند و استخوانها پاک کرده بود .

qūdi : نذر ، تفر . qūdi ūn : نذر کردن ، تفر کردن .

udisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر ūn : بودن .

ایشان درباره خودشان تفر کردند (این سخن) گویان : آنها را خورد .

færsinc : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر færsin : درخواست

کردن ، باز پرسیدن . fag : کافی . baxordton : فعل گذشته متعدی ،

اول شخص مفرد از مصدر baxærin : خوردن .

ایشان از او باز پرسیدند : کافی خوردی ؟ اولین گفت : نخوردم .

radtūt : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر radædtin : دادن .

به من آتش بدهید ، و من به طور کافی در خانه خود مان خواهم خورد .

kæræjī : یکدیگر . awajæm : فعل مضارع اول شخص جمع از

مصدر awajin : گذاشتن ، رها کردن ، اجازه دادن . srazisti : فعل

گذشته سوم شخص جمع از مصدر srazin : موافقت کردن .

غولان از یکدیگر باز پرسیدند : " او را رها کنیم ؟ " رها کردن او را موافقت نکردند ؛

ایشان گفتند : " او را باید کشتن . "

asayidtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر asayin :

فریختن . xūssinmæ : حالت مفعول الیه مفرد از xūssin : خفتن .

batixtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر batuxin : بچیدن .

nimæti : حالت مفعول فیہ مفرد از nimæt : نهد ، نگاه نهدی . bafin :

æy wa : فعل التزامی آینده سوم شخص مفرد از مصدر ūn — : خفتن ، خفته بودن .

nir : حال ، wal : آنگاه . com : فعل التزامی آینده اول شخص جمع

از مصدر cæwin : شدن .

ایشان اورا به خواب فریفتند ، او خوابید ، اورا در نمدی پچیدند و گفتند :

”چون او به خواب برود ، آنگاه او را خواهیم کشت ، حال به بردن می شویم .“

binati : حالت مفعول فیه مفرد از binat : جا ، محل . sūj : محل

حالت اضافی مفرد از sūg : همیشه . bambæxst : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر bambæxsīn : مخفی کردن ، پنهان شدن .

چون ایشان بیرون شدند ، آنگاه اولینک برخاست و در جایش ،

در نمد ، پاره ای همیشه پچید ، خود بیرون شد و در جای دیگری پنهان شد .

kæmæn : حالت مفعول له مفرد برای čt : موصول ، که .

k'uxi : حالت مفعول فیه مفرد از k'ux : دست . læjæg : چوب ،

چاق . listæg : کوچک ، پاره . listæg skænīn : پاره و تکه کردن .

چون غولان برای کشتن او وارد شدند ، برای یکی در دستش تبری بود
 (یعنی : در دست یکی تبری بود) برای یکی چوب ، و نه را پاره پاره کردند و پاره هیمه را (که
 در آن بود) .

nin : ضمیر متصل جمع ، حالت مفعول له ، برای ما . tas : ترس .
 دیوان گفتند : " حال برای ما ترس نیست " . ایشان رفتند و خوابیدند .
 raysomi : حالت مفعول فیه مفرد از raysom : صبح .
 sistadisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر sistin : ایستادن ،
 بند شدن ، برخاستن . sam : ضمیر متصل ، سوم شخص جمع ، حالت مفعول الیه .
 sūri : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر sūrin : دویدن ، دنبال کردن .
 در صبح که برخاستند ، پس اولین نیز برخاست و ایشان را دنبال کرد
 (گفت) : " صبح شما به خیر باد " .

wa : فعل التزامی آینده سوم شخص مفرد از مصدر ūn : بودن .

ayqūstoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر ayqūsin : شنیدن .

aliḡdisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر aliḡjin : گریختن . ūci :

آن . cæftæy : حالت مفعول عنه جمع از cæf : خرد کردن . amærd :

فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر amælin : مردن . næ : ضمیر متصل اول

شخص جمع ، حالت اضافی . am : اینجا . baxærjæn : فعل آینده ،

اول شخص جمع ، از مصدر baxærin : خوردن .

غولان چون (صدای او را) شنیدند ، آنگاه برخاستند و گریختند :

”از آن خرد کردن (= čā) نبرد؟ او ما را اینجا خواهد خورد .“

jīza : گوشت .

غولان در آن زمان گوشت آدمی می خوردند و ایشان عقیده داشتند و

گفته (در اصل : گویان) : ”اولیگ نیز گوشت آدمی می خورد .“

rasagūrdta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر ras-

agūrīn : جستجو کردن (مکب از ra-+s-+agūrīn) .
 xorzjīnad : حالت فاعلی جمع از xorzjīnad : خوبی، نیکی.
 jī : حالت مفعول فیه مفرد، ضمیر سوم شخص . isardta : فعل گذشته متعدی
 سوم شخص مفرد از مصدر isarīn : یافتن . akkag : مناسب، درخور .
 yæxi : او خود . ærmæst : تنها، فقط . raxasta : فعل گذشته
 متعدی سوم شخص مفرد از مصدر raxæssin : حمل کردن، بردن . cixt : پیر .
 cæfxad : فعل .

ادنیگ چیزهای خوب داخل خانه را جستجوی کرد (یعنی در پی چیزهای
 خوب درون خانه می گشت) ، اما در آن هیچ چیز مناسب خود نیافت ؛ فقط از
 آن پیر و غل برد .

cixti : حالت اضافی مفرد از cixt : پیر . baxærj-
 æn : فعل آینده سوم شخص مفرد از مصدر baxærin : خوردن . bæxæn .

حالت مفعول له مفرد از bæx : اب . nissajæn : فعل آینده سوم شخص مفرد

از مصدر nissæjin : استوار کردن ، گذاشتن ، حکم کردن .

”پیرا پدرم خواهد خورد ، فعل رایج پیش استوار خواهد کرد ، “ اولیاد گفت .

istæj : به علاوه ، پس . fænijk : خاکستر . xæčili :

حالت اضافی مفرد از xæčili : پاره ، تکه . batixta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از

مصدر batuxin : بستن . midæg : میان . farson : پشت . isba .

sta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی ، از مصدر isbattin : بستن .

پس (کمی) خاکستر را در تکه ای پارچه بست ، در میان آتش (نهاد) ،

آنها را به پشت بست و از خانه آنها ، برای غولان ، بیرون شد .

abon : امروز . dær : نیز ، دوباره . cæri : فعل

مضارع سوم شخص مفرد از مصدر cærin : زیستن ، زندگی کردن . madæl .

tīmæ : حالت مفعول معرج از madæltæ : اجداد اداری ، قس fidæltæ :

امروز، بار دیگر، اولین درختانش با اجداد مادریش زندگی می‌کند.

متن ۶

A. Christensen, Textes ossète, p. 38.

Mæljig æmæ c'irc'irag

*Mæljig særdi yæxícæn xóllag æréfti-
ag kódtæ. C'irc'irag tá yæ fárs mæ c'æx k-
ærdægil pær-pær kódtæ. Īw xadt mæljig yæ
xæjarmæ xór kû ærxásta, wæd il c'irc'irag
æmbæld æmæ yæ færsi: "Ci kúsiz?" Mæljig
juáp rádtæ: "Mæxícæn zimæg mæ xóllag
æmbird kænin." Wæd il c'irc'irag nixúdtis*

cærin ængél ðæ ðæxícæn?" Yæxádæg nip-
ær-pær kóðta æmæ átæxtis.

Zimæg ærci-dīs; xálas kerdæji ær-
bælvasta. Cīrcīrag yæ ájal bámbarsta. Ær-
cīdīs mæljigma kūræg. Dwár bāxosta. Mæl-
jig yæ kærc bápparsta yæ wæxsē'itil æmæ
yæm ráciðīs. "Ægás cæwáy! ði ðæ?" Æz
ðæ xó cīrcīrag; tabūafsi árdigæy wáljæg-
ma mæn isxæss." Mæljig in juáp ráðta:
"Ði mæ særdigkon limæn? Mænæy róx næ
ðæ. Nīr má mænæ mītil símgæ ðær akæn."

Ærmæst in ūci nixás záxta , æmæ dwár yæ
fæstæ sáxgaolta .

مأل او : mæljig . سور : æmæ . . . c'irc'irag : حیرت

særdi : حالت مفعول به مفرد از : særd : تابستان . yæxícæn : حالت

مفعول به ، ضمیر برگشتی ، سوم شخص مفرد : برای خودش . xollag : غذا ، اذوقه .

æraftiag kodta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از -æraftiag

nin : گرد آوردن ، اذوقه . ta : ۱۱ . yæ : ضمیر ملکی ، سوم شخص مفرد :

مال او . farsmæ : حالت مفعول به مفرد از : fars : جانب ، سوی .

c'æx : سبز . kærdægil : حالت مفعول به مفرد از : kærdæg : گیاه .

pær-pær kodta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از -pær-pær

nin : آواز خواندن . wā : یک . xadt : بار ، دفعه .

xæjarmæ : حالت مفعول الیه مفرد از *xæjar* : خانه . *xor* : نم .
kū : هنگامی که . *ærxasta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از *ærxæ* .
ssin : بدن ، حمل کردن . *wæd* : آن گاه . *i* : حالت مفعول علیه
مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : براد . *æmbæld* : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم
از *æmbælin* : برخورد کردن . *yæ* : حالت اضافی مفرد ، ضمیر متصل
سوم شخص : اراد . *færsi* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از *færsin* : پرسیدن ،
درخواست کردن . *ci* : چه ، که . *kūsis* : فعل مضارع دوم شخص مفرد از
kūsin : کوشیدن ، کار کردن . *jūap radta* : فعل گذشته سوم مفرد
متعدی از *jūap radædtin* : جواب دادن . *mæxīcæn* : حالت
مفعول له ، ضمیر رشتنی ، دوم شخص مفرد : برای خودم . *zimægmæ* : حالت مفعول الیه
مفرد از *zimæg* : زیستن . *æmbird kænin* : فعل مضارع اول شخص مفرد
از *æmbird kænin* : انبار کردن ، انداختن . *nixūdtis* : فعل

گذشته سوم شخص مفرد لازم از *nixūdin* : خندیدن ، مسخره کردن . *in* : حالت

مفعول له مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : برای او ، به او . *zaxta* : فعل گذشته سوم شخص

مفرد متعدی از *zæjin* : گفتن . *ænæzond* : آدان . *dæ* :

فعل مضارع دوم شخص مفرد از *ūn* : بودن . *kædmæ* : چه قدر ، چه اندازه .

cærin : زیستن . *ængæl dæ* : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر

ængæl ūn : اندیشیدن ، فکر کردن . *dæxicæn* : حالت مفعول له ،

ضمیر رگشتی ، دوم شخص مفرد : برای خودت . *yæxædæg* : حالت فاعلی مفرد ،

ضمیر رگشتی ، سوم شخص : او خود . *nipær-pær kodta* : فعل گذشته سوم شخص

مفرد متعدی از *pær-pær kænin = nipær-pær kænin* .

atæxtis : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از *atæxin* : پریدن .

ærcidīs : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از *ærcæwin* : آمدن . *xalas* :

سرا و میخندان . *kærdæji* : حالت مفعول به مفرد از *kærdæg* : گیاه .

ærbælvasta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از ærbælvasin :

خاموش کردن ، خفه کردن ، پوش زدن . ajal : اجل ، مرگ ، نابودی .

bambarsta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از bambarin : احساس کردن .

mæljigmæ : حالت مفعول الیه مفرد از mæljig : مور . kūræg : صفت

از kūrīn : طب کردن ، درخواست کردن . dwar : در . baxosta :

فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر baxoyin : پوشیدن . kærcc :

bapparsta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر bapparīn : ادا کردن .

wæxsē'itil : حالت مفعول علیه جمع از wæxsk' : دوش . yæm :

حالت مفعول الیه مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : به او ، به سوی او . racidīs : فعل

گذشته سوم شخص مفرد لازم از مصدر racæwin : رفتن . ægas : سالم ، آن دست .

cæway : فعل آینده التزامی دوم شخص مفرد از cæwin : شدن . cā : که ؟

dæ : ضمیر مکی : مال تو . æz : من . xo : خواهر . tabūafstī :

لطفاً . *ardigæy* : از هم اکنون . *waljægmaæ* : حالت مفعول الیه
 مفرد از *waljæg* : بار ، باران . *mæn* : حالت اضافی مفرد ، ضمیر ادل شخص :
 ال من . *isxæss* : فعل امر دوم شخص مفرد از *isxæssin* : گنگ کردن .
di : حالت فاعلی مفرد ، ضمیر دوم شخص : تو . *særdigkon* : تابستانی .
limæn : دوست . *mæ* : ر - . *mænæy* : حالت مفعول عنه مفرد
 برای *æz* : من . *rox dæ* : فعل مضارع دوم شخص مفرد مجهول از - *rox kæ*
nin : فراموش کردن . *næ* : ز - . *nir* : اکنون . *ma* : باز ،
 بازیم . *mænæ* : اینک ، یان . *mitil* : حالت مفعول علیه مفرد از
mit : برف . *simgæ akæn* : فعل امر دوم شخص مفرد از - *simgæ ak*
ænin : رقص کردن ، رقصیدن . *dær* : پس ، نیز ، دوباره . *ærmæst* :
 فقط ، تنها . *ūci* : آن . *nixas* : گفتار . *fæstæ* : پشت .
sæxgadtæ : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر . *sæxkænin* : بستن .

مور و جیرجیرک

موری در طول تابستان برای خودش آذوقه گردآوری می کرد. اما جیرجیرک در کنار او بر گیاه سبزه آوازه خوانی می کرد. یکی از دفعه ای که مور غله به خانه خود می برد، جیرجیرک به او برخورد کرد و از ادوی پرسد: "چه می کنی؟" مور جواب داد: "برای زمستان خود آذوقه انباری کنم." آن گاه جیرجیرک بر او خندید و به او گفت: "چه نادانی هستی تو! چه اندازه زمستان برای خودتصور می کنی؟" او خود آوازه خواند و پرید.

زمستان آمد؛ سرما و یخبندان بر گیاه و سبزه فرو نشست. جیرجیرک مرگ خود را احساس کرد. چون گدایی به نزد مور رفت. در زد. مور پوچسین خود را به دو شالی انداخت و به سوی او رفت. "زنده بادی (لغۀ: شوادی) ، کیستی؟" "من خواهر تو جیرجیرک ؛ لطفاً از اکنون تا بهمان به من کمک کن." مور به او جواب داد: "تو دوست تابستانی من نیستی! فراموش شده ای. اکنون زیر برف رقص کن." فقط به او آن گفت و در بر او فرو بست.

کتاب آدل ابدائی دبستانهای جمهوری آکسی سال تحصیلی ۱ - ۱۹۵۷، ص ۱۷.

Аргъау

— Абон скъоламаæ нæ цæу-
ын, цый Бæсты Быдырмаæ ацæуд-
зынæн æмæ мæ фаг фæхъазды-
нæн, — загъта лæппу æмæ Быдыр-
мæ ацыд .

Ацыд, фæлæ уайтагъд иун-
æгæй схъыг. Ауыдта Бæхы ~~æмæ~~
Йæм дзуры :

— Бæх, о Бæх, цом æмæ иумæ

ахъазæм.

— Хъазынмæ мæ не 'вдæлы,

— дзуры Бæх, хуымгæнинаг мын ис,
мæхи афсадон. Цу æмæ иунаггæй
хъаз.

Ауыдта лæппу мыдыбындзы
æмæ йæм дзуры :

— О мыдыбындз ! Цом, иумæ
хъазæм.

— Мæн не 'вдæлы, мыд æмбы-
рд кæнын, — загъта мыдыбындз,
— Цу æмæ дæхæдæг хъаз.

Ащыд ләппу дарддәр. Дзуры

цъиумæ :

— О цъиу ! Рауай, мемæ ахъаз !

— Мæн хъазынмæ не 'вдæлы,
цу æмæ дæхæдæг хъаз .

Ләппу дәр кусгæ кæны, — ахъу—
ыды кодта ләппу æмæ уыцы-ну згъо—
рд акодта скъоламæ .

аргъау : داستان . абон : امروز .

скъоламæ : حالت مفول اليه مفرد از .
скъола : آموزگار / آموزگار .

нæ : نه . цæуын : فعل مضارع اول شخص مفرد انفرادي .
цæуын : ۲.۵

شدن . $уый$: ضمیر سوم شخص مفرد حالت اضافی ؛ حالت فاعلی نیز $уый$:

است . $бæсты$: در عوض ، به جای . $быдырмаæ$: حالت مفعول

ایه مفرد از $быдыр$: جنگل . $ацæудзынæн$: فعل آینده

اول شخص مفرد از مصدر $цæуын$: شدن + $а -$. $мæ$: ضمیر متصل ، اول

شخص مفرد ، حالت اضافی . $фаг$: بس ، کافی . $фæхъæздзын -$

$æн$: فعل آینده اول شخص مفرد از مصدر $фæ -$ + $хъæзын$: بازی کردن .

$загъта$: فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر $зæгъын$: گفتن .

$лæппу$: حالت فاعلی مفرد : بچه . $ацыд$: فعل گذشته سوم شخص

مفرد از مصدر $а -$ + $цæуын$. $фæлæ$: بس ، آنگاه .

$уайтагъд$: آهسته ، آرام آرام . $иунæгъей$: تنها .

$схъыг$: دلتنگ ، ناراحت . $ауыдта$: فعل گذشته سوم شخص

مفرد متعدی از مصدر $а -$ + $уынын$: دیدن . $бæхы$: حالت

اضافی مفرد از : бæх : اب . йæм : ضمیر متصل سوم شخص مفرد ، حالت

مفعول الیه از برای : уый : او . дзурь : فعل مضارع سوم شخص مفرد از

مصدر : дзурь : گفتن . 0 : ای ، حرف ندا . цом →

цæу → цæуом : فعل مضارع اول شخص جمع از مصدر : цæу

ын : شدن . нумæ : با هم . ахъазæм : فعل مضارع

اول شخص جمع از مصدر : хъазын : بازی کردن . хъазынмæ : حالت

مفعول الیه مفرد برای : хъазын : بازی کردن . не 'вдæлы : فعل

مضارع منفی سوم شخص مفرد از مصدر : æвдæлын : بودن وقت فراغت ، وقت

وفراغت داشتن . хуымгæнинаг : شخم زدن ، زراعت کردن .

мын : برای من ، ضمیر متصل اول شخص مفرد ، حالت مفعول له از برای : æz : من .

ис : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر : уын : بودن . махи : من خود .

афсадон : فعل کنیده التزامی اول شخص مفرد از مصدر : афсадын : سیر کردن .

ичуагæй : تنها . хъаз : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر - хъа

зын : بازی کردن . мыдыбындзы : حالت اضافی مفرد از

мыдыбындз : زن بوی عسل . маен : ضمیر مفضل اول شخص مفرد ، حالت

اضافی برای æz . мыд : عسل . æмбырд : انبار ، توده ، جمع .

æмбырд кæнын : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر æмбырд

кæнын : انبار کردن ، توده کردن . дæхæдæг : تو خود .

дарддæр : دورتر . цъиумæ : حالت مفعول الیه مفرد از цъиу :

рауай : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر рауайын : به سرعت

امن . мемæ : ضمیر متصل اول شخص مفرد ، حالت مفعول معه از برای æz .

дæр : پس . кусгæ кæны : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

кусгæ кæнын : کوشش کردن ، رنج بردن . ахъуыды ко -

дта : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر а+хъуыды кæнын :

فکر کردن ، اندیشیدن . уыцы - иу : یمن دم . згъорд

اکودتا : فعل گذشته شوم شخص مفرد از مصدر : а+згъорд каенын

دویدن .

داستان

”امروز به آموزشگاه نمی روم ، به جای آن به جنگل خواهم شد و بس بازی خواهم کرد .“ بچه ای (این) گفت و به جنگل شد . پس آرام آرام ، دلنگ و تنها شد .
اسبی دید و به او گفت : ”اسب ، ای اسب ، (بیا) بشویم و باهم بازی کنیم .“
اسب گفت : ”برای من وقت نیست بازی کردن (= وقت بازی کردن ندارم) ، برای من زراعت کردن است ، من خود را باید سیر کنم ، شو و تنها بازی کن .“ آن بچه زنبور عسل دید و او را گفت : ”ای زنبور عسل ، (بیا) بشویم ، باهم بازی کنیم .“ زنبور عسل گفت : ”برای من وقت نیست ، من عسل انبار

می‌کنم، شو و تو خود بازی کن. " بچه‌دوتر شد و گفت به پرندۀ ای: "ای پرندۀ،
تدبیر، با من بازی کن. " (پرنده گفت): "برای من بازی کردن وقت
نیست، شو و تو خود بازی کن." پس آن بچه اندیشید: "کوشش می‌کنم؛"
همان دم به سوی آموزشگاه دوید.

متن ۸

کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آسمی سال تحصیلی ۱۹۵۷-۸

ص ۱۸ .

Аргъау

Иухатт Бабаимæ хъæдмæ ацыдтæн.

Уый мæм дзуры:

—Æрцахс ма мын иу дæс мыды—

бындзы.

—Цæмæн дæ хъæуынц ? — фæрс-
ын æй æз .

— Уый фæстæдæр фендзынæ , —
загъта баба .

Иухатт : یک بار . Бабаимæ : حالت مفول به

مفرد از : баба : بابا . хъæдмæ : حالت مفول الیه مفرد از : хъæд

جنک ، بیشه . ацыдтæн : فعل گذشته اول شخص جمع از مصدر - а+цæ

уын : شدن . мæм : ضمیر متصل اول شخص مفرد ، حالت مفول الیه

برای : æз : من . дзурь : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

дзурьн : گفتن . æрцахс : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر

æрцахсын : گرفتن . хъæуынц : فعل مضارع سوم شخص جمع از

مصدر : хъæуын : لازم بودن ، واجب بودن . фæрсын :
 فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر : фæрсын : پرسیدن . фæстæ-
 Дæр : بعداً . фендзынæ : فعل آینده دوم شخص جمع از مصدر
 фенын : دیدن .

داستان

یک بار همراه بابا بابا به جنگل شدم . او به من گفت : ” بگیر کمی از
 ده زنبور عسل مرا . ” ” به چه درد تو می خورند ؟ ” من از او پرسیدم . بابا
 گفت : ” آن را بعداً خواهید دید . ”

متن ۹

کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آسسی سال تحصیلی ۱-۱۹۵۷ ، ص ۲۶ .

Зæронд лæг æмæ йæ фырттæ .

Иу Зæронд лæгæн уыди фырттæ. фыр-
ттæ кæрæдзиймæ нæ уыди.

Уæд зæронд лæг æрбахæссын кодта
уисой æмæ загъта фырттæн :

— Асæттут æй !

Фырттæ уисой нæ сæттой .

Уæд сæм зæронд лæг дзуры :

— Райхалут уисой , æмæ йæ асæттут .

Фырттæ райхалут уисойы баст æмæ
сæ сæттой .

Уæд сын фыд загъта :

— Сымах цард афтæ у .

зæронд : پیر . лæг : مرد ، انسان . æмæ : و . йæ :

مال او ، ضمیر متصل سوم شخص مفرد حالت اضافی . фырттæ : حالت فاعلی جمع از برای фырт :

پیر ، پور . лæгæн : حالت مفعول له مفرد از برای лæг : مرد ، انسان . уыди :

فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر . уын : بودن . Кæрæдзиймæ : حالت مفعول معه

مفرد از برای Кæрæдзи : یکدیگر . æрбахæссын кæдтæ : فعل گذشته سوم

شخص مفرد متعدی از مصدر . Кæнын — : بدست آوردن ، جمع کردن . уисой : جادو .

фырттæн : حالت مفعول له جمع از фырт . асæттут : فعل امر دوم شخص

جمع از مصدر . а- + сæттын : شکن . сæттой : فعل گذشته سوم شخص جمع

از مصدر . сæттын : شکن . райхалут : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر

райхалын : جدا کردن ، از هم باز کردن . Баст : بسته ،

دسته . сæ : ضمیر متصل سوم شخص جمع ، حالت اضافی . сын : ضمیر متصل سوم شخص جمع

حالت مفعول له : برای آنها . цард : زندگی . афтæ : آن چنان .

پیردی و پیرانش

پیردی را پیرانی بودند. پیران باهم دگر (متحد) نبودند. پس پیرد جادوئی بدست

آورد و به پیران گفت: "این را بشکند!" پیران جادو را شکند. پس پیرد به پیران

گفت: "جادو را از هم باز کنید، و آن را (یک یک) بشکند." پیران دست جادو را

از هم جدا کردند و آن را شکند. پس پیران گفت: "زندگی شما آن چنان است."

متن ۱۰

کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آکسی سال تحصیلی ۱-۱۳۵۷، ص ۵.

Нæ кълас.

Абон у ахуыры фыццад бон.

Сергей æрбацыди скъолайæ æмæ

цингæнгæ лзуры:

— Нæ кълас у стыр æмæ рухс.

Нæ къласы партæтæ сты æртæ
 рæнхъæй . Нæ партæтæ сты ног æмæ ай—
 Дæнау æрттивынц .

Нæ : مال . кълас : کلاس . æбон : امروز .

у : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر . чын : بودن . æхуыры : حالت اضافی

مفرد از æхуыр : درس . фыццад : اول ، صفت از برای бон .

бон : روز . Сергей : نام خاص . æрбацыди : فعل مضارع

سوم شخص مفرد از مصدر . æрба — + цæуын : شدن +

скъолайæ : حالت مفعول و مفرد از скъола : درس . цингæнгæ : قید است

به معنی « با خوشحالی » ، باشادی . дзуры : فعل مضارع سوم شخص مفرد از

مصدر . дзурын : گفتن . стыр : حالت فاعلی مفرد : بزرگ .

рухс : حالت فاعلی مفرد : روشن . партаѣтѣ : حالت فاعلی جمع

партаѣ : میز و نیمکت . сты : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر : чын :

بودن . ѣртѣ : سه . рѣнхѣѣй : حالت مفعول الیه مفرد از

рѣнхѣ : ردیف ، صف . ног : نو . айдѣначу : آئینه دار ،

حال مفرد از айдѣн : آئینه . ѣрттивынц : فعل مضارع سوم شخص

جمع از مصدر ѣрттивын : درخشیدن .

—

کلاس ما

امروز روز اول درس است . سرگی از درسی آید وی گوید :

”کلاس ما بزرگ و روشن است ، میز و نیمکت های کلاس ما از سه ردیف اند
(یعنی = میز و نیمکت های در سه ردیف در کلاس گذاشته شده اند) ، میز و نیمکت های

ما نوازند و آئینه داریم درخشند .

پاره ای از اصطلاحات

آغازی

НАЧИНАТЕЛЬНАЯ / ИНХОАТИВНАЯ ОСНОВА : ماده آغازی :

اضافی

РОДИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ : حالت اضافی :

پای دار

УСТОЙЧИВЫЙ ГЛАСНЫЙ : مصوت پای دار :

چاکانی شده

СМЫЧНО-ГОРТАННЫЙ СОГЛАСНЫЙ : صامت چاکانی شده :

حال

УПОДОБИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ : حال (حالت نهم) :

فاعلی

ИМЕНИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت فاعلي :

مفعول اليه

НАПРАВИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول اليه :

مفعول عليه

МЕСТНЫЙ ВНЕШНИЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول عليه :

مفعول عنه

ОТЛОЖИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول عنه :

مفعول فيه

МЕСТНЫЙ ВНУТРЕННИЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول فيه :

مفعول له

ДАТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول له :

مفعول معه

СОВМЕСТНЫЙ ПАДЕЖ : حالت مفعول :

ناپای دار

НЕУСТОЙЧИВЫЙ ГЛАСНЫИ : مصوت ناپای دار :

• فهرست منابع و راجعات •

- 1 — В.И. АБАЕВ, РУССКО-ОСЕТИНСКИЙ
СЛОВАРЬ, МОСКВА, 1950 .
- 2 — В.И. АБАЕВ, ИСТОРИКО-ЭТИМОЛОГИ-
ЧЕСКИЙ СЛОВАРЬ ОСЕТИНСКОГО ЯЗЫКА, I,
М.-Л., 1958 .
- 3 — V. I. Abaev, *A Grammatical
Sketch of Ossetic*, The Hague, 1964 .
- 4 — Air. Wb. = Christian Bartholo-
mae, *Altiranisches Wörterbuch*, Stras-
sburg, 1904 .
- 5 — *Asia Major*, New Series, Vol. V,

Part I .

6_ AV = E.W. West , *Arda - Viraf Na-*
mak .

7_ Т. ВАЛАЕВ , АНТОЛОГИЯ ОСЕТИНСКОЙ
ПОЭЗИИ , МОСКВА , 1960 .

8_ BBV = W.B. Henning , *Ein manichä-*
isches Bet - und Beichtbuch , APAW , 1936 .

9_ Benveniste = E. Benvenist , *Études*
sur la langue ossète , Paris , 1959 .

10_ Б.Б. БИГУЛАЕВ , ОСЕТИНСКО-РУ-
ССКИЙ СЛОВАРЬ , ОРДЖОНИКИДЗЕ , 1962 .

11_ Boyce = Mary Boyce , *The Man-*

ichæan Hymn-Cycles in Parthian, London, 1954.

12 - BSOAS = *Bulletin of the School of Oriental and African Studies.*

13 - BTS = *Textes sogdiens, édités, traduits et commentés par E. Benveniste, Paris, 1940.*

14 - ФРЕЙМАН = А.А. ФРЕЙМАН, *Хорезмийский язык, м.-л., 1951.*

15 - С.П. ТОЛСТОВ, *Народы Кавказа, I, Москва, 1960.*

16 - Ghilain = A. Ghilain, *Essai sur*

la langue parthe, Louvain, 1939.

17_ GAV = E.W. West and M. Haug,
A Glassary of the Pahlavi Texts of the
book of Ardai-Virāf ..., London, 1874.

18_ GMS = I. Gershevitch, *A Gram-*
mar of Manichean Sogdian, Oxford, 1961.

19_ Gr. I = R. Gauthiot, *Essai de gra-*
mmaire sogdienne, première partie, Paris,
1914 - 1923.

20_ Gr. II = E. Benveniste, *Essai de*
grammaire sogdienne, deuxième partie,
Paris, 1929.

21 - GPV = D. D. Kapadia , *Glossary of Pahlavi Vendidad* , Bombay , 1953 .

22 - Henning Khwar. = W. B. Henning , *The Khwarezmian Language* , Zeki Velidi Togan'a armagan , Istanbul , 1955 .

23 - Iranistik = *Handbuch der Orientalistik* , I. Abt. 4. Bd. , Iranistik , I. Abschn. , *Linguistik* , Leiden - Köln , 1958 .

24 - Jackson = A. V. W. Jackson , *Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit* , Stuttgart , 1892 .

25 - Kent = R. G. Kent , *Old Persian*

Grammar, Texts, Lexicon, New Haven, Connecticut, 1950.

26 - Konow = Sten Konow, *Primer of Khotanese Saka, Oslo, 1949.*

27 - Konow M = Sten Konow, *A Medical Text in Khotanese, Oslo, 1941.*

28 - Mahr. = F.W.K. Müller, *Mahrn-āmag, Berlin, 1913.*

29 - Manual = H.S. Nyberg, *A Manual of Pahlavi, Part I, Texts, Wiesbaden, 1964.*

30 - В. МИЛЛЕР, ЯЗЫК ОСЕТИН, М.-Л.,

1962.

31. *Mir. Man.* = F. C. Andreas and
W. B. Henning, *Mitteliranische Manichaica
aus Chinesisch-Turkestan I* sb. PAW 1932
x 175-222 ; II sb. PAW 1933 VII 294-363 ;
III sb. PAW 1934 XXVII 848-912 .

32 _ Müller II = F. W. K. Müller , *Hand-
schriften - Reste in Estrangelo - Schrift
aus Turfan , II Teil* , Berlin , 1904 .

33 _ И. М. ОРАНСКИЙ , *ИРАНСКИЕ ЯЗЫ-
КИ* , МОСКВА , 1963 .

34 _ PT = Jamasp - Asana , *Pahlavi*

Texts.

35 — PYV = B.N. Dhabhar, *Pahlavi Yasna and Visperat*, Bombay, 1950.

36 — В.С. РАСТОРГУЕВА, ОЧЕРКИ ПО ИСТОРИИ ИЗУЧЕНИЯ ИРАНСКИХ ЯЗЫКОВ, МОСКВА, 1962.

37 — G. Redard (editor), *Indo-Iranica*, Wiesbaden, 1964.

38 — Salemann = C. Salemann, *Manichaeische Studien*, St. Pétersbourg, 1908.

39 — SDM I = А. А. ФРЕЙМАН СОГ—

ДИЙСКИЕ ДОКУМЕНТЫ С ГОРЫ МУГ, I,
МОСКВА, 1962.

40_ SDM II = В.А. ЛИВШИЦ, СОГ-
ДИЙСКИЕ ДОКУМЕНТЫ С ГОРЫ МУГ, II,
МОСКВА, 1962.

41_ SDM III = М.Н. БОГОЛЮБОВ,
СОГДИЙСКИЕ ДОКУМЕНТЫ С ГОРЫ МУГ,
МОСКВА, 1963.

42 - *Sogdica* = W.B. Henning, *Sog-
dica*, London, 1940.

43 - *Sokolova* II = В.С. СОКОЛОВА,
ОЧЕРКИ ПО ФОНЕТИКЕ ИРАНСКИХ ЯЗЫКОВ,

II, М.-Л., 1953.

44 — A. Christensen, *Textes ossètes*, København, 1921.

45 — Verbum = W.B. Henning, *Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragment*, Z 11, 9 (1933) 158-253.

46 — YF = E.W. West, *Yōšt i Fryan*.

47 — YNS = М. Н. БОГОЛЮБОВ, *Языки народов СССР, I*, Москва, 1966.

48 — УТ = М.С. АНДРЕЕВ, *Ягнобские тексты*, М.-Л., 1957.

49 — A.A. Macdonell, *A Practical*

Sanskrit Dictionary , Oxford , 1954-8 .

۵۰۔ مقدمہ = ترجمہ مقدمہ الادب بالخوازمية للعلامة محمود بن عمر

الزنجشري ، چاپ استانبول ، ۱۹۵۱ .

فہرست وارہ ما

۱۵ - فارسی نو

۲۳/۴۰	ابرو	۶۹	آتش
۱۱۳	ایشه	۶۹	آدر
۳۹	اسپاء	۶۹	آذر
۹۸	استای-	۸۰	آراستن
۹۸	استودن	۸۰	آرای-
۲۹	اران	۷۷	آگاه
۸۰	افراختن	۹۹	آلای-
۸۰	افراز-	۹۹	آلودن
۸۰	افراشتن	۴۳/۹۴	آمادن
۲۳	اکنون	۴۳/۹۴	آمای-
۲۹	الان	۴۳/۹۴	آمودن
۳۴	انبوئیدن	۹۱	آهختن
۸۶	انداختن	۹۱	آهنج-
۸۶	انداز-	۶۱	آهنجیدن
۵۷	انیران	۹۱	آهیختن
۸۸	ایست-	۱۱۵	آور-
۸۸	ایستادن	۴	آهو
۴۸	باد	۴۷/۵۵	آئینه

۸۱	بیختن ^۲	۳۰	باریدن
۸۱	بیز ^۱ -	۱۰	بازار
۸۱	بیز ^۲ -	۳۴	بازو
۸۹	بین -	۳۴	بالش
۳۳	بیور	۷۶	بالیدن
۳۹	پار، پارین، پارینه	۷۱	بخت
۱۸۳۸/۴۷	پا(ی)	۷۱	بختیشوع
۲۲/۳۶	پد(ر)	۹۲	بر -
۶۳	پر	۴۱	برادر
۹۰	پرس -	۳۳	برز
۹۰	پرسیدن	۹۲	بریدن
۲۴/۳۶/۶۸	پس	۲۳/۴۰	برو
۲۴/۳۶/۶۸	پسر	۱۰۵	بست
۵۳	پشم	۳۳	بستن
۳۷/۶۲	بنج	۳۳	بش
۲۴/۳۶/۶۸	پور	۳۴	بلند
۹۷	پوسیدن	۲۴	بن
۳۷	پی و پی	۳۳	بند -
۱۰	پیغامبر	۳۲	بو(ی)
۱۰	پیل	۱۱۲	بوستان
۴۲	تاب -	۲۴	بون
۸۵	تاختن	۸۱	بیختن ^۱

۵۶/۶۹	چرخ	۸۵	تاز-
۵۸	چرم	۴۲	تافتن
۵۸/۷۷	چریدن	۳۷	تبر
۶۰	چسپیدن	۹۰	تروس-
۶۰	چسپیدن	۱۰۰	ترصا
۵۳/۵۹	چش	۵۰ و ۹۰	ترسیدن
۵۳/۵۹	چشم	۴۲	تفتن
۶۰	چفسیدن	۸۹	تفس-
۶۰	چکاد	۸۹	تفسیدن
۵۳/۵۹	چمش	۸۴	توختن
۳۵	چهار	۸۴	توز-
۷۱	چهاربخت	۸۴	توزیدن
۱۱۰	چهارم	۶۵	نیخ
۶۰/۶۹	چهر	۶۰/۷۰	تیر
۶۴	خایه	۶۵	تیز
۸۱	خاستن	۶۵	نیغ
۹۲	خر-	۳۲	جو
۶۴	خر	۵۹	چاکر
۵۲/۶۷	خرس	۶۰	چالاک
۷۳	خرم	۵۸	چاه
۷۲	خره	۷۷	چر-
۹۲	خریدن	۴۲/۵۹	چرب

۷۳	در-	۸۹	خسپ-
۷۳	دریدن	۸۹	خسپیدن
۴۹/۷۱	دغد	۶۱	خشت
۵۴	دل	۲۷/۷۱	خشین
۴۶	دم	۷۲	خوار
۲۵/۴۶	دم	۷۲	خواهر
۴۴/۴۹	دندان	۲۸/۶۴	خود
۱۱	دنه	۷۲	خوردن
۷۵	دوخت	۷۲	خوره
۸۳	دوختن	۲۶	خوی
۸۳	دوش-	۲۶	خوید
۸۸	دم-	۸۱	خیز-
۲۰/۴۴	ده	۸۱	خیزیدن
۸۹	دیدن	۲۶	خیس
۴۴	دیر	۸۸	دادن
۱۸/۵۲	راست	۴۵	دار-
۶۲	روزن	۴۵	داشتن
۲۸/۵۶	روشن	۴۵	- دان
۹۷	ری-	۱۰۰	دانا
۸۰	ریختن	۲۴/۴۵/۴۹/۷۱	دخت
۹۷	ریدن	۲۴/۴۵/۴۹/۷۱	دختر
۸۰	ریز-	۳۱/۴۵	در

۲۰	سر	۸۲	ریش -
۲۵/۵۱/۷۰	سرخ	۸۲	ریشیدن
۷۴	سوخت	۱۰۲	زاده
۶۲/۸۳	سوختن	۱۰۴	زار -
۱۰	سوداگر	۴۱	زبان
۶۲/۷۴/۸۳	سوز -	۱۰۵	زد
۶۸	سه	۹۸	زدای -
۴۱	شب	۹۸	زدودن
۵۱	شبان	۵۴	زرمان
۲۲/۵۱	شپش	۱۰۹	زرین
۵۹	شدن	۱۰۹	زریون
۱۰	شکر	۴۱	زفان
۹۶	شنا	۱۰	زندان
۲۰/۷۰	شیر	۴۱	زوان
۱۱	صابونه	۱۱۱	زهدان
۷۱	صهاربخت	۸۶	ساختن
۹۵	فرمای -	۸۶	ساز -
۹۵	فرمودن	۲۲/۵۱	سبش
۷۲	فر(ه)	۳۹	سپاه
۷۶	کارد	۹۸	ستای -
۹۶	کام	۹۸	ستودن
۷۳/۹۳	کردن	۲۳/۵۱	سترگ

۱۶/۲۸/۵۳/۶۶	گوش	۱۹/۶۴	کړک
۲۸	گو	۶۰	کرکس
۱۷/۴۹	مادر	۴۳/۶۸	کرم
۴۹/۶۷	مرد	۶۳/۷۳/۹۳	کن-
۶۲	مرگ	۲۳	کنون
۲۱	مزد	۸۵	کوش-
۴۳/۴۷	می	۸۵	کوشیدن
۸۲	میختن	۲۰	کی
۸۲	میز-	۲۶	کین
۸۲	میزیدن	۲۶	کینه
۲۶/۴۳/۶۵	میغ	۲۸	گاو
۱۱۳	نادان	۵۰/۷۸	گذر-
۲۹	نام	۵۰/۷۸	گذردن
۲۲	نبشتن	۵۰/۷۸	گذشتن
۲۲	نپشتن	۷۶	گزرش
۱۰	نشان	۱۹/۵۶	گرم
۱۱۷	نشست	۹۴	گرو
۷۷	نگاه	۹۴	گروستن
۹۵	نمای-	۹۴	گرویدن
۱۰	نمد	۷۶	گریستن
۹۵	نمودن	۷۶	کله
۳۱/۵۵	نو	۱۰۰	گندا

۱۹/۴۲	هفت	۲۲	نوشتن
۱۱۴	هم -	۲۳	نون
۱۱۵	همراز	۸۵	نیوش -
۲۵	ی - (نکره)	۸۵	نیوشیدن
۷۹	یاب -	۴۸	واد
۷۹	یافتن	۵۷	هر
۲۶/۶۵	یخ	۱۸/۵۲	هشت
۲۵	یک		

wīj- 8.
 wīʔd 80/81
 wīrīs 101
 wīrīssag 101
 xær- 77
 xæræg 94
 xærīn 72/101
 xærīnag 101
 xæzna 10
 xīd 26/65/130
 xīd kænīn 103
 xīzæn 104
 xīz- 81
 xīzīn 104
 xīst 81
 xor 72
 xord 77
 xordon 111
 xsīr 20/70

xūd 28/64
 xūdīn 101
 xūdīnag 101
 xūss- 89
 xūssgæ 106
 xūssīd 89
 xūssīn 106
 yaw 22
 yæw 31
 zad 90
 zay- 90
 zænæg 112
 zærdæ 03
 zæronð 04
 zīmæg 104
 zīmægon 104
 zīndon 10

sækær 1.
 sær 2.
 sættin 100
 sívd- 83
 símax 17/125
 sírx24/51/70/125
 sírxðær- 129
 síst 22/51
 sízqærin- 107
 st- 87
 stad- 87
 staw- 97
 stid 97
 stir 23/51/107
 stirad 107
 stirdær 110
 -ston- 111
 sūg- 25/93
 sūj- 83
 sūjæ 109
 sūjin 99/109/129
 -t 105
 -t(æ) 121
 ta7d 75/85
 taj- 85
 tard 78
 tarsin 50
 tarst 89
 tavin 128
 tarst 89

tæfsin 128
 tæfst 89
 tæj- 75
 tæjin 103
 tæjinæg 103
 -tær 110/129
 tær- 78
 tærin 50/100
 tærs- 89
 tærsag 100
 tærsin 50/100
 tævin 91
 tæwæræg 10
 tī7 95
 tī7d 91
 tīlgæ 109
 tīlin 109
 tīnj 91
 tīnjin 91
 tīx 112
 i1xt 83
 tūx- 84
 ūrn- 93
 ūrnīdt 93
 ūrs 28/52/129
 ūrst/dær 129
 wad 48
 warin 30/77
 wæ 30
 wī7 81

mælin- 127
 mæn 55/122
 mæstjīn 109
 mīl 26/43/65
 mīz- 82
 mīd 43/47
 mīst 82
 mīzd 21
 nad- 96
 namūs- 11
 nay- 96
 nīz- 26
 nī- 116
 nīccid 117
 nīmad 95
 nīmay- 95
 nīmæt- 19
 nīr 23
 nīsan- 10
 nog- 31/55
 nom 29
 -on 104
 payda 11
 pæxumpar-10
 pīl10
 qarm- 19/56
 qawga- 11
 qæd 108
 qædīn 108
 qærz- 75

qært 75
 qīs 108
 qīsīn 108
 qūg- 27
 qūs- 16/21/52/66
 qūs- 82
 qūst- 82
 ra- 115
 racīd 115
 rast 17/53/108
 razī 11
 ræ- 118
 ræcīd 118
 ræstjīnad 108
 ræs- 82
 rīzīn- 54
 rīst- 82
 roxfækænīn 130
 rūjīng- 62
 rūxs- 28/58
 sabīr 107
 sabīrad 107
 saʔd- 86
 saj- 86
 sastag- 100
 saw- 126
 sawdæjær- 10
 sawdær 126
 sawd r- 102
 sawdærdær 102

fīn ⅴⅴ
 fīnk ⅴⅴ
 fīrt ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ
 fīs ⅴ.
 fīss- ⅴⅴ
 fīssīnag ⅴ.ⅴ
 fīssīn ⅴⅴ/ⅴ.ⅴ
 fīst ⅴⅴ/ⅴ.ⅴ
 fonj ⅴⅴ/ⅴⅴ
 galīw ⅴ.ⅴ
 galīwæg ⅴ.ⅴ
 -gæ ⅴ.ⅴ
 gwīrīn ⅴⅴⅴ
 -īn ⅴ.ⅴ
 Ir ⅴ/ⅴ.ⅴ
 Irīston ⅴ/ⅴⅴⅴ
 Iron ⅴ.ⅴ
 īw ⅴⅴ
 īx ⅴⅴ/ⅴⅴ
 -īn ⅴ.ⅴ/ⅴ.ⅴ
 (ī)s- ⅴⅴⅴ/ⅴⅴⅴ
 īscīd ⅴⅴⅴ
 -jīn ⅴ.ⅴ
 -jīnad ⅴ.ⅴ
 jænæt ⅴⅴ
 -jīn ⅴ.ⅴ
 kalm ⅴⅴ/ⅴⅴ
 kark ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ
 karst ⅴⅴ
 kast ⅴⅴ

kæd ⅴ.
 kæn- ⅴⅴ
 kænīn ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴⅴ/ⅴⅴ.
 kærd- ⅴⅴ
 kærdæn ⅴ.ⅴ
 kærdīn ⅴ.ⅴ
 kærkdōn ⅴⅴⅴ
 kæs- ⅴⅴ
 kæsīn ⅴ.ⅴ
 kond ⅴⅴ
 kūs- ⅴⅴ
 kūsæg- ⅴ.ⅴ
 kūsgækænīn ⅴⅴⅴ
 kūsīn ⅴ.ⅴ
 kūst ⅴⅴ
 k'īw ⅴ
 k omsī ⅴ
 k'ūdī ⅴ
 læværd ⅴⅴ
 līd ⅴⅴ
 līj- ⅴ.
 līy- ⅴⅴ
 līyd ⅴ.
 mad ⅴⅴ/ⅴⅴ
 majal ⅴⅴ
 mard ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴ.ⅴ
 marg ⅴⅴ
 mast ⅴ.ⅴ
 marīn ⅴⅴⅴ
 max ⅴⅴ/ⅴⅴⅴ

carv ॡॡ/Δॡ
 casm Δॡ/Δॡ
 cægat ॡ.
 cær- ॡॡ/1.ॡ
 cærdæg ॡ./1.ॡ
 cæfsin Δॡ
 cærgæs ॡ.
 cærin ΔΔ/1.ॡ/1.Δ/1.ॡ
 cæwin ΔΔ/1ॡॡ
 cird ॡ.
 cippar ॡΔ
 cippæræm 1.ॡ
 cirʒ ॡॡ/ॡ./ॡ.
 cirt- ॡ./ॡॡ
 c'ilibī ॡ
 c'inda ॡ
 c'indi ॡ
 c'irin ॡॡ
 -d 1.Δ
 dard ॡॡ
 dary ॡॡ
 darin ॡΔ
 dasin ॡॡ
 davin ॡ.
 daw- ॡΔ
 dawd ॡΔ
 dædd- ΔΔ
 dændag ॡॡ/ॡॡ
 -dær 11./1ॡΔ
 dæræn ॡॡ

dæs 1ॡ/ॡॡ
 dæsæm 1.ॡ
 dæw ॡ1/ॡॡ
 di 1ॡॡ
 diʒd ॡॡ/ॡॡ/ॡॡ/ॡ1/ॡॡ/ॡΔ/Δॡ
 diʒkæg 1.1
 diʒmæg ॡΔ/ॡΔ
 diʒmgæ ॡॡ/1.ॡ
 diʒmin 1.ॡ
 diʒʒwin ॡΔ
 don ॡ.
 -don ॡΔ/111
 dūc- ॡॡ/Δॡ
 dwar ॡΔ/ॡ1
 fad 1Δ/ॡΔ/ॡॡ
 farn ॡॡ
 faron ॡΔ
 farst ॡ.
 fæ- 11ॡ
 fæd ॡॡ
 fælæ ॡΔ/Δॡ
 fældisʒn ॡΔ
 fænjæm 1.ॡ
 færæt ॡॡ/ॡΔ
 færs- ॡ.
 fæsm Δॡ
 fæxasta 11ॡ
 fiw ॡॡ
 fiʒcæg 1.1
 fid ॡ1/ॡॡ

ælviæd 92
 ælviæn- 92
 -æm 109
 æm- 112
 æmbærzin 20
 æmbið 92
 æmbiȳ 92
 æmbūdin 22
 æmjærin 107
 æmkūsæg 112
 -æn 103
 æn- 112
 ænæ- 112
 ænæzænæg 112
 ændaʎd 89
 ændaj- 89
 ær- 112
 ærba- 112
 ærbacið 112
 ærcið 112
 ærfiȳ 22/20
 ærtæ 98
 ærtikkag 101
 ærvad 20
 ævdīs- 82
 ævdīsīn 22/22
 ævdīst 82
 ævzag 21
 æxsæv 21
 æxsīn 22/21

æyyaf- 29
 æyyæft 29
 æz 20/22
 ba- 92
 baba 112
 bacīd 112
 baiwkænin 102
 barc 22
 bast 102
 baz 22
 bazar 10
 bazīȳ 22
 bæddin 22
 bæʎnæg 92
 bærzond 22/122
 bærzonddær 122
 bærzonddærdær 122
 bæxdon 111
 bīræ 22
 biȳdæg 21
 bīn 22
 bon 29/22
 būd 22
 cad 28
 caȳar 29
 calx 22/22
 car 112
 car- 82
 card 22/82
 carm 28

۱۴- ابرونی

a- ۱۱۵
 acīd ۱۱۵
 -ad ۱۰۷
 -ag ۱۰۰
 agay- ۹۶
 agayd ۹۶
 arūd ۴۷
 alr ۵۷/۶۹
 alī ۵۷
 allon ۲۹
 -amad ۹۴
 amay- ۹۴
 amayīn ۴۳
 araw- ۹۱
 araz- ۷۹
 arazīn ۱۲۷/۱۲۹
 arəzīn ۱۲۷
 arəzt ۷۹
 arəztcæwin ۱۲۹
 arc ۶۱
 arf ۱۰۷
 arfad ۱۰۷
 arronaq ۹
 arīd ۹۸

arīn ۱۲۷
 arm ۴۳
 ars ۵۲/۶۷
 art ۶۸
 ast ۱۸/۵۱
 avd ۱۹/۴۲
 avdīs- ۸۲
 awærd- ۷۶
 awærst ۷۶
 aydæn ۴۷/۵۵
 ayk ۶۲
 æ- ۱۱۲
 æcægad ۱۰۷
 æcægjinad ۱۰۸
 æd- ۱۱۳
 ædbæx ۱۱۴
 ædīx ۱۱۲
 ædzond ۱۱۴
 æfsad ۳۹
 æfsīn ۲۷
 -æg ۱۰۲
 æjar ۱۱۲
 ælvīd ۹۲
 ælvīn- ۹۲

sog ʔʌ/ʧʔ
 soj- ʌʃ
 sojun ʧʔ
 -ston 111
 stur ʅ1
 sturdær 11.
 suʔd ʌʃ
 auʔzærinæ 1.ʏ
 sumax ʏ/1ʔʅ
 surx ʔʧ/ʅ1/ʏ.
 -t 1.ʅ
 -t(æ) 1ʔ1
 taʔd ʌʅ
 taj- ʌʅ
 tard ʏʌ
 tarst ʧ.
 tær- ʏʌ
 -tær 11.0/1ʔʧ
 tærs- ʌʧ
 tærsagæ 1.0.
 tærsun ʅ.0/1.0.
 tærun ʅ.
 tævun ʧʔ

teʔæʧʅ
 tox- ʌʧ
 tuxæ 11ʔ
 tuxt ʌʧ
 -un 1.ʧ
 wad ʧʌ
 warun ʃ.
 wæ ʃ.
 wej- ʌ.
 wiʔd ʌ1
 xæræg ʧʧ
 xed ʔʧ/ʧʅ
 xez- ʌ1
 xist ʌ1
 xodæ ʔʌ/ʧʧ
 xwar ʏʔ
 xwær-ʏʏ
 xwæræʏʔ
 xwærun ʏʔ
 zad ʧʅ
 zay- ʧʅ
 zærd ʅʃ
 zæround ʅʧ

kæn- 93
 kænun 93/73
 kærd- 79
 kæs- 77
 kæsun 100
 kind 93
 kīnæ 29
 kond 93
 kos- 80
 kosæg 102
 kost 80
 kosun 102
 k'ewæ 9
 k'ovsi 9
 k'udi 9
 lægæ 119
 lævard 88
 lej- 80
 li7d 80
 līd 97
 līy- 97
 madæ 19/49
 mard 49/97
 marg 92
 mast 109
 max 17/123
 mæn 00/122
 mæstgun 109
 me7æ 29/40/90
 mez- 82

mist 82
 mīzd 21
 mud 42/47
 næwæg 31/00
 nez 29
 ni- 119
 nimad 90
 nimay- 90
 nimæd 10
 nisan 10
 nom 29
 nur 23
 -on 104
 ors 28/02
 paxompar- 10
 pil 10
 ra- 110
 rast 17/02
 razi 11
 ræ- 118
 res- 82
 rezun 04
 rist 82
 roxs 28/09
 sabur 107
 saburad 107
 sayd 89
 saj- 89
 sær 20
 sistæ 22/01

doc- 12
 'duvd 15/12
 'duvd12/12/12/12
 dumæg 15/15
 dungæg 12/10
 dumun 10
 duzvun 15
 dwar 11
 ew 15
 ex 12/15
 fad 11/12
 fal 11/15
 fans 12
 farzæ 11
 farnzæ 12
 farst 9
 fæ- 11
 fældesun 11
 færs- 9
 few 12
 fidæ 11/12
 finkæ 12
 fins 9
 finst 9
 finsun 12
 fonj 12/12
 fun 12
 furt 12/12/12
 fus 10
 -gæ 10

-gun 10
 yar 12
 yarm 12
 yædæ 10
 yædin 10
 yærz- 15
 yærzt 15
 yos 12/12/12/12
 yog 11
 i 11
 idæwun 12
 iros- 12
 irost 12
 -in 10
 -inæ 10
 .Iriston 11
 (i)s- 11
 ist- 12
 istad 12
 itivd 9
 itinj- 9
 itinjun 9
 iwarun 12
 -jin 10
 -jinadæ 10
 kalm 12/12
 kark 15/12/12/12
 karst 12
 kast 12
 kæd 10

ændaj- 19
 ær- 119
 ærba- 119
 ærfug 22/4.
 ærvad 4.
 æstur 22
 ævdes- 12
 ævdesun 42/47
 ævdist 12
 æxsævæ 41
 æxsīn 27
 æxsīnæ 29
 æxsir 20/7.
 æyyaf 79
 æyyaft 79
 æz 20/54
 ba- 119
 badun 107
 barcæ 33
 bazug 34
 bæddun 33
 beræ32
 bewræ 32
 bodæ 32
 buydæg 71
 bun 24
 cadæ 51
 calx 59/99
 cans 53/59
 car- 17

1card 17
 2card 77
 carm 51
 cæfsun 59
 cær- 77
 cærun 51/105
 cæwun 51
 cir7 22/90/70
 cirt 90/99
 cuppar 35
 c'erun 99
 c'ilobi 9
 c'inda 9
 c'indi 9
 -d 105
 dary 44
 darun 45
 dasun 49
 davun 40
 daw- 91
 dawd 91
 dædd- 111
 dændag 44/49
 -dær 110
 dæs 19
 dæw 31
 digor 4/104
 digoron 104
 -donæ 45/111
 du 124

۱۳- دیکتوری

a- ۱۱۵	aydænæ ۴۷/۵۵
-adæ ۱۰۷	aykæ ۶۴
agay- ۹۶	æ- ۱۱۲
agayd ۹۶	æd- ۱۱۳
-agæ ۱۰۰	æduæ ۱۱۲
ayodæ ۴۷	æfsad ۳۹
alʔ ۶۹	æfsinæ ۲۷
allon ۲۹	-æg ۱۰۲
ali ۵۷	ælvid ۹۲
amad ۹۴	ælvin- ۹۲
amay- ۹۴	æl×æd ۹۲
amayun ۴۳	æl×æn- ۹۲
araz- ۷۹	æm- ۱۱۴
arazt ۸۰	æmbærzun ۳۵
arʔunap ۹	æmbaw- ۹۸
arcæ ۶۱	æmbud ۹۸
arm ۴۳	æmbodun ۳۴
ars ۵۲/۷/۱۱	æmbud ۹۷
araw- ۹۸	æmbuy- ۹۷
arud ۹۸	-æn- ۱۰۳
ast ۱۸/۵۱	æn- ۱۱۴
awærd- ۷۶	ænæ- ۱۱۲
aurst ۷۶	ænbadinæ- ۱۰۷
avd ۱۹/۴۲	ændayd ۸۶

۱۲- زبانهای انیرانی

الف - سنسکریت

bhrū- ۲۳/۴۰

čyav- ۵۹

darana- ۷۳

kakātikā- ۶۰

krmi- ۴۳/۶۸

kṣīrā- ۲۰/۷۰

nūnām ۲۳

paksman- ۵۳

param ۳۸/۵۷

parasu- ۳۷

phēna- ۳۹

ṛrēj ۵۴

sthūrā- ۴۴/۵۱

ب - گرجی

c'inda ۹

c'indi ۹

c'ur ۶۶

č'ilobi ۹

k'evi ۹

k'omši ۹

k'udi ۹

ج - اسلاوی باستان

bo- ۱۱۶

د - ترکی

aryamaq ۹

ه - عربی

تواریخ ۱۰

جنت ۱۱

خزانه ۱۰

راضی ۱۱

غوغا ۱۱

قایده ۱۱

مجال ۱۱

ناموس ۱۱

۱۰- یغنایی

-ak ۱۰۳	šumōx ۱۲۵
ašt ۱۸/۵۱	-t ۱۲۱
avd ۱۹/۴۲	taw ۳۱/۱۲۴
čarx ۵۶/۶۹	tifarak ۱۰۳/۱۰۶
das ۱۹	tifor ۳۵
etk ۲۶/۶۵	tu ۱۲۴
γarm ۱۹	viak ۱۰۳/۱۰۶
γow ۲۸	virod ۴۰
γuš ۲۷/۵۳/۶۶	vūd ۳۲
karak ۱۰۳/۱۰۶	wat ۴۸
man ۱۲۳	xišap ۴۱
mōx ۱۲۴	xūd ۶۴
nawa ۵۵	x ^o ar- ۷۸
panč ۳۷	x ^o arta ۷۸
pun ۶۳	yaw ۳۱
rask ۵۲	zivok ۴۱
šaw- ۵۸	žūta ۱۰۲
šipuš ۲۲	

۱۱- مادی

farnah ۷۲

سلی - ۷

'Br- ۱۱۵.

"r'wō ۴۷

"tr- ۶۸

"trō'n ۴۵

"wx'nyy ۱۱۴

'Bt ۴۲

'γšp- ۴۱

'ngs- ۷۷

'nγrks- ۷۷

'ps' ۵۰

(') rm- ۴۳

'sγw'y- ۱۱۷

'sp'ō ۳۹

't- ۱۸/۵۱

't- ۱۰۷

'w t- ۸۸

'yw- ۲۵

'zd'k- ۴۱

'zw- ۱۲۳

'z'kh- ۳۴

B n'k- ۶۵

Bn - ۳۳

Bnt- ۳۳

Br't- ۴۰

Brz- ۳۴

Brz'k- ۳۴

Bw - ۳۲

Bw stn- ۱۱۱

č' r- ۵۹

č't- ۵۸

čk''t- ۶۰

č m- ۵۳/۵۹

čr - ۵۶/۶۹

črks- ۶۰

črm- ۵۸

čtB'r- ۳۵

čtB'rm- ۱۰۹

- 'n- ۴۵

'r- ۴۵

B'r- ۳۱/۴۵

Br'k- ۱۰۳/۱۰۶

s- ۱۹/۴۴

w th- ۲۳/۴۴/۴۹

wm- ۲۵/۴۵

m'k- ۴۵

m'yn'k- ۴۶

fr'' rB- ۱۱۶

frm't- ۹۵

xurd ۷۸

yā ۱۱۹

z"b/fāk- ۴۱

zird ۵۳

اونرغ ۵۷

واذ ۴۸

۶- خوارزمی

āʾud ۴۷

aBd ۴۲

apas ۵۰

ašc ۶۱

ašt ۱۸/۵۱

az ۲۰/۱۲۳

Baʾnīk ۶۵

Bancin- ۳۳

Bōd ۳۲

Brōd ۴۰

Būm ۱۲۰

Bžnyk ۳۳

-c ۱۲۲

caBār۳۵

cam ۵۳/۵۹

carm ۵۸

casm ۵۳/۵۹

ciya- ۵۹

day ۳۱/۱۲۴

ār- ۴۵

ōas ۱۹/۴۴

ōast ۱۲۰

uʾd ۲۴/۴۴/۴۹

um(a) ۲۵

ēwa ۲۵

ʾāw- ۲۸

yōš ۲۷/۵۳/۶۶

hars ۵۲/۱۱۹

i ۱۱۹

k- ۶۳/۹۳

māda ۱۷/۴۹

marc ۱۲۰

nānām ۱۱۳

nāmīk ۲۹

*nōc ۵۵

nūr ۳۳

panc ۳۷

pic ۲۱/۳۶

purak ۳۶

sār ۲۰

skās- ۷۷

sp'h ۲۲

ūtak ۱۲۴

wād ۴۸

xōd ۶۴

xur ۷۲/۷۸

thamja- ९१

tsu- ५१

tsūka- १०९

tvī ९९

ysāra- ५२

۵- ختنی

-auña- ۱۰۵	kāṣcīnaa- ۱۰۹
bāysu- ۳۴	kāṣa- ۷۷
bata ۱۱۰	kāṣṭa- ۷۷
battara ۱۱۰	mātar- ۱۷/۴۹
brātar- ۴۰	myau- ۲۶
būda- ۳۲	nāma- ۲۹
bulysa- ۳۴	no ۵۵
būnaa- ۶۵	pā (a)- ۱۸/۳۸
byūra- ۳۳	paḍa- ۳۷
byurru- ۳۳	padama- ۴۶
cārba- ۵۹	paṃjsa- ۳۷
carma- ۵۸	pasa- ۵۰
dāra- ۴۴	phārra- ۷۲
dasa- ۱۹/۴۴	pitar- ۲۱/۳۶
dumaa ۲۵/۴۶	pūra- ۲۴/۳۶
dūtar- ۲۴/۴۴/۴۹	rraṣṭa- ۵۲
fārre- ۷۲	spāta- ۳۹
haṣṭa- ۱۸/۵۱	stāta- ۱۰۵
hālštā- ۶۱	sūjsa- ۸۳
hūna- ۷۳	sūta- ۸۳
hvara- ۷۸	tcārba- ۴۲/۵۹
hvaḍa- ۷۸	tcārma- ۵۸
jināka- ۱۰۶	tcei'man- ۵۳/۵۹
jsata- ۱۰۵	tcūrama- ۱۰۹

nām ۲۹
 nawāg ۵۵
 niyōš- ۸۴
 niyund ۴۷
 , nimād ۹۵
 nimāy ۹۵
 nišast ۱۱۷
 ōžad ۱۰۵
 padhinj- ۶۱
 panj- ۳۷
 paryāb- ۷۹
 paryaft ۷۹
 paržār- ۸۷
 pidar ۲۱/۳۶
 purs- ۹۰
 pursād ۹۱
 rāšt ۵۲
 rōšn ۵۶
 sāž- ۸۶
 sāžād ۸۶
 sōž- ۸۳

suxt- ۸۳
 šab ۴۲
 taw ۱۲۴
 taž- ۷۵
 tirs- ۹۰
 tōž- ۸۴
 tu ۱۲۴
 x̄xar- ۷۸
 x̄xard ۷۸
 wād ۴۸
 wihinj- ۹۱
 wihaxt ۹۱
 wurraw- ۹۴
 zād ۹۵
 zāy- ۹۵
 zādag ۱۰۲
 zarvōnag ۱۰۹
 zarnēn ۱۰۸
 zēndān ۱۱۱
 zird ۵۴

۴- پهلوانی طرفانی

īdur ۶۸	dād ۸۸
āmōžag ۱۰۲	dah- ۸۸
āwar- ۱۱۵	das ۱۹
abdāž- ۸۶	ēw ۲۵
abdāžād ۸۶	gandāg ۱۰۰
abdēs- ۴۲/۴۷/۸۲	gōš ۲۷/۶۶
abdišt ۸۲	hāmōihrag ۱۱۴
anāsāg- ۱۱۲	haft ۴۲
ardāwift ۱۲۲	hrē ۶۸
awišt- ۸۸	harw ۵۷
awištād ۸۸	hašt ۱۸/۵۱
az ۱۲۳	-ift ۱۲۲
bar ۳۱	istāw- ۹۷
bast ۱۰۵	istāwād ۹۷
bēwar ۳۳	išt- ۸۷
bōōistān ۱۱۲	ištād ۸۷
bōž- ۱۲۸	kar- ۹۳
brād ۴۰	kird ۹۳
brādar ۴۰	kōš- ۸۵
bun ۲۴	kōšād ۸۵
buxs- ۱۲۸	mād ۱۷
čafār ۳۵	mādar ۱۷
*čaxr ۵۶/۶۹	man ۱۲۳
čuhrum ۱۰۹	masādar ۱۱۰

kart 93
 kōš- 80
 kōšīt 80
 kun- 93/93
 māt 17
 mātār 17
 maḍḍ
 marg 92
 mēz- 82
 mist 82
 mīzd 21
 nām 29
 niṽōš- 84
 niṽōšīt 84
 nimāy- 90
 nimūt 90
 nišast 117
 nōk 00
 nūn 22
 pāpakān 104
 paṇṇ 27
 *pas 01
 pit 21/29
 pitar 21/29
 purr 93
 purs- 90
 pursīt 90
 rāst 02
 rēč- 80
 rēš- 82
 rēšīt 82

rixt 80
 rōšn 09
 sāč- 89
 sāxt 89
 sōč- 83
 stāy- 98
 stūt 98
 suxt 83
 šap 21
 šir 20
 tāč- 80
 tāxt 80
 tač- 70
 tars- 90
 tarsīt 90
 tasum 110
 tēx 90
 tōj- 84
 tuxt 84
 uzday- 98
 wālitan 79
 wāt 28
 wēč 81
 wēj 81
 wičār- 87
 wičārt 87
 witar- 78
 witart 78
 witartan- 00
 'wixt 81

۳- فارسی میانه زردشتی (پهلوی)

āhanj- ۶۱/۹۱	brīn- ۹۲
āhaxt ۹۱	burīd ۹۲
ālūt ۹۹	buxtan ۷۱
ārāδ- ۸۰	čahār ۳۵
ārāst ۸۰	čahārum ۱۱۰
āsn- ۹۶	čaxr ۵۶/۶۹
āsnīt ۹۶	dānāk ۱۰۰
ātūr ۶۸	dāt ۸۸
afrāst ۸۰	*dah ۲۰
afrāxt ۸۰	dah- ۸۸
ahunsandīh ۱۱۳	dar ۳۱
ahunsandtar ۱۱۰	dil ۵۴
anayrān ۵۷	dōš- ۸۳
anayr rōšn ۵۷	'duxt ۲۴/۷۱
arus ۲۸/۵۲	*duxt ۷۵/۸۳
astudān ۱۱۱	ēwak ۲۵
ašt ۱۸/۵۲	garz- ۷۶
aštar ۶۱	garzišn ۷۵
ayāft ۷۹	garzīt ۷۶
ayāp- ۷۹	gaw ۲۸
*bānuk ۲۹	gōš ۲۸/۶۶
bēwar ۳۳	haft ۴۲
bōδ ۳۲	hamrāz ۱۱۵
brāt ۴۰	handāč ۸۶
brātar ۴۱	handāxt ۸۶

۲- ایرانی باستان

ā- ۷۶/۷۹/۹۱/۹۴/۹۶/۹۸

ārya- ۴

āryana- ۴

abi- ۷۹/۸۲/۸۸

apa- ۸۶/۹۲

ara- ۱۱۶

bā- ۱۱۶

√baug ۷۱

brša- ۳۳

buxtaka- ۷۱

čārna- ۱۰۴

√dam ۴۶

√daug ۷۵

√dī ۸۹

dīta- ۸۹

dušgauna- ۴۵

duxta- ۷۵

fra- ۹۵

fra-bar- ۸۹

fra-bara- ۱۰۳/۱۰۶

ham/n- ۸۶/۹۷/۹۸

ham-bauda- ۳۴

ni- ۸۴/۹۵

pa- ۱۱۷

'para- ۳۸/۵۷

²para- ۸۷

pari- ۷۹

pati- ۷۹/۹۱

√pais ۲۲

pins- ۲۲

-ta- ۷۵

upa- ۸۰

us-xwāhaya- ۱۱۷

uz- ۹۸

wi- ۸۴/۸۷/۹۱

waina- ۸۹

√way ۸۹

xšaieni- ۲۷

/tar- 50/78
 -tara- 110/125
 /taš 49
 tava 31/99/124
 tiŕra- 22/60/7.
 tarasaiti 5.
 tū 124
 /θag- 91
 /θanĵ 91
 erāyō- 98
 /verah 89
 -ewa- 122
 -una 104
 us/z 117
 /vār 3.
 vāta 48
 /vaēg 81
 /vaēk 8.
 vaēm 17
 /var 72/93
 /varəd 79
 vō 3.

*vivāra- 72
 xaoda- 94
 xaoða- 28
 xara- 94
 /xri 92
 xšap- 41
 *xšīra- 20/7.
 xšōienī- 27
 xʰafna- 77
 *xʰāra- 77
 /xʰaēd 128
 xʰaēða- 29
 xʰanhar- 77
 /xʰap 89
 /xʰar 72/77
 xʰarənah- 77
 xʰīsa- 128
 yā- 119
 yūsmākəm 17/125
 yūzðm 17
 /zā- 95
 zauruna- 54
 zərəd- 54

mātar- 17/49
 maḍu- 42/47
 maēva- 26/43/60
 ymaēz 82
 maṽna- 66
 mana 55/122
 mahrka- 62
 mīžda- 21
 mēreta- 49/67
 nāman- 29
 naēza- 26
 nava- 31/55
 nī- 116
 nūrām 23
 nūrēm 23
 pād- 18
 pād- 38
 paḍa- 37
 ypaēs- 22/91
 pañca- 37/62
 para- 39
 *parasu- 37
 pasu- 51
 pašman- 53
 pitar- 22/36
 pīvah- 37
 pērenu- 63
 ypū 96/98
 puera- 24/36/68
 rāšta- 17

rāšta- 52
 yṛāz 79
 yṛaēk 80
 yṛaēš 82
 yṛaēz 54
 raočana- 62
 raoxšna- 28/56
 yṛī 97
 *yṛū 98
 yṣak 86
 saočayeiti- 62
 ysaok 62/83
 *saoka- 28/62
 sarah- 20
 ysnā 96
 spāda- 39
 spāḍa- 39
 spiš- 22/51
 ystā 87
 -stāna- 111
 ystū 97
 stūra- 23/51
 suxra- 25/51/70
 yšav- 59
 yšyav- 59
 -ta- 105
 *taēva- 60
 ytak 75/85
 *ytaog 83
 ytap 42/89

včar ۷۷/۸۷
 čaraiti- ۵۸
 čarəman- ۵۸
 čaewārō- ۳۵
 čaəwar- ۳۵
 čašman- ۵۳/۵۹
 čaxra- ۵۶/۶۹
 činah- ۱۰۸
 čiera- ۶۰/۶۹
 vđā ۸۸
 -dāna- ۴۵
 dānu- ۳۰
 vđār- ۴۵/۷۳
 vđab ۴۰
 vdaēs ۸۲
 dantan ۴۴/۴۹
 vđacg- ۸۳
 darəva- ۴۴
 darena- ۷۳
 dasā- ۲۰/۴۴
 vđav ۴۷
 vđū ۹۸
 dugədar- ۲۴/۴۴/۴۹/۷۱
 duvədar- ۲۴/۴۵/۴۹/۷۱
 duma- ۲۵/۴۵
 dvar ۳۱/۴۵
 *faēna- ۳۹
 frā- ۱۱۵
 fra- ۱۱۸
 vfras ۹۰

gaona- ۱۰۹
 vgaoš ۸۴
 gaoša- ۱۶/۲۸/۵۳/۶۶
 vgaoz ۴۸
 garəma- ۱۹/۵۶
 vgarəz ۷۵
 gau- ۲۸
 haētu- ۲۶/۶۵
 vhaēz ۸۱
 hadā- ۱۱۳
 haša- ۱۱۳/۱۱۴
 haša-aēsma- ۱۱۴
 haša-hunara- ۱۱۴
 haša-zaoera- ۱۱۴
 han/m- ۱۱۴
 hapta- ۱۹/۴۲
 haurva- ۵۷
 vkā ۹۶
 -ka- ۱۰۵
 kaša ۲۰
 kaēnā- ۲۶
 vkaoš ۸۵
 vkar ۹۳
 kahrka- ۱۹/۶۴
 kahrkāsa- ۱۹/۶۰/۶۴
 vkarət ۷۶
 vkas- ۷۶/۷۷
 *kərəmi- ۴۳
 kərənao- ۶۳/۷۳
 vmā(y) ۴۳/۹۴

۱- اوستایی

ā- ۱۱۵
 *ādayana- ۴۷/۵۵
 -āka- ۱۰۰
 -āna- ۱۰۴
 yāp ۷۹
 āsu- ۴
 *āta- ۱۰۷
 āer- ۶۹
 āyu- ۳۲
 a- ۱۱۲
 aibišaētan- ۲۷
 -aēna- ۱۰۸
 aēva- ۲۵
 aēxa- ۲۶/۶۵
 aʔra- ۵۷/۶۹
 ahmākəm ۱۷/۱۲۳
 -aka- ۱۰۲
 -əma- ۱۰۹
 an- ۱۱۲
 ana- ۱۱۲
 -ana- ۱۰۳
 anaʔra- ۵۷
 -an-ya- ۱۰۷
 *apa-daēs- ۴۲/۴۷

arəma- ۴۳
 aršti- ۶۱
 auruša- ۲۸/۵۲
 airyana- ۲۹
 ašta- ۱۸/۵۲
 axšaēna- ۲۷/۷۱
 aya- ۶۴
 azəm- ۲۰/۵۴/۱۲۲
 bānu- ۲۹/۳۲
 bāzu- ۳۴
 baēvar- ۳۳
 yband ۳۳
 baoiōi- ۳۲
 ybarəg ۳۵
 barəša- ۳۳
 barazah- ۳۴
 barəziš- ۳۴
 brātar- ۴۱
 /brī ۹۲
 brvat- ۲۳/۴۰
 bərozant- ۳۴
 buna- ۲۴
 čakāiti- ۶۰
 čāt- ۵۸